

۱۴۰۳



وحدت و همگرایی

در اندیشه

روزنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌های فلسفی، ادبی و تاریخی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی

نویسنده:

رضا وطن دوست

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۳	سخن ناشر
۲۵	مقدمه
۲۷	فصل اول: کلیات
۲۷	مفهوم وحدت
۳۱	گستره وحدت
۳۱	اشاره
۳۱	۱. همگرایی در جامعه جهانی
۳۳	۲. همگرایی در میان پیروان ادیان آسمانی
۳۴	۳. همگرایی در جامعه اسلامی
۳۵	فصل دوم: ضرورت و اهمیت همگرایی
۳۵	اشاره
۳۵	الف) ضرورت عقلانی
۳۷	ب) ضرورت وحیانی
۳۷	اشاره
۳۸	۱. ارزش وحدت در قرآن
۳۸	اشاره
۳۸	۱-۱) همگرایی نعمتی الهی
۳۹	۱-۲) وحدت، فلسفه بعثت پیامبران
۴۰	۱-۳) وحدت گرایی، نمادی از تولی و تبری

- ۴۲ ۴-۱) وحدت گرایي، محبوب خدا
- ۴۳ ۵-۱) سازش با گوساله پرستی به پاس وحدت
- ۴۴ ۲. زشتی تفرقه در قرآن
- ۴۴ اشاره
- ۴۴ ۲-۱) تفرقه، انحراف از راه فطرت
- ۴۵ ۲-۲) تفرقه، عذابی الهی
- ۴۵ ۲-۳) تفرقه، نغمه ای شیطانی
- ۴۶ ۲-۴) بیزاری پیامبر از گروه گرایي
- ۴۷ ۲-۵) ضرورت دوری از فرقه گرایان
- ۴۷ ۲-۶) وحدت شکنی، بغی و ستمگری
- ۴۹ فصل سوم: حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح
- ۴۹ اشاره
- ۴۹ الف) وحدت در نظام تکوین
- ۵۰ ب) وحدت در امر دین
- ۵۴ ج) وحدت در نظام اجتماعی اسلام
- ۵۴ اشاره
- ۵۵ وحدت، تداوم زندگی اجتماعی
- ۵۹ فصل چهارم: تلاش پیشوایان در امر تحقق وحدت
- ۵۹ ۱- تلاش پیشوایان معصوم(علیهم السلام)
- ۵۹ اشاره
- ۵۹ الف) وحدت در گفتار
- ۶۱ ب) وحدت در رفتار
- ۶۱ اشاره
- ۶۲ ۱. اقدامات عملی پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
- ۶۲ اشاره
- ۶۲ ۱-۱) اخذ بیعت

۶۳	۲-۱) انعقاد پیمان
۶۳	۳-۱) تشکیل حکومت
۶۵	۴-۱) عقد اخوت
۶۶	۵-۱) محو عوامل تفرقه
۶۶	۶-۱) نماز جماعت
۶۸	۷-۱) بنای مسجد
۶۸	۸-۱) برقراری ارتباط عاطفی
۶۹	۹-۱) ازدواجهای جهت دار
۷۰	۲. اقدامات عملی امامان
۷۰	اشاره
۷۱	حفظ وحدت در رفتار سیاسی امام علی (علیه السلام)
۷۱	اشاره
۷۱	الف) رفتار امام با خلیفه اول
۷۳	ب) رفتار امام با خلیفه دوم
۷۴	ج) رفتار امام با خلیفه سوم
۷۴	اشاره
۷۶	حفظ وحدت در رفتار دیگر امامان
۷۷	۲- تلاش علمای دینی
۷۷	اشاره
۷۷	الف) اندیشمندان شیعه
۷۹	ب) اندیشمندان اهل سنت
۸۳	فصل پنجم: جانمایه های وحدت
۸۳	اشاره
۸۴	الف) زمینه های وحدت (هستهها)
۸۴	اشاره
۸۴	۱. ایمان

۸۴ اشاره
۸۶ (۱-۱) خدا و پیامبر
۸۷ (۲-۱) قرآن و سنت
۸۸ ۲. امت واحده
۸۹ ۳. دوستی اهل بیت
۹۲ ۴. قبله واحد
۹۲ ۵. حج
۹۴ ۶. اجتهاد
۹۶ ۷. زبان عربی
۹۶ ۸. وحدت عمل در احکام
۹۷ ۹. جمع گرایی در عبادات
۹۸ ۱۰. دشمن مشترک
۹۹ ۱۱. اخوت ایمانی
۱۰۰ (ب) راهکارهای وحدت آفرین (بایدها)
۱۰۰ ۱. جهت دهی به شعائر اسلامی
۱۰۱ ۲. همدلی در جوامع اسلامی
۱۰۲ ۳. شناخت متقابل
۱۰۳ ۴. گفت و گوی مثبت
۱۰۵ ۵. تسامح در چندگرایی
۱۰۷ ۶. نقد دور از توهین
۱۰۸ ۷. عفو و مدارا
۱۱۰ ۸. پیراستگی
۱۱۰ ۹. عبرت از تاریخ
۱۱۲ ۱۰. ادب معاشرت
۱۱۳ ۱۱. امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۴ ۱۲. اصلاح و آشتی

۱۱۷	فصل ششم: ریشه های تفرقه و پراکندگی
۱۱۷	اشاره
۱۱۸	الف) آسیبهای درونی
۱۱۸	۱. انحراف عقیده
۱۱۹	۲. برداشتهای یک سونگرانه از دین
۱۲۰	۳. تحجرگرایی و مطلق انگاری
۱۲۱	۴. نژادپرستی
۱۲۲	۵. ناآگاهی
۱۲۴	۶. پیمان شکنی
۱۲۵	۷. شایعه پراکنی
۱۲۶	۸. نفاق و دورویی
۱۲۶	۹. قهر و جدایی
۱۲۷	۱۰. ناسزاگویی
۱۲۹	۱۱. ناپاکی درونی
۱۲۹	ب) آسیبهای بیرونی
۱۲۹	اشاره
۱۳۰	۱. تجزیة دولتها
۱۳۲	۲. مشابه سازی دینی
۱۳۳	۳. شبهه افکنی
۱۳۳	۴. فرقه تراشی و مکتب سازی
۱۳۵	۵. تقویت اقلیتهای دینی
۱۳۷	۶. تحریک ملیت پرستی
۱۳۹	۷. ترویج روشن فکری وارداتی
۱۴۲	۸. نقشه استعمار در مبارزه با زبان عربی
۱۴۲	فصل هفتم: آثار و پیامدها
۱۴۲	اشاره

- ۱۴۳ الف) آثار وحدت گزایی
- ۱۴۳ اشاره
- ۱۴۴ ۱. توانایی و ظفرمندی
- ۱۴۵ ۲. حفظ قدرت در برابر دشمن
- ۱۴۶ ۳. امنیت و آرامش
- ۱۴۷ ۴. خرسندی پیامبر رحمت
- ۱۴۸ ب) پیامدهای وحدت گزایی
- ۱۴۸ اشاره
- ۱۴۸ ۱. قطع کمکهای متقابل
- ۱۴۸ ۲. ضعف و سستی مسلمانان و طمع دشمن
- ۱۵۰ ۳. جنگ داخلی
- ۱۵۰ ۴. چیرگی باطل گرایان
- ۱۵۱ ۵. گرفتار شدن در چنگ شیطان
- ۱۵۲ ۶. نابودی
- ۱۵۲ ۷. گرفتار شدن در عذاب الهی
- ۱۵۳ جمع بندی و چکیده
- ۱۵۹ کتابنامه
- ۱۶۹ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: وطن دوست، رضا، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور: وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی / رضا وطن دوست.

مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۳-۶۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۵]- ۱۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: وحدت اسلامی

موضوع: همبستگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

رده بندی کنگره: BP۲۳۳/۵ و ۳ و ۶ و ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۴۷۰۴۱

ص: ۱

اشاره

نام کتاب: وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی

نویسنده: رضا وطن دوست

ویراستار: محمود نظری پور

نمونه خوان: مهدی بوژمهرانی

طراح جلد: جواد سعیدی

چاپ اول: فروردین ۱۳۸۸

چاپ دوم: خرداد ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

مدیر اجرایی پژوهش و ناظر چاپ: علی اصغریار

حروفچینی و صفحه آرایی: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی قدس

مرکز توزیع

مشهد مقدس: حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی

صندوق پستی: ۱۱۹۳-۹۱۷۳۵ تلفن و دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷

www.razavi.ac.ir

حق چاپ محفوظ است

ص: ۲

سخن ناشر..... ۹

مقدمه..... ۱۱

فصل اول: کلیات (۲۰-۱۳)

مفهوم وحدت..... ۱۳

گستره وحدت..... ۱۷

۱. همگرایی در جامعه جهانی..... ۱۷

۲. همگرایی در میان پیروان ادیان آسمانی..... ۱۹

۳. همگرایی در جامعه اسلامی..... ۲۰

فصل دوم: ضرورت و اهمیت همگرایی (۳۳-۲۱)

الف) ضرورت عقلانی..... ۲۱

ب) ضرورت وحیانی..... ۲۳

۱. ارزش وحدت در قرآن..... ۲۴

۱-۱) همگرایی نعمتی الهی..... ۲۴

۲-۱) وحدت، فلسفه بعثت پیامبران..... ۲۵

۳-۱) وحدت گرایی، نمادی از تولی و تبری..... ۲۶

۴-۱) وحدت گرایی، محبوب خدا..... ۲۸

۵-۱) سازش با گوساله پرستی به پاس وحدت..... ۲۹

۲. زشتی تفرقه در قرآن..... ۳۰

۱-۲) تفرقه، انحراف از راه فطرت..... ۳۰

۲-۲) تفرقه، عذابی الهی..... ۳۱

۳-۲) تفرقه، نغمه ای شیطانی..... ۳۱

۴-۲) بیزاری پیامبر از گروه گرایی..... ۳۲

۵-۲) ضرورت دوری از فرقه گرایان..... ۳۳

۶-۲) وحدت شکنی، بغی و ستمگری..... ۳۳

فصل سوم: حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح

(۳۵-۴۴)

الف) وحدت در نظام تکوین..... ۳۵

ب) وحدت در امر دین..... ۳۶

ج) وحدت در نظام اجتماعی اسلام..... ۴۰

وحدت، تداوم زندگی اجتماعی..... ۴۱

فصل چهارم: تلاش پیشوایان در امر تحقق وحدت

(۴۵-۶۸)

۱- تلاش پیشوایان معصوم (علیهم السلام)..... ۴۵

الف) وحدت در گفتار..... ۴۵

ب) وحدت در رفتار..... ۴۷

۱. اقدامات عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) .. ۴۸

۱-۱) اخذ بیعت..... ۴۸

۲-۲) انعقاد پیمان..... ۴۹

۳-۱) تشکیل حکومت..... ۴۹

ص: ۴

- ۴-۱) عقد اخوت ۵۱
- ۵-۱) محو عوامل تفرقه ۵۲
- ۶-۱) نماز جماعت ۵۲
- ۷-۱) بنای مسجد ۵۴
- ۸-۱) برقراری ارتباط عاطفی ۵۴
- ۹-۱) ازدواجهای جهت دار ۵۵
۲. اقدامات عملی امامان ۵۶
- حفظ وحدت در رفتار سیاسی امام علی ۵۷
- الف) رفتار امام با خلیفه اول ۵۷
- ب) رفتار امام با خلیفه دوم ۵۹
- ج) رفتار امام با خلیفه سوم ۶۰
- حفظ وحدت در رفتار دیگر امامان ۶۲
- ۲- تلاش علمای دینی ۶۳
- الف) اندیشمندان شیعه ۶۳
- ب) اندیشمندان اهل سنت ۶۵
- فصل پنجم: جانمایه های وحدت (۶۹-۱۰۲)
- الف) زمینه های وحدت (هستها) ۷۰
۱. ایمان ۷۰
- ۱-۱) خدا و پیامبر ۷۲
- ۲-۲) قرآن و سنت ۷۳

۲. امت واحده..... ۷۴

۳. دوستی اهل بیت..... ۷۵

۴. قبله واحد..... ۷۸

۵. حج..... ۷۸

۶. اجتهاد..... ۸۰

۷. زبان عربی..... ۸۲

ص: ۵

۸. وحدت عمل در احکام..... ۸۲
۹. جمع گرایی در عبادات..... ۸۳
۱۰. دشمن مشترک..... ۸۴
۱۱. اخوت ایمانی..... ۸۵
- ب) راهکارهای وحدت آفرین (بایدها)..... ۸۶
۱. جهت دهی به شعائر اسلامی..... ۸۶
۲. همدلی در جوامع اسلامی..... ۸۷
۳. شناخت متقابل..... ۸۸
۴. گفت و گوی مثبت..... ۸۹
۵. تسامح در چند گرایی..... ۹۱
۶. نقد دور از توهین..... ۹۳
۷. عفو و مدارا..... ۹۴
۸. پیراستگی..... ۹۶
۹. عبرت از تاریخ..... ۹۶
۱۰. ادب معاشرت..... ۹۸
۱۱. امر به معروف و نهی از منکر..... ۹۹
۱۲. اصلاح و آشتی..... ۱۰۰

فصل ششم: ریشه های تفرقه و پراکندگی

(۱۰۳-۱۲۸)

- الف) آسیبهای درونی..... ۱۰۴

۱. انحراف عقیده..... ۱۰۴

۲. برداشتهای یک سونگرانه از دین..... ۱۰۵

۳. تحجرگرایی و مطلق انگاری..... ۱۰۶

۴. نژادپرستی..... ۱۰۷

۵. ناآگاهی..... ۱۰۸

۶. پیمان شکنی..... ۱۱۰

۷. شایعه پراکنی..... ۱۱۱

ص: ۶

۸. نفاق و دورویی..... ۱۱۲
۹. قهر و جدایی..... ۱۱۲
۱۰. ناسزاگویی..... ۱۱۳
۱۱. ناپاکی درونی..... ۱۱۵
- ب) آسیبهای بیرونی..... ۱۱۵
۱. تجزیة دولتها..... ۱۱۶
۲. مشابه سازی دینی..... ۱۱۸
۳. شبهه افکنی..... ۱۱۹
۴. فرقه تراشی و مکتب سازی..... ۱۱۹
۵. تقویت اقلیتهای دینی..... ۱۲۱
۶. تحریک ملیت پرستی..... ۱۲۳
۷. ترویج روشن فکری وارداتی..... ۱۲۵
۸. نقشه استعمار در مبارزه با زبان عربی..... ۱۲۸
- فصل هفتم: آثار و پیامدها (۱۲۹-۱۴۳)
- الف) آثار وحدت گرایی..... ۱۲۹
۱. توانایی و ظفرمندی..... ۱۳۰
۲. حفظ قدرت در برابر دشمن..... ۱۳۱
۳. امنیت و آرامش..... ۱۳۲
۴. خرسندی پیامبر رحمت..... ۱۳۳
- ب) پیامدهای وحدت گریزی..... ۱۳۴

۱. قطع کمکهای متقابل ۱۳۴
۲. ضعف و سستی مسلمانان و طمع دشمن ۱۳۴
۳. جنگ داخلی ۱۳۶
۴. چیرگی باطل گرایان ۱۳۶
۵. گرفتار شدن در چنگ شیطان ۱۳۷
۶. نابودی ۱۳۸

ص: ۷

۷. گرفتار شدن در عذاب الهی..... ۱۳۸

جمع بندی و چکیده..... ۱۳۹

کتابنامه..... ۱۴۵

ص: ۸

اکنون که دشمنان برای سرنگونی اسلام و سرکوبی مسلمانان تمام توان خویش را به کار گرفته اند و با زور، تهدید و به کار بستن انواع نقشه ها در پی صد پاره نمودن جامعه اسلامی هستند، بایسته است مسلمانان با تمام گرایشها و سلیقه ها به خود آیند و پیشینه عزتمند خویش را به یاد آورند و عوامل فاصله گرفتن از آن را مورد مطالعه قرار دهند و با عبرت گیری از آن، سلیقه های فردی و برترینیهای مذهبی و قومی خویش را کنار نهند و از واگرایی و چنددستگی دست بردارند و به عزت اسلامی خود که یادآور خاطرات شیرین خندق، خیبر، فتح اندلس و قسطنطنیه است، بازگردند و با وحدت و همگرایی که برخاسته از اندیشه اسلام است، برای تحقق آرمانهای جهانی اسلام بکوشند.

امامان معصوم (علیهم السّلام) و پیروان راستینشان از دیرباز در پی اتحاد امت اسلامی و تقریب مذاهب بوده و در این مسیر تلاشها نموده اند. در همین راستا و با درک نیاز زمان، مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۶ ه. ش را «سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند تا این خود زمینه ای گردد برای نگاه دوباره به این اصل اساسی و تلاش مداوم برای تحقق آن. پوشیده نیست که دست

یافتن به اتحاد و انسجام و تعمیق آن، نیازمند بسترسازی، ارائه راهکارهای مناسب و آسیب شناسی عالمانه است. این امور در قدم نخست، نیازمند مطالعه و پژوهش در ابعاد گوناگون وحدت است. از این رو، در پاسخ به ندای رهبر انقلاب، مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی مطالعه درباره راهها و آسیبهای وحدت و همگرایی را در دستور کار خود قرار داد. حاصل این تلاش کتابی است به قلم فاضل ارجمند حجی الاسلام و المسلمین رضا وطن دوست. امید است نظرها و پیشنهادهای خویش را درباره کتاب حاضر به این مرکز ارسال فرمایید.

در پایان لازم است از تمام کسانی که برای به ثمر نشستن این اثر تلاش کردند، به ویژه اساتید بزرگوار راهنما و ارزیاب، حضرت آیی الله واعظ زاده خراسانی و حجج اسلام محمدباقر فرزانه، دکتر جواد ایروانی، سیدجعفر علوی و علی جلائیان اکبرنیا تشکر و قدردانی نمایم.

مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ص: ۱۰

وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی، پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چرا که وحدت در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است. وحدت نه تنها ریشه در عقاید و شریعت اسلام دارد که حیات امت اسلامی و تاریخ این امت بر آن استوار است.

وحدت و همگرایی هدفی عالی و آرمانی است که اگر به خوبی تبیین شود و در جامعه اسلامی تحقق یابد، گذشته عزتمندانه اسلام و مسلمانان و تاریخ درخشان فتح خندق و خیبر را تداعی می کند و خاطرات شیرین فرو ریختن کاخهای شام و مدائن و تسلیم امپراتوریهای بزرگ روم و ایران در برابر فرهنگ عزتمند اسلام را به یاد می آورد؛ اما باید دانست که تحقق این هدف، نه با اعجاز که با تدبیر آگاهانه، تصمیم دلسوزانه و تلاش مسئولانه تمامی عالمان و حاکمان و نیز با همکاری عموم مسلمانان امکان پذیر است. از این رو، لازم است برای رسیدن به این هدف عالی، کاری بنیادین و تلاشی دوباره صورت گیرد و برای تحقق آن در جامعه، راهکارهایی وحدت آفرین ارائه گردد؛ چرا که بدون تحقیق و درنگ در این باره، نه

می توان به مبانی و عوامل وحدت آفرین آن پی برد و نه می توان شاهد تحقق و گسترش آن در جامعه بود.

این جستار که نگاهی گذرا به وحدت در اندیشه سیاسی اسلام دارد، به منظور آشنایی جامعه با ضرورت حیانی و عقلانی وحدت، توجه به پیوند عمیق وحدت در نظام اجتماعی اسلام با نظام تکوین و تشریح و نیز زمینه سازی برای تحقق همگرایی و گسترش آن در جامعه، سامان یافته است.

ص: ۱۲

بحث از وحدت و همدلی بدون ارزیابی و شناخت درست مفهوم «وحدت»، محکوم به جزئی نگری است. از این رو، پیش از گفت و گو درباره چگونگی وحدت و دیگر مباحث مربوط به آن، نگاهی گذرا به مفهوم وحدت، امری بایسته است.

وحدت در مباحث فلسفی به این معناست که دو شیء از خصوصیات فردی خود خالی شده و در قالب شیئی واحد تجلی کنند: «الاتحاد صیروری شیئاً واحداً من غیر زیادی و لا نقصان»^(۱) بدیهی است که بر اثر این به هم پیوستگی، دوگانگی از میان می رود و آن دو یکی شده، به صورت شیء سومی در می آیند؛ اما آن گاه که در مسائل اجتماعی، از وحدت و یگانگی سخن به میان می آید، مقصود این نیست که یکی از دو شیء «الف» و «ب» از بین برود و یا یکی از آن دو به دیگری تبدیل گردد و

نیز منظور

ص: ۱۳

۱- شیخ مفید، النکت الاعتقادیة، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۹.

این نیست که آن دو از میان رفته، شیء سومی پدید آید،^(۱) چرا که در عمل، وحدت به این معنا نه معقول است و نه ممکن، بلکه معنای اتحاد این است که چند شیء در عین کثرتشان مشترک باشند و به لحاظ اشتراکشان نوعی وحدت حاصل کنند. هرگاه سخن از اتحاد است، هم جهت کثرت ملحوظ است و هم جهت وحدت. شیء واحد از آن رو که واحد است، اتحادش امری نامعقول و تحصیل حاصل است و اشیاء متعدد نیز از آن رو که متعددند، امکان ندارد متحد باشند، زیرا محال است که دو چیز به لحاظ کثرتشان وحدت یابند و به لحاظ آنکه دو چیزند، یکی شوند، بلکه اتحاد در مسائل اجتماعی تنها در جایی متصور است که اشیاء متعدد وجه اشتراک داشته باشند و به لحاظ همان وجه اشتراک، اتحاد یابند؛ درست مانند «عام و خاص من وجه» که در عین داشتن وجه افتراق، وجه مشترک نیز دارند. به دیگر سخن، وحدتی که در این مقوله مد نظر است، «صیروری شیئاً واحداً» نیست، بلکه منظور «انضمام الآحاد معاً» است.

بنابراین، آن گاه که سخن از وحدت جامعه اسلامی به میان می آید، تصور ما این نیست که مسلمانان نباید در هیچ امری اختلاف داشته باشند و یا اینکه تمامی مسلمانان تحت حکومت و قانونی واحد زندگی کنند و با کثرت زبان و تنوع نژادی که دارند، همه پذیرای یک نژاد و یک لهجه باشند و از نژاد و لهجه شان دست بردارند؛ چرا که این وحدت برخلاف سنت الهی و طبیعت بشر است و هرگز محقق نشده و نخواهد شد. آنچه به نظر درست می آید، اتحاد و همدلی مسلمانان با وجود ایده ها و عقاید مختلف است؛ یعنی تمامی فرق اسلامی با آنکه به لحاظ زبانی، نژادی، سرزمینی و عقیدتی متفاوت اند و هر کدام مشخصات و ممیزات ویژه خود

ص: ۱۴

۱- نک: مدیریت ویژه نشر آثار مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۱۴.

را دارند، به یک هماهنگی برسند و با حفظ ممیزات خود، حول مشترکات خویش به اتحاد و اتفاق دست یابند.

به دیگر سخن، منظور از وحدت، وحدت مذهبی نیست تا فرقی اسلامی به منظور دست یافتن به آن، معتقدات خویش را کنار نهند و در عقاید و اصول مورد پذیرش خویش مصالحه نمایند؛ همچنان که مقصود این نیست که در هیچ یک از اصول و فروع، اختلاف نظر نداشته باشند و یا از ممیزات خود سخن نگویند. امام خمینی در این باره می گوید:

وحدت اسلامی به این معنا نیست که همه به طور اجبار از یک مذهبی پیروی کنند، بلکه به معنای اتحاد و انسجام برای تحقق آرمانهای جهانی و عمیق اسلام و بیرون راندن دشمنان متجاوز و ضد اسلام است. (۱)

رهبر معظم انقلاب آیی الله خامنه ای نیز نزدیک به همین مضمون می گوید:

آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست... می خواهیم به همه مسلمانان از شیعه و سنی بگوییم و تذکر دهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید... و آن نقاط اشتراک بیش از نقاط افتراق است.

اما مخالفان اتحاد و همدلی در جوامع اسلامی، با تفسیری نادرست و غیر منطقی از وحدت در میان مسلمانان، آن را وحدت مذهبی قلمداد می کنند تا از این طریق، آن را ناممکن و تحقق نیافتنی جلوه دهند. شهید مطهری در رد این توجیه نادرست می گوید:

مخالفین اتحاد اسلامی، برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیر

ص: ۱۵

۱- امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۲.

منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشن فکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نیست که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.^(۱)

بنابراین، وحدت اسلامی از نوع اقل و اکثر ارتباطی نیست تا با از میان رفتن برخی، همه از میان بروند و گفته شود: «یا همه یا هیچ»، بلکه این موضوع جای قاعده «المیسور لایسقط إلا بالمعسور» است؛ زیرا هر چند اتحاد کامل در میان فرق اسلامی امکان پذیر نیست، ولی نباید از حد اقلها غفلت کرد.^(۲)

توضیح آنکه وحدت چند نوع است:

۱) وحدت مطلق: یعنی وحدت کامل و اتفاق نظر تمام مسلمانان در تمامی عقاید و احکام اسلامی. بدیهی است که به سبب تنوع آراء و اندیشه ها، این گونه وحدت، امری ناممکن است؛ چنان که تاریخ بشر و به ویژه تاریخ اسلام به روشنی بر این مطلب گواهی می دهد.

۲) وحدت مصلحتی: یعنی افراد و گروهها در پی تهدید عوامل خارجی گرد هم آیند و به منظور رفع خطر احتمالی، به وحدت لازم دست یابند. بدیهی است که این وحدت دوام چندانی نخواهد یافت؛ چرا که با رفع خطر احتمالی، وحدت نیز از میان خواهد رفت. استاد محمدتقی جعفری در مقدمه خود بر کتاب «استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام» در این باره می گوید:

چون این اتحاد و هماهنگی، معلول عوامل جبری خارج از متن دین

ص: ۱۶

۱- مرتضی مطهری، یادنامه علامه امینی، «الغدیر و وحدت اسلامی»، قم، انتشارات رسالت، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ق، ص ۲۳۴.

۲- نک: همان، ص ۲۳۵.

است، با از بین رفتن آن عوامل، این اتحاد نیز منتفی می شود و به تناسب کاهش یا افزایش نیروی آن عوامل، میزان این اتحاد موقت و مصلحتی نیز کاهش یا افزایش می یابد. (۱)

۳) وحدت معقول: یعنی تمام فرقه ها و ملتهای اسلامی کلیات و اصول مشترک اسلام را بپذیرند و ویژگیهای قومی، عقاید شخصی، فرهنگ محلی و جغرافیایی و خصوصیات مربوط به خود را کنار نهند. این نوع وحدت، برخلاف دو نوع دیگر، امری شدنی و دوام یافتنی است؛ اما باید گفت تحقق این نوع وحدت، مبتنی بر کلان نگری، جامع نگری، خردورزی و رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصبات غیر منطقی است. کاری که شخصیتهای آینده نگری چون آیه الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت انجام دادند، نمونه ای از این وحدت معقول است. (۲)

گستره وحدت

اشاره

با مراجعه به آیات قرآن در خواهیم یافت که تأکید قرآن بر ضرورت وحدت و همگرایی در جوامع بشری، منحصر به موردی خاص نیست و آن گاه که قرآن از این گوهر گران بها سخن به میان آورده است، آن را در سطح جامعه جهانی، ادیان آسمانی و جامعه ایمانی مطرح ساخته است.

۱. همگرایی در جامعه جهانی

همگرایی انسانها در تمام گیتی و در طول تاریخ، با صرف نظر از زبان، زمان، نژاد، رنگ، ملیت و دین، مورد حمایت و تشویق قرآن قرار گرفته است. آن گاه که قرآن از این نوع همگرایی سخن به میان می آورد، محور

ص: ۱۷

۱- سیداحمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۹.

۲- نک: همان، ص ۳۰.

آن را انسانیت انسانها معرفی می کند. حتی می توان گفت آنچه در تفسیر واژه «امت» آمده است تأییدی بر این مطلب است که گفته اند: منظور از امت، جماعتی بزرگ است که خدا برای هدایت آن جماعت، پیامبری را فرستاده باشد، اعم از آنکه مردم به آن پیامبر ایمان بیاورند و یا او و آیین وی را انکار نمایند. آیاتی مانند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (۱) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)» (۲) مؤید این است که جوامع بشری در اقصا نقاط عالم، همه امت محمدی هستند، هر چند برخی دین اسلام را انکار کرده و به آن حضرت ایمان نیاورده باشند. از این روست که امت محمدی را به دو گروه «امه الاجابه» و «امه الدعوه» تقسیم کرده اند. منظور از گروه نخست کسانی اند که دعوت پیامبر اسلام را لیبیک گفته و به آیین او ایمان آورده اند. این گروه را «امت اسلامی» می خوانند. مقصود از گروه دوم نیز افرادی اند که به آیین اسلام دعوت شده اند، اما تاکنون به این آیین ایمان نیاورده اند. (۳)

اینکه قرآن کریم انسان را از هر رنگ و نژادی که باشد، آفریده شده از گوهری واحد (۴) و از یک پدر و مادر معرفی کرده است، (۵) دلیلی بر مطلب بالا است. اگر خداوند انسانها را دارای طایفه های گوناگونی قرار داده است، نه به این دلیل است که آنان به چندگرایی دچار شوند، بلکه برای آن است که شناخت آنان میسر باشد: « وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (۶) همان طور

ص: ۱۸

۱- «بگو: ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم»، اعراف (۷)، آیه ۱۵۸.

۲- «ما تو را جز برای رحمت به جهانیان نفرستادیم»، انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.

۳- یوسف قرضاوی، الامه الاسلامیه حقیقه لا وهم، بیروت، الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ص ۹-۱۱.

۴- نساء (۴)، آیه ۱

۵- حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

۶- حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

که برخورداری آنان از چندزبانی و چندنژادی نه به این خاطر است که به امتیازخواهی و برتری جویی آنان بینجامد، بلکه از آن روست که نشانی از آیات الهی و قدرت خداوندی باشد: «وَمِنْ آيَاتِهِ ... وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأَانِكُمْ» (۱).

به استناد همین دست از آیات قرآن است که امام علی در عهدنامه خود به مالک اشتر، مردم را به دو دسته «همسان در آفرینش» و «همانند در عقیده» تقسیم نمود: «فإنهم صنفان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (۲).

۲. همگرایی در میان پیروان ادیان آسمانی

قرآن کریم حقیقت ادیان آسمانی را امری واحد دانسته و همه را به تسلیم شدن در برابر خداوند بزرگ معرفی کرده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (۳). همچنین قرآن سه اصل بنیادین توحید، نبوت و معاد را از اصول مشترک این دین شمرده است که همه ادیان

آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند؛ (۴) چنان که انکار هر یک از این اصول را مایه گمراهی و بیرون شدن از دین دانسته است: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»؛ هر کس که خدا، فرشتگان، کتابها و پیامبران الهی و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است. (۵)

با توجه به همین مشترکات است که قرآن وقتی از اتحاد پیروان ادیان آسمانی سخن به میان می آورد، همه را به اصول مشترک و از جمله به

ص: ۱۹

۱- روم (۳۰)، آیه ۲۲.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۵۳، ص ۹۹۳.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۴- بقره (۲)، آیه ۱۷۷.

۵- نساء (۴)، آیه ۱۳۶.

توحید فرا خوانده، می گوید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» ؛ ای اهل کتاب، به سخنی روی آورید که میان ما و شما یکسان است و آن اینکه جز خداوند را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم. (۱)

۳. همگرایی در جامعه اسلامی

آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲) فرهنگ برادری و همگرایی ایمانی را در جامعه توحیدی پی ریخت و پیوندی عمیق با محوریت ایمان در میان یگانه پرستان پدید آورد. این پیوند با روایاتی همچون «المؤمن أخو المؤمن» (۳) و «المسلم أخو المسلم» (۴) تأکیدی مضاعف یافت.

روشن است که قرآن کریم این پیوند را پیوندی صوری و تشریفاتی نمی داند، بلکه پیوندی عمیق و مسئولیت آفرین می داند و از این رو، همگان را موظف کرده است تا هر تازه واردی را که توبه کرده و می خواهد به جامعه ایمانی درآید، در جمع برادرانه خود بپذیرند (۵) و دیگر برادران ایمانی را در پارسایی و کارهای نیک یاری دهند. (۶)

موضوع نوشتار حاضر، همین نوع سوم همگرایی است.

ص: ۲۰

۱- آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۲- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، قم، سیدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۲۸؛ ملامحسن فیض کاشانی، التفسیر الصافی، تهران، مکتبی الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۶۸.

۵- توبه (۹)، آیه ۱۱.

۶- مائده (۵)، آیه ۲.

اشاره

وحدت، عنصری از عناصر سازنده زندگی اجتماعی بشر و اصلی از اصول طبیعت و جهان آفرینش است و در زمره مهم ترین ایده ها و آرمانهای جوامع بشری قرار دارد.

در این فصل، ضرورت و اهمیت این حقیقت انکارناپذیر را از دیدگاه عقل و نقل بررسی می کنیم.

الف) ضرورت عقلانی

وحدت همچون نخی که دانه های تسییح را گرد می آورد، آحاد جامعه را در کنار هم نگه می دارد و در میان آنان ارتباطی عمیق و استوار برقرار می سازد و جامعه را از هرگونه پراکندگی مصون می دارد. از این رو، همان طور که خردمندان در انجام امور مهم، راه وحدت و تفاهم را در پیش می گیرند و برای دست یابی به اهداف عالی خود از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند، شریعت اسلام نیز که بر مبنایی عقلانی استوار است، با توجه به

رسالت خطیر مسلمانان، اساس جامعه ایمانی را بر اصلی محکم و استوار بنا نهاده و تمامی مسلمانان را امتی واحد خوانده است تا فارغ از وابستگیهای قومی، نژادی و سرزمینی، در برابر معبودی واحد سر فرود آورند و با هدایت رهبری واحد، به سوی مقصد واحد حرکت خود را سرعت بخشند. مگر نه این است که وقتی انسانها دست در دست هم نهند، گرمی و محبت به وجود می آید؟ و مگر نه این است که از جمع شدن قطره ها جویبارها پدید می آیند و از به هم پیوستن جویبارها رودخانه ها شکل می گیرند و از تجمع رودخانه ها دریایی خروشان به وجود می آید؟

وحدت است که عاملی مهم و حرکت آفرین برای جنبشها و انقلابها به شمار می آید، ناممکن ها را ممکن و دشواریها را آسان می کند و جوامع بشری را در پیشرفت به سوی تعالی و بالندگی، از گردنه های سخت عبور می دهد.

بی تردید آنان که نمی خواهند از من و تو «ما» شکل گیرد، بدخواه اسلام و جامعه اسلامی اند. پس ای برادر مسلمان، اگر بدخواهان و دشمنان دیرینه اسلام و مسلمانان برای تفرقه و پراکندگی جامعه اسلامی نقشه می کشند و برای به ذلت کشاندن ما طرحها می ریزند، چرا ما به اختلافاتمان دامن بزنیم؟ مگر نه این است که جامعه ما در فراز و نشیبی که تاکنون داشته است، هم طعم تلخ اختلاف و پراکندگی را چشیده است و هم شیرینی آشتی و همگرایی را؟

اینجاست که انسان به یاد سخن دردمندانۀ آن پیشوای پرهیزگاران می افتد که در نیایش با پروردگارش، از اینکه دشمنی ها در میان مردم آشکار شده و پراکندگی جامعه را به تباهی کشیده است، به خدایش شکایت کرده، می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبِي نَبِيْنَا وَ كَثْرِي عِدْوَنَا وَ تَشْتُّ أَهْوَانَنَا»؛ خدایا از اینکه پیامبران در میان ما نیست و دشمن ما بسیار و

ب) ضرورت و حیانی

اشاره

هرچند در دو قرن اخیر، اصطلاح «اتحاد اسلام» که می شود گفت ترجمه «پان اسلامیسیم» است، فراوان به کار رفته و در آثار غربی و شرقی تجلی خاصی یافته است، (۲) اما در حقیقت، این مفهوم سابقه ای طولانی دارد و شالوده آن در زمان نزول قرآن و حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شکل گرفته است؛ چرا که قرآن زیربنای اصلی این اتحاد را دستور مؤکد «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۳) قرار داده و اخوت ایمانی را نخستین و مهم ترین نهاد جامعه اسلامی معرفی کرده است و در یک دستور عمومی، آحاد جامعه ایمانی را موظف کرده تا دل‌های خویش را به یکدیگر نزدیک سازند و همه به ریسمان الهی چنگ زنند و هرگز از یکدیگر جدا نگردند. (۴)

قرآن کریم به موضوع وحدت و همدلی که امری حیاتی و استراتژیک است، نگاهی دوسویه دارد: از یک سو همگرایی در جامعه اسلامی را ستایش کرده و برای تحکیم آن، راهکارهای کارآمد و دستورالعمل‌های سازنده ارائه داده است و از سوی دیگر، واگرایی و وحدت‌گریزی را نکوهش نموده و برای پیش‌گیری از تفرقه، هشدارهایی روشنگرانه داده است.

اکنون برای آشنایی با نظرگاه قرآن در این باره، برخی نکات را که در

ص: ۲۳

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۱۵، ص ۸۶۰.

۲- نک: سید محمد محیط طباطبایی، سید جمال اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۶۵.

۳- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۴- نک: آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

تحکیم وحدت نقشی به سزا دارند، به تفکیک در دو بخش مطرح می گردد:

۱. ارزش وحدت در قرآن

اشاره

قرآن کریم با تعابیری مختلف، وحدت و همگرایی را ستایش کرده که تنها به چند مورد بسنده می شود:

۱-۱) همگرایی نعمتی الهی

همگرایی به گفته قرآن کریم نعمتی الهی است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» ؛ همه به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکند نشدید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که با هم دشمن بودید و او میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید؛ و بر پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن رها کرد. (۱)

در این آیه نکاتی وجود دارد که ضرورت وحدت و همدلی در جامعه اسلامی را نمایان می سازد: نخست آنکه خداوند بزرگ در این آیه به وحدت و همدلی فرمان داده و از تفرقه و پراکندگی نهی نموده است.

بدیهی است که امثال امر و نهی خدا امری لازم و بایسته است، همان طور که نافرمانی او گناهی بزرگ به شمار می آید. در اینجا به این نکته باید توجه کرد که قرآن به جای آنکه بگوید: به اسلام و قرآن چنگ بزنید، فرموده است: به ریسمان خدا چنگ زدید. روشن است که اگر انسانی در چاه سقوط کند، راه نجاتش در این است که طنابی به درون چاه بفرستند تا او به طناب چنگ زند و نجات یابد و در غیر این صورت، مرگش قطعی است. گویی ملتی که به تشنه و پراکندگی مبتلا گشته است، بسان فردی است که درون

ص: ۲۴

چاه افتاده و مرگش قطعی است.

نکته دوم که در این آیه اهمیت همگرایی را نشان می دهد، این است که وحدت و رهایی از آتش تفرقه و دشمنی، هم نعمتی بزرگ به شمار آمده و هم در ادامه آیه، آیتی از آیات خدا محسوب گشته است.

۱-۲) وحدت، فلسفه بعث پیامبران

از قرآن و دیگر آموزه های اسلامی استفاده می شود که نخستین چیزی که انسان به پرستش آن پرداخته، آفریدگار یکتا بوده است. این پرستش بر حسب همان فطرت پاک اوست، چنان که آمده: «ما من مولود فی بنی آدم إلا یولد علی الفطری...»^(۱). بت پرستی، دوگانه پرستی و اختلاف در دین، زاییده وهم و خیال انسان است که پس از یکتا پرستی، در میان بشر رخ نموده است. دلیل بر این مطلب، آیه زیر است که قرآن کریم فلسفه تشریح دین و بعث پیامبران را پیش گیری از هرگونه تفرقه و پراکندگی معرفی کرده است:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ» ؛ مردم امتی یگانه بودند. سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کنند.^(۲)

قرآن در این آیه، بعثت پیامبران را چشمه ای حیات آفرین معرفی کرده است که از منبع حیات، نشئت گرفته و برای هدایت و تأمین نیازهای معنوی بشر، در جوامع انسانی گسترش یافته است، از جمله این نیازها برخوردار می انسان از وحدت و همدلی در زندگی اجتماعی است.

ص: ۲۵

۱- احمد بن حسین بن علی بیهقی، السنن الکبری، بیروت، دار الفکر، بی تا، ج ۶، ص ۲۰۲.

۲- بقره (۲)، آیه ۲۱۳.

دلالت این آیه بر اهمیت وحدت در جامعه بشری از این جهت است که قرآن، نزول کتابهای آسمانی و بعثت پیامبران را برای فرو نشانیدن اختلافات و برقراری وحدت در جامعه معرفی کرده است.

قرآن در جای دیگری می گوید که وقتی حضرت عیسی (علیه السلام) به رسالت مبعوث گشت، درباره علت رسالت خود، انگشت روی مسئله حل اختلافات و ایجاد وحدت گذاشت و فرمود: « قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ »؛ من برای شما حکمت آورده ام و آمده ام تا برخی از چیزهایی را که در آنها اختلاف دارید، روشن کنم. او سپس درباره این مطلب که چگونه باید به وحدت دست یافت، ضرورت پروا داشتن از خداوند و پیروی از آیین خود را مطرح کرده است که پس از ایمان به خدا می آید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» (۱)

امام علی (علیه السلام) نیز وحدت را از جمله فلسفه بعثت پیامبران شمرده است:

در آن روزگار، زمینیان ملت‌هایی پراکنده بودند که با گرایشهای ناهمسو و روشهای پراکنده به سر می بردند. در یک سو گروهی بودند که برای شناخت خدا به قیاس توسل می جستند و در دیگر سو قومی زندگی می کردند که در نام خدا به وادی الحاد فرو غلتیده بودند و دیگر آنکه برخی بت پرستان پرستش غیر او را پیشه خود ساخته بودند. در چنین فضایی بود که خداوند پیامبرش را برانگیخت تا آنان را از گمراهی برهاند و از نادانی نجات دهد. (۲)

۱-۳) وحدت گرایی، نمادی از تولی و تبری

دو اصل تولی و تبری از جمله اصول مهم در سیاست داخلی و خارجی اسلام است. این دو اصل که نقش بسزا و تعیین کننده ای در نظام سیاسی

ص: ۲۶

۱- زخرف (۴۳)، آیه ۶۳.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱، ص ۳۵.

اسلام دارند، مسلمانان را از هر نوع تفرقه و پراکندگی بازمی دارند، همان طور که جامعه ایمانی را از دل بستن به بیگانگان و ناهمکیشان منع می کنند.

آن دسته از آیات قرآن که مسلمانان را به مودت، (۱) اخوت، اصلاح ذات البین، (۲) سلم، (۳) مرابطه (۴) و تعاون (۵) با دیگر برادران ایمانی فرا خوانده اند و یا آنان را از هر نوع تنازع، (۶) تفرقه، (۷) افساد (۸) و بغی (۹) برحذر داشته اند، همه حاکی از اصل تولی اند که اصلی بایسته در سیاست داخلی اسلام است. در کنار این آیات، بخش دیگری از آیات قرآن که مسلمانان را از دوستی با بیگانگان برحذر داشته (۱۰) و یا آنان را به جهاد با دشمن معاند مانند آیات: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (۱۱) «فَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ» (۱۲) «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ» (۱۳) و «فَقَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (۱۴) فرمان داده اند، همه حاکی از اصلی دیگر به نام تبری اند که اصلی بایسته در سیاست خارجی اسلام است.

روشن تر از همه، این آیه است که دو اصل تولی و تبری را در کنار هم آورده، می گوید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

ص: ۲۷

- ۱- نک: روم (۳۰)، آیه ۲۱.
- ۲- نک: حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.
- ۳- نک: بقره (۲)، آیه ۲۰۸.
- ۴- نک: آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.
- ۵- نک: مائده (۵)، آیه ۲.
- ۶- نک: انفال (۸)، آیه ۴۶.
- ۷- نک: شوری (۴۲)، آیه ۱۳ و ۱۴.
- ۸- نک: اعراف (۷)، آیه ۵۶.
- ۹- نک: نحل (۱۶)، آیه ۹۰.
- ۱۰- نک: توبه (۹)، آیه ۲۳؛ ممتحنه (۶۰)، آیه ۹.
- ۱۱- توبه (۹)، آیه ۱۲.
- ۱۲- توبه (۹)، آیه ۳۶.
- ۱۳- نساء (۴)، آیه ۷۶.
- ۱۴- توبه (۹)، آیه ۲۹.

بَيْنَهُمْ»؛ محمد فرستاده خداست، و آنان که با او

همراه اند، در برابر کفار سرسخت و در میان خود مهربان اند.^(۱)

۱-۴) وحدت گرایی، محبوب خدا

یکی از عواملی که موجب می شود خدا آدمیان را دوست بدارد، همدلی و وحدت گرایی است؛ چنان که قرآن در این باره فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صِغًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»؛ خداوند کسانی را که در صفی واحد همچون بنایی آهنین قرار دارند و در راه خدا پیکار می کنند، دوست دارد.^(۲)

همان طور که ملاحظه می شود، این آیه اعلام می کند که خداوند جهادگران را دوست دارد، اما باید توجه داشت که این دوستی، تنها به سبب حضور فیزیکی در معرکه جنگ نیست، بلکه از آن جهت نیز هست که جهادگران در صفی واحد و فشرده مانند سدی محکم قرار می گیرند و هرگونه حمله زیانبار دشمن را دفع می کنند؛^(۳) چرا که در هر بنای استوار، هرچند هر یک از اجزاء نقشی دارد، ولی ناگفته روشن است که این نقش در صورتی مؤثر واقع می شود که تمام آن اجزا به هم بیوندند و چنان متحد گردند که هیچ شکاف و راه نفوذی در میان آنان نباشد. تعبیر «بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» در این آیه، جالب ترین و گویا ترین تعبیری است که در این باره به کار رفته است.

بنابراین، آنچه پیروزی را به ارمغان می آورد، صفوف درهم فشرده مجاهدان است که در این صورت، نه تنها در معرکه های نظامی، که در

ص: ۲۸

۱- فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۲- صف (۶۱)، آیه ۴.

۳- نک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی جا، ج ۹، ص ۵۹۲؛ شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹-۱۰ (در یک مجلد)، ص ۴۱۸.

عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز پیروز خواهند شد. (۱) اما صد افسوس که این دستور قرآن در جامعه کنونی ما مغفول مانده است و نه تنها جامعه ای محکم و استوار به نام «بنیان مرصوص» وجود ندارد، که هر کسی هوایی در سر و هوسی در دل دارد و مسلمانان برخلاف دستور صریح قرآن که باید صفی واحد باشند، در مقابل یکدیگر قرار دارند. مفهوم مخالف آیه یادشده این است که خداوند نه تنها جمعیت پراکنده را دوست ندارد، که آنان را دشمن می دارد.

۱-۵) سازش با گوساله پرستی به پاس وحدت

قرآن کریم به رویدادی تاریخی که میان حضرت موسی، برادرش هارون و قوم بنی اسرائیل رخ داده، اشاره کرده است. طبق نقل قرآن قوم بنی اسرائیل از غیبت حضرت موسی سوء استفاده کردند و در نبود آن حضرت، مجسمه ای از طلا ساختند و به پرستش آن پرداختند.

وقتی آن حضرت به میان قومش برگشت و متوجه انحراف آنان شد، برادرش هارون را توبیخ کرد و فرمود: چرا کوتاهی کردی و گذاشتی مردم به چنین انحرافی کشیده شوند؟ او در جواب گفت: هرچند گوساله پرستی کار زشتی است، تفرقه و پراکندگی زشت تر است؛ ترسیدم اگر آنان را از این کار باز دارم، به تفرقه و چنددستگی دچار شوند که کمتر از گوساله پرستی نیست: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي»؛ از آن ترسیدم که بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و توصیه مرا عمل نکردی. (۲)

ص: ۲۹

-
- ۱- برای اطلاع بیشتر نک: بقره (۲)، آیه ۲۰۸؛ آل عمران (۳)، آیات ۶۴ و ۱۰۴؛ نساء (۴)، آیه ۸۸؛ انعام (۶)، آیه ۱۵۳؛ انفال (۸)، آیه ۶۳؛ توبه (۹)، آیه ۳۶؛ شوری (۴۲)، آیه ۱۳.
- ۲- طه (۲۰)، آیه ۹۴.

از اینکه جناب هارون، دلیل عدم ممانعت از گوساله پرستی را حفظ وحدت و پیش گیری از احتمال بروز اختلاف در میان بنی اسرائیل دانسته است، میزان ارزش وحدت و زشتی تفرقه و چندگرایی روشن می گردد.

۲. زشتی تفرقه در قرآن

اشاره

قرآن کریم افزون بر آنکه با تعابیری زیبا، ارزش وحدت و همدلی را گوش زد کرده است، زشتی پراکندگی را نیز از نظر دور نداشته و در این باره اشاراتی چند کرده است:

۲-۱) تفرقه، انحراف از راه فطرت

مطابق آموزه های اسلامی، انسانها از آغاز شکل گیری جامعه، همدل و همگرا بودند و به صورت امتی واحد می زیستند، اما دیری نپایید که بر اثر افکار انحرافی و گرایشهای شیطانی، وحدت جامعه دستخوش دگرگونی شد و جای خود را به تفرقه و چندگرایی داد: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّتَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»؛ در آغاز، همه مردم امتی واحد بودند، اما پس از آن اختلاف کردند. اگر فرمانی از طرف خدا [دایر بر عدم مجازات سریع آنان] نبود، در آنچه اختلاف داشتند، داوری می کردیم. (۱)

این آیه مجازات وحدت شکنان را امری ضروری می داند، اما به دلیل اینکه خداوند اراده کرده است انسان در انتخاب راه درست آزاد باشد، مجازات آنان را به جهانی دیگر وانهاده است؛ چرا که اگر منحرفان وحدت شکن بی درنگ مجازات شوند، ایمان و وحدت پذیری انسان جنبه اجباری پیدا کرده و از روی ترس و وحشت تلقی می گردد و پیداست که

ص: ۳۰

چنین ایمانی نه مایه افتخار و نه دلیل بر تکامل آدمی است.

۲-۲) تفرقه، عذاب الهی

قرآن کریم تفرقه را یکی از عذابهای الهی شمرده، می فرماید:

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» ؛ بگو او قادر است عذابی از بالا یا از زیر پایتان بر شما فرود فرستد و یا شما را به صورت دسته های پراکنده به هم بیامیزد و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند. (۱)

همان طور که ملاحظه می شود، خداوند عالمیان به پیامبرش دستور داده است تا مجرمان و گردن کشان را به سه نوع مجازات تهدید کند: نخست عذابهایی مانند صاعقه، صیحه آسمانی و رگبارهای زیانبار که از آسمان فرود می آیند؛ دوم عذابهایی مانند زلزله، فرو رفتن در زمین، طغیان رودخانه ها و سونامی دریاها که از درون زمین نشئت می گیرند؛ سوم که شاهد ما در این است، اختلاف کلمه و بروز جنگ و خون ریزی در میان مردم می باشد.

اختلاف کلمه و پراکندگی به قدری خطرناک است که در این آیه، در ردیف عذابهای آسمانی و زمینی قرار گرفته است و حتی گاه آثار زیانبار اختلاف و پراکندگی به مراتب از ویرانیهای ناشی از صاعقه ها و زلزله ها مخرب تر است؛ چرا که گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خون ریزی را فراهم می آورد.

۲-۳) تفرقه، نغمه ای شیطانی

تفرقه و پراکندگی با پیروی از شیطان رخ می نماید و جامعه را به تباهی

ص: ۳۱

می کشاند. از این رو، خداوند بزرگ اهل ایمان را از پیروی شیطان برحذر داشته، می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به صلح و آرامش درآید و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. (۱)

این آیه، هم ایمان را عاملی سودبخش برای صلح و آرامش دانسته و هم پیروی از شیطان را بستری مناسب برای تفرقه و پراکندگی معرفی کرده است. بنابراین، تفرقه و چندگانگی در جامعه اسلامی نغمه ای شیطانی است که وحدت و آرامش جامعه را تهدید می کند.

۲-۴) بیزاری پیامبر از گروه گرایی

گروه گرایی امری ناپسند است که خداوند بزرگ پیامبرش را از آن مبرا دانسته، می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» ؛ تو را با کسانی که دینشان را پاره پاره کرده و گروه گروه شدند، کاری نیست. کار آنان تنها با خداوند است و او آنان را از آنچه می کردند، آگاه می سازد. (۲)

خداوند عالمیان در این آیه، با تأکید بر این واقعیت که اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه تفرقه و پراکندگی بیزار است، ابتدا اعلام می دارد که پیامبرش از هر گونه فرقه گرایی بیزار و دامن مطهرش از هر گونه شائبه تحزب گرایی پاک است و سپس گروه گرایان را تهدید کرده، می فرماید: کار آنها با خداست و اوست که آنان را از کار ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ص: ۳۲

۱- بقره (۲)، آیه ۲۰۸.

۲- انعام (۶)، آیه ۱۵۹.

۲-۵) ضرورت دوری از فرقه گرایان

تفرقه و پراکندگی طبق آیات قرآن، گاه از شرک نشئت می گیرد. از این رو، خداوند بزرگ برای پیش گیری از پراکندگی و جدایی صفوف اهل ایمان، آنان را از تمایل به مشرکان برحذر داشته، می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)» «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» ؛ از مشرکان نباشید؛ از کسانی که دینشان را پراکنده ساختند و به گروهها تقسیم شدند و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست، خوشحال اند. (۱)

بنابراین، همان گونه که شرک به پراکندگی می انجامد، می توان نتیجه گرفت که هر کجا اختلاف و پراکندگی باشد، ریشه در نوعی شرک دارد؛ زیرا شرک است که جمع را می پراکند و دوستی را به دشمنی مبدل می سازد.

۲-۶) وحدت شکنی، بغی و ستمگری

وحدت شکنی در نگاه قرآن چندان زشت است که از آن به بغی و ستمگری تعبیر شده است: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» ؛ و جز کسانی که به آنان کتابی داده شده بود، در آن اختلاف نکردند، [آن هم] پس از آنکه دلایل روشنی برای آنان آمد و این به دلیل وجود بغی و ستمگری در میان آنان بود. (۲)

ص: ۳۳

۱- روم (۳۰)، آیات ۳۱ و ۳۲.

۲- بقره (۲)، آیه ۲۱۳.

مکتب توحیدی اسلام، در مقام دعوت، نه تنها به یگانه پرستی دعوت کرده است که نظام حاکم بر زندگی اجتماعی انسان و حتی نظام حاکم بر عالم تکوین را نیز امری واحد می داند.

الف) وحدت در نظام تکوین

مبنای عالم آفرینش بر اتحاد و یگانگی استوار است؛ چرا که ذره ذره عالم آفرینش تحت حاکمیت آفریدگاری واحد است و تنها با اراده و مشیت حکیمانه اوست که هر چه در عالم تکوین ایجاد می گردد، با نظامی واحد و هماهنگ، به سوی هدفی واحد در حرکت است و این، حاکی از آن است که عالم آفرینش، ماهیت از اویی « إِنَّ لِلَّهِ » و به سوی اویی « إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ » (۱) دارد. بدیهی است که برقرای حاکمیت واحد در عالم تکوین، نظم و پیوستگی اجزای آن را در پی دارد؛ درست به همین دلیل است که در آن

ص: ۳۵

قاعده معروف فلسفی آمده است: «الواحد لا یصدر منه إلا الواحد»؛ آنکه واحد است، چیزی جز واحد از او صادر نمی شود. (۱)

گفتنی است، هرچند برخی اسباب مانند فرشتگان، در عالم تکوین تأثیر دارند، دقت در آیات قرآن و روایات، این مسئله را روشن می کند که سببیت هر سببی در دنیای آفرینش به اراده و مشیت یگانه معمار هستی منتهی می گردد و تا او نخواهد، هیچ کاری از هیچ سببی ساخته نیست.

دلیل بر این مطلب، آن دسته از آیاتی است که تمام ذرات عالم و موجودات دنیای آفرینش را مجموعه ای واحد می دانند که با اراده صانعی واحد پدید آمده و نظم یافته اند: «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ»؛ (۲) «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»؛ (۳) «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَؤُوتٍ»؛ (۴) «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»؛ (۵).

ب) وحدت در امر دین

مکتب توحیدی اسلام، همان گونه که آدمیان را به توحید ذاتی فرامی خواند و عالم تکوین را تحت حاکمیت خداوند یگانه می داند، بر وحدت دین در طول تاریخ نیز تأکید فراوان دارد و با این دعوت، هر گونه چندگانه پرستی را مانند ثنویت مجوسان، تثلیث مسیحیان و تعدد معبودهای

ص: ۳۶

- ۱- نک: صدرالدین محمد شیرازی، الاسفار الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱ م، ج ۲، ص ۲۰۴؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، نهایی الحکمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش، ج ۳، ص ۶۳۹.
- ۲- «آسمانها پیچیده در دست اوست»، زمر (۳۹)، آیه ۶۷.
- ۳- «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بود، داده است»، طه (۲۰)، آیه ۵۰.
- ۴- «در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی»، ملک (۶۷)، آیه ۳.
- ۵- «اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری می بود، هر آینه آسمان و زمین تباہ می شدند»، انبیاء (۲۱)، آیه ۲۲.

از آیات قرآن استفاده می شود که دین الهی در اصل ماهیت خود، یکی است و هرگز تعدد را بر نمی تابد، آنچه متعدد است، شرایع است که بر حسب نیاز بشر و به اقتضای حال و زمان تشریح گشته است. آیاتی مانند «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (۲) و «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (۳) ناظر بر وحدت دین است؛ از این رو، آن گاه که قرآن سخن از دین به میان می آورد، از هر نوع تفرقه و دوگانگی منع می کند: «أَنْ أَفِيْمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»؛ (۴) اما وقتی از شرایع سخن می گوید، آن را امری تعددپذیر می شمارد: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (۵) و «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسِيًّا كَمَا هُمْ نَاسِكُوهُ» (۶) چنان که در جای دیگری نیز می فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيْعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا» (۷).

از آنجا که پروردگار عالمیان تفرقه و پراکندگی را در اردوگاه ادیان توحیدی، امری ناپسند و مردود می داند، به پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) دستور داده تا به اهل کتاب بگوید، اگر به دین جدید که دین حق و ناسخ ادیان دیگر است، نمی گروید، دست کم بیاید در عقاید مشترکمان، یک دل و هم نوا باشیم. (۸)

ص: ۳۷

۱- یوسف (۱۲)، آیه ۳۹.

۲- «دین در نزد خدا اسلام (تسلیم بودن در برابر حق) است، آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۳- «هر کس جز اسلام آیینی را برای خود برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد»، آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۴- «دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید»، شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

۵- «برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم» مائده (۵)، آیه ۴۸.

۶- «برای هر امتی راه و روشی در مقام پرستش قرار دادیم و آنان آن را انجام می دهند»، حج (۲۲)، آیه ۶۷.

۷- «سپس تو را بر شریعتی که از امر خدا [ناشی شده است] نهادیم، پس آن را پیروی کن»، جاثیه (۴۵)، آیه ۱۸.

۸- نکه: آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

قرآن در تأکید بر این مطلب که دین امری واحد است و تمامی پیامبران، آن را از منبعی واحد دریافت کرده و موظف به تبلیغ آن بوده اند، به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داده است تا در برابر پندار نادرست یهودیان و نصرانیان که آیین خود را جدا از دیگر آیینها می دانستند و تنها آن را آیین حق می شمردند، چنین بگوید:

بگو: از آیین خالص ابراهیم پیروی می کنم و او هرگز از مشرکان نبود. بگو: ما به خدا و به آنچه بر ما و ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی دادند و به آنچه انبیا از پروردگارشان دریافت کردند، ایمان آورده ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرق نمی گذاریم و در برابر او سر تسلیم فرود می آوریم. (۱)

قرآن در جای دیگر در تصریح به این مطلب می فرماید:

آیینی را که برای شما تشریح کرد، همان است که به نوح توصیه نموده است، آنچه بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم، این است که دین را برپا دارید و از تفرقه در آن پرهیز کنید. (۲)

بدینسان، قرآن کریم دین خدا را جریانانی واحد و پیوسته معرفی کرده و تنها یک نام بر آن نهاده است و آن «اسلام» است که به معنای تسلیم بودن در برابر حق و حقیقت است؛ در حالی که شرایع راههای متعدد و متنوعی هستند که به لحاظ اختلاف زمان، مکان، رشد فکری جوامع بشری، کثرت اجتماع، تنوع نیازها و مانند آن، امری اجتناب ناپذیرند؛ زیرا ناگفته روشن است که وحدت شریعت با تکامل تدریجی و مراحل مختلف تربیتی انسان سازگار نیست. اگر غیر از این بود، خداوند می توانست برای تمام انسانها در

ص: ۳۸

۱- بقره (۲)، آیه ۱۳۶.

۲- شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

طول تاریخ، تنها یک شریعت وضع کند و تمام مردم را امتی واحد قرار دهد و حال آنکه خود فرمود: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»؛ برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم و اگر خدا می خواست، همه شما را امتی واحد قرار می داد. (۱) بنابراین، می توان گفت وحی حقیقتی واحد است که از سرچشمه ای واحد نشئت می گیرد و در بسترهای متفاوت به لحاظ زمان و مکان، یعنی شرایع، جریان می یابد.

دلیل بر وحدت ادیان که وحدتی متعالی است، وجود مؤلفه های مشابه در میان ادیان مختلف است که از آن میان می توان به خوف، عشق، معرفت و... اشاره کرد.

در آیین یهود، پایه رابطه انسان با خدا بر ترس نهاده شده و روی این مؤلفه تأکید بیشتری شده است، همچنان که این رابطه در مسیحیت بر عشق و محبت و در اسلام بر شناخت و معرفت مبتنی گشته است. در عین حال، این مؤلفه ها عناصر مشترکی هستند که در تمام ادیان وجود دارند و این حاکی از وحدت ریشه ادیان است. (۲)

بر این اساس، می توان گفت تفاوت دین و شریعت این است که دین نه تعددبردار است و نه نسخ پذیر، اما شریعت هم تعددبردار است و هم نسخ پذیر.

نسبت شرایع به دین همچون نسبت احکام فرعی و جزئی اسلام به اصل دین است؛ یعنی همان طور که ممکن است برخلاف اصل دین، در متن شریعت اسلام، نسخی صورت پذیر، ممکن است شریعتی جدید نیز شریعت پیش از خود را نسخ کند، حال آنکه اصل دین هرگز نسخ را بر نمی تابد. (۳)

ص: ۳۹

۱- مائده (۵)، آیه ۴۸.

۲- نک: سیدحسین نصر، معرفت و امر قدسی، تهران، فرزانه روز، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۴۹.

۳- نک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۳۴۸-۳۵۳.

در تأیید این مطلب که دین الهی امری واحد است، می توان گفت در قرآن هم به اصولی مشترک برخورد می کنیم که می باید تمامی افراد آن اصول را بپذیرند و بدانها ایمان آورند. ایمان به خدا، فرشتگان، پیامبران، کتابهای آسمانی و معاد از جمله این اصول است. جالب این است که قرآن کریم ابتدا تمامی اصول یادشده را در یک آیه جمع کرده، می فرماید: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ»؛ بلکه نیک آن کسی است که به خداوند، روز بازپسین، فرشتگان، کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان آورد. (۱) سپس در جای دیگر، انکار هر یک از اصول مذکور را مایه گمراهی و خروج از دین الهی می داند: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»؛ و هر کس به خدا، فرشتگان او، کتابهای آسمانی او، پیامبرانش و به روز واپسین کفر ورزد، به یقین سر از گمراهی ژرف در آورده است. (۲)

ج) وحدت در نظام اجتماعی اسلام

اشاره

وحدت در جامعه اسلامی تنها یک تاکتیک نیست، که امری استراتژیک است؛ چرا که زیربنای وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، توحید است. بی گمان اگر توحید که بنیادی ترین اصل در تمام ادیان الهی است، به درستی فهمیده شود، وحدت امت نیز قابل فهم خواهد بود؛ چرا که وحدت در نظام اجتماعی اسلام با جهان بینی توحیدی توأم گشته و با حاکمیت وحدت در نظام توحیدی اسلام گره خورده است. به همین دلیل است که قرآن کریم دعوت به توحید و اتحاد را در هم آمیخته و هر دو را در کنار هم آورده است:

ص: ۴۰

۱- بقره (۲)، آیه ۱۷۷.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۳۶.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» ؛ به راستی که این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس مرا بپرستید. (۱)

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» ؛ به راستی که این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس از من پروا کنید. (۲)

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» ؛ و این راه راست من است؛ پس آن را در پیش گیرید و دیگر راهها را وانهید. (۳)

دستورهای اجتماعی در نظام توحیدی اسلام نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم، وحدت در جامعه را به مسئله توحید در نظام تکوین پیوند می دهد. تشریح احکامی مانند نماز جمعه، نماز جماعت، حج و مانند آن از جمله این دستورهاست. حتی در برخی عبادات فردی مانند نماز، ذکرهایی همچون «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین» و مانند آن آمده است که فرد را از فردیت و جزئیت بیرون می برد و به جمع و کل پیوند می دهد. این به آن معناست که در نظام توحیدی اسلام، آن گاه که فرد بخواهد با معبود خویش خلوت و نیایش کند، باید نخست خود را در قالب جمع قرار دهد و از زبان جمع، با او به راز و نیاز بنشیند، تا این خواست اسلام که هرگز وحدت جامعه را از توحید و نظام تکوین، جدا نمی داند تحقق یابد.

وحدت، تداوم زندگی اجتماعی

در اینکه انسان موجودی اجتماعی بوده، ناگزیر از زندگی در کنار دیگران است، بحثی نیست؛ زیرا این موضوع از دیرباز در میان اندیشمندان مطرح بوده

ص: ۴۱

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۹۲.

۲- مؤمنون (۲۳)، آیه ۵۲.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۵۳.

است. تاریخ بشر و آثار باستان نیز این مطلب را تأیید می کنند. حال، ناگزیر از طرح این سؤالیم که آیا ترکیب اجتماع، ترکیبی حقیقی است یا غیر آن؟

قرآن کریم که انسان را موجودی اجتماعی می داند، اجتماعی بودن او را امری حقیقی شمرده است. (۱) آیات زیر، گواهی بر این مطلب است:

«تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» ؛ آن جماعت روزگارش به سر آمد. دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای خودتان است و از آنچه آنان می کردند، شما بازخواست نمی شوید. (۲)

- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» ؛ در حقیقت، خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان خود حالشان را تغییر دهند. (۳)

بنابراین، به استناد به این آیات می توان گفت آن سان که جمع گرایی انسان امری طبیعی و حالتی فطری است، تمایل او به وحدت نیز امری طبیعی است، نه تحمیلی و عارضی؛ زیرا وحدت که به معنای همگرایی است، تأکیدی مضاعف بر جمع گرایی است. بنابراین، حرکت اجتماع به سوی وحدت، حرکتی طبیعی و فطری است. آن دسته از آیات قرآن که به وحدت سفارش می کنند - مانند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (۴) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۵)، «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا» (۶) و «أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (۷) به حفظ

ص: ۴۲

۱- نک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۵، ص ۷۸۵-۷۹۰.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۳۴.

۳- رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۴- انبیاء (۲۱)، آیه ۹۲.

۵- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۶- انفال (۸)، آیه ۴۶.

۷- شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

وحدت توصیه می نمایند، نه به ایجاد وحدت.

شهید مطهری به نقل از علامه طباطبایی می گوید: چه از نظر طبیعی و چه از نظر قرآنی، جامعه انسانی باید به سوی وحدت کلی برود و می رود و نهایت امر، جامعه یک جامعه وحدانی انسانی است. سپس ایشان در ترسیم حرکت جامعه که به تدریج به سمت وحدت می رود، می گوید:

همین طور که ماده در مراحل اولی خود به سوی تکامل که حرکت می کند، ابتدا به صورت عنصر در می آید، بعد عناصر با یکدیگر ترکیب می شوند و به صورت یک مرکب جمادی در می آیند، و بعد مرکبهای جمادی به صورت مرکب نباتی کامل تر در می آیند، بعد به صورت حیوان، بعد به صورت انسان و در نهایت، به صورت جامعه انسانی در می آیند و این سیر به سوی وحدت است، جامعه های انسانی هم در نهایت امر، به یک وحدت می انجامند. (۱)

بنابراین، انسان هویت واحدی دارد که در عمق فطرتش نهفته است و مکتب اسلام که منادی وحدت در جامعه است، از این حرکت تدریجی بشر خبر داده و همگان را به همسویی با این حرکت و پیوستن به آن که سرانجامش هویت واحد است، فراخوانده است. آیات زیر، حاکی از تحقق این هویت واحد در فرجام تاریخ بشر است:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» ؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، اتفاق کنیم که جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او نگردانیم. (۲)

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» ؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر دینی که

ص: ۴۳

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۸۰۸.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

هست، برتری دهد. (۱)

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» ؛ البته که در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را
بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (۲)

از این آیات در خصوص حرکت طبیعی و تدریجی انسان به سوی وحدت و همگرایی، نکاتی چند را می توان استنباط کرد:

۱. عقیده توحیدی بینشی متعالی است؛
۲. وحدت و همگرایی قانونی تکوینی است؛
۳. وحدت در عین کثرت تحقق یافته است؛
۴. همگرایی انسان همسو با مشیت و اراده الهی است؛
۵. توحید ربوبی اساس و معیار هر وحدتی است؛
۶. سرانجام در پایان زندگی اجتماعی بشر، حکومت واحد جهانی شکل خواهد گرفت؛
۷. نفی شرک و عدم پذیرش غیر خدا جلوه ای از همگرایی است.

ص: ۴۴

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۱- تلاش پیشوایان معصوم (علیهم السلام)

اشاره

پیشوایان ما با تعبیری زیبا و گویا ضرورت وحدت و همدلی در جامعه اسلامی را گوشزد کرده و با رفتار وحدت آفرینشان بر این نکته صحیح گذاشته اند. در اینجا، برای آگاهی از اهمیت وحدت در سیره پیشوایان معصوم، ابتدا نمونه هایی چند از گفتار و سپس نمونه هایی از رفتارشان را یاد خواهیم کرد:

الف) وحدت در گفتار

در اهمیت وحدت، احادیث فراوانی رسیده است که تنها به چند مورد بسنده می شود:

«عن النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) قال: من فارق جماعة المسلمين فقد خلع ربقی الإسلام من عنقه»؛ پیامبر فرمود: هر کس از اجتماع مسلمانان فاصله بگیرد، قید مسلمانی را از گردنش برداشته است. (۱)

ص: ۴۵

۱- شیخ صدوق، الامالی، قم، مؤسسه البعثی، چاپ اول، بی تا، ص ۲۹۷.

- «عنه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: لَا يَحِلُّ لِأَمْرٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَهْجَرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ؛» هیچ مسلمانى مجاز نیست بیش از سه روز با برادرش قهر کند. (۱)

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) با تعریفی که از شخص مسلمان ارائه داده، تکلیف همگان را روشن ساخته است: «من استقبل قبلتنا و شهد شهادتنا و أحل ذبیحتنا فهو المسلم، له ما لنا و علیه ما علينا؛» هر کس به قبله ما روی کند و به شهادت ما شهادت دهد و ذبح ما را حلال بداند، مسلمان است و برای او همان است که برای ماست و علیه او همان است که علیه ماست. (۲)

آن حضرت در جای دیگر در ردّ برخی افراط گرایها فرمود: «من قال لأخیه یا کافر فقد بآء به أحدهما، إن کان کما قال و إلا رجعت علیه؛» هر کس برادرش را کافر خواند، کفر یکی از آن دو ثابت می شود؛ اگر آن طور باشد که او را کافر خوانده است (پس او کافر است) و در غیر این صورت، خود وی کافر است. (۳)

پس از رحلت پیامبر اکرم، کوشش امام علی (علیه السّلام) در حفظ وحدت جامعه مدینه، بی نظیر بود، چنان که خود آن حضرت فرمود: «و لیس رجلٌ - فاعلم - أحرص علی جماعه أُمّی محمّد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و ألفتها منّی؛» بدان، هیچ کس نیست که برای انتظام امر امت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و الفت و دوستی میان آنان از من حریص تر باشد. (۴)

هدف امام از حفظ وحدت، حفظ اسلام و پیش گیری از هر گونه تحریف آن در بین امت اسلامی و دنیای شرک آلود آن روز بود. در آن

ص: ۴۶

۱- علاءالدین علی بن بلبلات فارسى، صحیح بن حبان، بیروت، نشر الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۸۵.

۲- قطب الدین راوندی، النوادر، بیروت، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۴۰.

۳- جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۴۵۴.

۴- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۷۸، ص ۱۰۸۲.

شرایط حساس که دشمنان اسلام، یعنی یهودیان، بت پرستان و مسیحیان انتظار می کشیدند تا با وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، اسلام نیز از میان برود، اگر عظمت اسلام و ابهت مسلمانان با تفرقه و پراکندگی از میان می رفت، به یقین اثری از اسلام و قرآن باقی نمی ماند. سخن خود آن حضرت گویای این حقیقت است:

الزموا السواد الأعظم، فإن يد الله على الجماعة. و إياكم و الفرقی، فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب. ألا- من دعا إلى هذا الشعار فاقتلوه و لو كان تحت عمامتی هذه؛ همواره با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است. از تفرقه پرهیزید که فرد بریده از مردم بهره شیطان است، چونان گوسفند دور از گله که طعمه گرگ است. به هوش باشید که هر کس مردم را به این شعار (فرقه گرایی) دعوت کند، او را بکشید، هرچند عمامه مرا به سر داشته باشد. (۱)

آن حضرت در وصیتی به فرزندان گرامی خود فرمود:

إياكم و التلؤن فی دین الله، فإن جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقی فیما تحبون من الباطل و إن الله لم یعط أحداً بفرقی خیراً ممن مضی و لا ممن بقی؛ مبادا در دین خدا دو رنگی و اختلاف از خود نشان دهید، چرا که وحدت در حقی که آن را خوش نمی انگارید، بهتر است از تفرقه به خاطر باطلی که آن را دوست می دارید، زیرا خداوند نه به گذشتگان و نه به آیندگان هیچ چیزی را با تفرقه عطا نکرده است. (۲)

ب) وحدت در رفتار

اشاره

پیشوایان ما افزون بر اینکه به وحدت توصیه های فراوان کرده اند، در عمل

ص: ۴۷

۱- همان، خطبه ۱۲۷، ص ۳۹۲.

۲- همان، خطبه ۱۷۵، ص ۷۵۶.

نیز اقداماتی مؤثر انجام داده اند که در برقراری وحدت، نقشی بسزا دارد. از این رو، یادآوری عملکرد آنان در این باره امری شایسته و سودمند به نظر می رسد.

۱. اقدامات عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

اشاره

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از آغاز رسالت خویش، همواره در اندیشه ایجاد وحدت در میان تمامی مسلمانان بود. از این رو، پیش از هجرت و پس از آن، از هیچ اقدام و کوششی برای تحکیم وحدت در جامعه اسلامی دریغ نورزید.

۱-۱) اخذ بیعت

بیعت نوعی قرارداد و معاهده میان بیعت کننده و بیعت پذیر است که بر اساس شرایطی خاص و اهدافی مانند همدلی، همراهی و همیاری در عرصه های مختلفی که دو طرف بیعت بر سر آن به توافق می رسند، صورت می گیرد که از جمله این اهداف، برقراری وحدت و انسجام لازم در فرایند این معاهده است.

بیعت که در ایجاد وحدت، نقش بسزایی دارد، از نگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دور نماند. از این رو، آن حضرت برای وفادار ماندن مسلمانان به وی و جامعه ای که بنیاد نهاده بود، در چندین نوبت اقدام به اخذ بیعت کرد. بیعت با نمایندگان تازه مسلمان اهل یثرب در سالهای دوازدهم (۱) و سیزدهم بعثت (۲) و نیز بیعت رضوان که در جریان صلح حدیبیه با هدف تحکیم وحدت و انسجام هر چه بیشتر میان یاران پیامبر صورت گرفت، از جمله این بیعتهاست.

ص: ۴۸

۱- ابن هشام حمیری، السیری النبوی، مصر، مصطفی البانی، ۱۳۵۵ ق، ج ۲، ص ۷۶.

۲- همان، ص ۸۴.

پیمان نیز مانند بیعت، عاملی مؤثر در ایجاد وحدت و حفظ آن در میان گروه‌های هم پیمان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول دوران رسالت خود، پیمان‌های زیادی را منعقد ساخت که معروف‌ترین آنها در روزهای نخست ورود به مدینه منعقد گردید.

در آغاز هجرت، یثرب شاهد سه گروه متمایز انصار، مهاجران و یهودیان بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که این گروه‌ها را خوب می‌شناخت، برای آنکه میان آنها اختلافی عمیق پدید نیاید و وحدت جامعه نوپای مدینه را با خطری جدی مواجه نسازد، تلاشی وافر کرد تا در چارچوب سیاسی و نظامی معینی، پیمانی فراگیر در میان تمامی گروه‌های یادشده در دو بخش منعقد سازد: بخش نخست، پیمانی داخلی بود که میان اهل ایمان، یعنی انصار و مهاجران، انعقاد یافت و بخش دوم، معاهده‌ای بود که در حقیقت، میان اسلام و گروه‌هایی از یهودیان، مانند بنی قریظه، بنی نظیر و بنی قینقاع، بسته شد.

جالب این است که خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز این پیمان، به نقش آن در ایجاد وحدت اشاره کرده و در بند دوم آن، تمامی هم پیمانان، اعم از انصار و مهاجران و نیز قبایل ساکن در مدینه را یک امت معرفی نموده است: «إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ دُونِ النَّاسِ»؛ تمامی آنان در برابر دیگر مردمان یک امت اند. (۱)

تاریخ بشر، حتی روزگاری که انسان در غارها و جنگلها زندگی می‌کرد،

ص: ۴۹

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۱۹، ص ۱۶۸؛ اسماعیل بن کثیر، البدای و النهای، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۷۳.

حاکمی از آن است که برای حفظ وحدت و نظم لازم در جامعه، تشکیل حکومت امری ضروری و حیاتی است. با پشتوانه این قدرت است که می توان با سرکشان وحدت ستیز مبارزه کرد و کسانی را که تهدیدی جدی برای وحدت جامعه به شمار می آیند، از دامن زدن به تفرقه باز داشت. وجود حکومت برای جلوگیری از هرج و مرج و پیش گیری از هرگونه تشّت و تفرقه، به اندازه ای مهم است که در نگاه امام علی (علیه السلام) حتی حکومت فرمان روایان ستمگر از بی نظمی و تفرقه بهتر است: «والظلم غشوم خیر من فتنی تدوم»؛ زمامدار ستم پیشه از فتنه ای که در جامعه رواج داشته باشد، بهتر است. (۱)

در ضرورت سازمان دهی دولت در جامعه و نقش آن در ایجاد و حفظ وحدت، همین بس که قرآن کریم حل اختلافات مردم را از جمله اهداف نبوت پیام آوران الهی دانسته است: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه اختلاف دارند، داوری کنند. (۲)

درست به همین دلیل بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) همواره در اندیشه تشکیل دولت بود تا در سایه آن، به اهداف بلند خود و از جمله ایجاد وحدت در جامعه نایل آید؛ اما به دلیل نبود شرایط لازم پیش از هجرت، آن حضرت موفق به این کار نشد و همین که این فرصت پس از هجرت در مدینه فراهم آمد، بی درنگ اقدام به سازمان دهی دولت و حکومت کرد تا بتواند جامعه

ص: ۵۰

-
- ۱- عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، همراه با شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق سیدجلال الدین محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۷۸۴؛ نیز نک: نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۴۰، ص ۱۲۵.
 - ۲- بقره (۲)، آیه ۲۱۳.

نوپای اسلامی را در سایه این دولت گرد آورد و با پشتوانه آن، با متخلفان قانون گریز و مغرضان وحدت ستیز به مقابله برخیزد و نظم و وحدت لازم را که نیاز هر جامعه ای است، به وجود آورد.

۱-۴) عقد اخوت

پس از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه، گروههای مختلفی با فرهنگهای متنوع در آنجا گرد آمدند. در نتیجه، از چند جهت ممکن بود حوادثی رخ دهد: نخست آنکه اختلافات فرهنگی این گروهها می توانست اجتماع آنان را با مشکلاتی مواجه سازد و دیگر آنکه حاکمیت روحیه تعصبات قبیله ای و منازعات دیرینه جاهلی که هنوز در میان آنان وجود داشت، ممکن بود به بحرانهای سیاسی و اجتماعی بینجامد و بی آنکه از سوی دشمن خارجی اقدامی صورت پذیرد، به شکست حکومت نوپای اسلامی منجر شود. از این رو، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در همان ماههای آغازین پس از هجرت، پیمان اخوت میان مسلمانان برقرار کرد و در یک دستور همگانی فرمود: «تَاخُوا فِي اللَّهِ أَخَوِينَ أَخَوِينَ»؛ دو به دو در راه خدا برادر شوید. (۱)

این اقدام پیامبر آثار و فواید فراوانی، از جمله محو عصبیت قومی و قبیله ای، ایجاد الفت و دوستی میان مسلمانان، قطع ارتباط انصار با یهودیان ساکن مدینه، حل مشکلات روحی و اقتصادی و اسکان مهاجران، پیش گیری از بروز بحران داخلی، دفع تهدید دشمن و مانند آن را در پی داشت (۲) که به طور مستقیم یا غیر مستقیم تمامی آنها به ایجاد وحدت و تحکیم آن در جامعه نوپای مدینه انجامید.

ص: ۵۱

۱- نک: ابن هشام حمیری، السیری النبوی، ج ۲، ص ۳۰۱؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۳۲.

۲- نک: گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، پژوهشی در سیره نبوی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۵۸-۳۷۵.

مسجد ضرار برای تفرقه انداختن میان مسلمانان و کارشکنی در ایجاد امت واحد اسلامی ساخته شد. قرآن در اشاره به این نیت شوم دشمن فرمود: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ کسانی هستند که مسجد را برای زیان رساندن و کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان برپا ساختند.^(۱)

پیامبر اکرم که سخت نگران وحدت جامعه نوپای مدینه بود و همواره از یگانگی امت اسلامی مراقبت می کرد، برای پیش گیری از تفرقه و جدایی میان مسلمانان و بروز آشفتگی سیاسی در جامعه، اقدام به تخریب مسجد یادشده کرد.

۱-۶) نماز جماعت

از آنجا که نماز جماعت تأثیر زیادی در ایجاد وحدت و تحکیم آن در میان مسلمانان داشت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در سالهای نخست بعثت، تا زمانی که قریشیان به اذیت و آزار او پرداختند، فریضه نماز را به صورت جماعت در مسجد الحرام برگزار می کرد؛ اما بعدها که پیامبر به دنبال دریافت آیات «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^(۲) و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ»^(۳) تبلیغ دین را آشکار ساخت، برگزاری جماعت با اذیت و آزار قریشیان مواجه شد. از آن پس، نماز جماعت را گاه دور از چشم قریشیان در شعباب مکه^(۴) و گاه در خانه زید بن ارقم برگزار می کرد.

ص: ۵۲

۱- توبه (۹)، آیه ۱۰۷.

۲- شعراء (۲۶)، آیه ۲۱۴.

۳- حجر (۱۵)، آیه ۹۴.

۴- نک: ابن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، الاعملى، بی تا، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن اثیر، اسد الغابی فی معرفی الصحابی، تهران، اسماعیلیان، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۱.

در سال دوازدهم بعثت که جمع زیادی از اهالی یثرب به آیین اسلام گرویدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به مصعب بن عمیر مأموریت داد تا برای تبیین اسلام و امامت جماعت مسلمانان به این شهر هجرت کند. با آنکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می توانست این مسئولیت را به یکی از مسلمانان اهل مدینه بسپارد، اما چون مسلمانان آن دیار از قبایل مختلف بودند و برخی از آنان ممکن بود به خاطر حساسیت نسبت به یکدیگر، امامت شخص تعیین شده از دیگر قبایل را نپذیرند، آن حضرت فردی بی طرف را از مکه به آنجا فرستاد تا وحدت و یک پارچگی مسلمانان تحقق یابد؛ چنان که ابن اثیر می گوید: «مصعب بن عمیر بر مسلمانان مدینه امامت می کرد و این از آن رو بود که هر یک از اوسیان و خزرجیان از اینکه شخصی از قبیلۀ مقابل بر آنان امامت کند، ابا داشتند» (۱).

گفتنی است که نماز جمعه در مکه پیش از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تشریح شد، ولی از آنجا که شرایط برگزاری آن برای حضرت فراهم نشد، در مکه موفق به برگزاری آن نگردید؛ اما پس از هجرت به مدینه، پیامبر در اولین جمعه اقامت خود که امکان برگزاری نماز جمعه فراهم آمد، آن را با شکوهی خاص برگزار نمود؛ (۲) چرا که نماز جمعه کنگره سیاسی و اجتماعی بزرگی است که هر هفته باید برگزار شود.

البته باید یادآوری کرد که پیش از هجرت و پیش از آنکه خود پیامبر موفق به اقامه نماز جمعه شود، مصعب بن عمیر که برای اقامه جماعت به مدینه اعزام شده بود، به دستور آن حضرت، اقدام به برگزاری نماز جمعه در مدینه نمود. (۳)

ص: ۵۳

-
- ۱- ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۳۶۹.
 - ۲- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۸۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.
 - ۳- نک: سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیری النبی الاعظم، بیروت، المرکز الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۷ ق، ج ۴، ص ۱۳۱.

وحدت و همدلی که یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی است، بدون داشتن مرکزی واحد که همگان بتوانند در آن شرکت کنند، ناممکن است. از این رو، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از هجرت، برای رسیدن به این عنصر حیاتی در جامعه نوپای مدینه، اقدام به بنای مسجد کرد؛ زیرا مسجد محلی مناسب برای تصمیم گیریها، عقد قراردادهای، اخذ بیعت، سازمان دهی نیروهای دفاعی، مذاکرات سیاسی و از همه مهم تر وعده گاهی عمومی برای همه مسلمانان است تا از هر قشر و نژادی و در هر سطح و مقامی که باشند، برای ادای فریضه نماز گرد هم آیند و در سایه ارشاد و راهنماییهای پیامبر رحمت، آگاهیهای لازم را در عرصه های سیاسی و اجتماعی کسب کنند و با صفهای منظم نماز جماعت، وحدت و همدلی خویش را به نمایش گذارند، چنان که آن حضرت در ضرورت به هم فشردگی صفها در جماعت فرمود: «صفهایتان را منظم کنید و دوشهای خود را به هم بچسبانید تا میان شما فاصله ای نباشد».(۱)

بی گمان تأکید بر منظم و فشرده بودن صفهای نماز جماعت، تنها به منظور رعایت نظم و انضباط در پیشگاه خدا نیست، بلکه برای نمایش نظم و یک پارچگی مسلمانان به دشمنان نیز هست.

۱-۸) برقراری ارتباط عاطفی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حتی از برقراری ارتباط عاطفی برای تحکیم وحدت غافل نبود. آن حضرت برای برقراری این ارتباط، گاه در گفت و گو با افرادی که از تیره خاصی بودند و لهجه مخصوص به خود داشتند، با الفاظ و لهجه آنان سخن می گفت؛ چنان که در پاسخ به این سؤال که «حکم روزه مسافر

ص: ۵۴

۱- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۴۷۲.

چیست؟»، فرمود: «لیس من امبرّ امصیام فی امسفر» که به جای استفاده از حرف تعریف «ال»، مطابق گویش یمنیها از «ام» استفاده کرد. این نشان می‌دهد که پرسش کننده شخصی یمنی بوده است و پیامبر خواسته برای پیوند عاطفی با یمنیها از گویش آنان استفاده کند. (۱)

همچنین هشام بن عروه می‌گوید: پس از واقعه اُحُد دیدند که صفیه خواهر حمزه سیدالشهداء دو قطعه پارچه در دست گرفته و شتابان به سوی قتلگاه می‌آید تا آن را برای کفن جنازه برادرش به رسول خدا تحویل دهد، ولی وقتی خواستند جنازه حمزه را کفن کنند، دیدند جنازه دیگری هم بی کفن در کناره جنازه حمزه افتاده است. پیامبر دستور داد تا با یکی از آن دو پارچه جنازه حمزه و با پارچه دیگر جنازه آن مسلمان را کفن کنند. (۲)

این گونه اقدامات پیامبر، نوعی همدلی و برقراری ارتباط عاطفی با افراد مصیبت زده است که در تحکیم وحدت در میان تیره های عرب و مسلمانان ساکن مدینه نقشی بسزا داشت.

۱-۹) ازدواجهای جهت دار

موضوع وحدت در جامعه اسلامی به حدی مهم بود که حتی برخی از ازدواجهای پیامبر نیز در راستای ایجاد وحدت و یا تحکیم آن بود. آن حضرت از طریق ازدواج با قبایل تازه مسلمان و یا وصلت با افراد سرشناس و مخالف، می‌خواست غبار کینه آنان را که از پیش در دل داشتند، بزدايد و با آنان پیوند خویشاوندی برقرار سازد؛ زیرا ناگفته پیداست که پیوند زناشویی عواطف را تحریک می‌کند، دلها را به یکدیگر نزدیک و مهربان

ص: ۵۵

۱- نک: ابن حجر عسقلانی، التلخیص الحبیر، بیروت، دار الفکر، بی تا، ج ۶، ص ۴۳۰.

۲- نک: احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی فی مناقب القربی، دار الکتب المصری، مکتبی القدسی، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۸۳.

می سازد و گامی در جهت وحدت با این نوع خویشاوندان به شمار می آید؛ به ویژه آنکه وصلتهای مصلحتی پیامبر پس از شکل گیری جامعه در مدینه بود که بیش از پیش نیاز به وحدت احساس می شد ازدواج آن حضرت با میمونه خواهرزن عباس بن عبدالمطلب، سوده دختر زمعه،^(۱) رمله دختر ابوسفیان^(۲) و جویره دختر حارث که رئیس قبیله بنی مصطلق بود و علیه پیامبر توطئه فراوان کرد،^(۳) نمونه هایی از این وصلتهای مصلحتی بود.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) پس از هفت سال دوری از زادگاه خود، برای نخستین بار در جریان عمری القضاء از مکه دیدن می کرد. در این سفر که پیامبر برای زیارت خانه خدا به مکه آمده بود، با میمونه خواهرزن عباس بن عبدالمطلب که بزرگ بنی هاشم و دارای موقعیت سیاسی مهمی بود، ازدواج کرد و حتی تصمیم گرفت برای آشتی میان قریشیان و مسلمانان، مراسم این وصلت را

در مکه برگزار نماید و برای کاهش کینه ها و دشمنیهای ناشی از جنگهای بدر و احد، قریشیان را در این مراسم مهمان کند.

هرچند آنان با برگزاری این مراسم در مکه مخالفت کردند و به آن حضرت اجازه ندادند تا این مراسم را در زادگاه خود برگزار کند،^(۴) اما بی گمان این وصلت در کاهش دشمنیها و عصبیتها تأثیر مثبت داشت و رفتار قریشیان با اسلام و پیامبر را بهبود بخشید.

۲. اقدامات عملی امامان

اشاره

امامان شیعه که از اصل شجره نبوت اند، همچون رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) از

ص: ۵۶

۱- نک: عباس محمود عقاد، راه محمد، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۳۷.

۲- نک: همان، ص ۱۳۹.

۳- نک: همان، ص ۱۳۸.

۴- نک: ابن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۱۰.

تقویت وحدت لحظه ای فروگذار نکردند. در این خصوص، سیره سیاسی امام علی (علیه السلام) در مقایسه با دیگر امامان، از ویژگی خاصی برخوردار است و از این رو، شایسته بازخوانی مختصری است.

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، جامعه آبستن حوادث بود و بیش از هر زمانی دیگر، زمینه اختلاف فراهم آمده بود. در چنین شرایط حساسی، مبارزه با کجروی‌هایی که به اختلافات دامن می زد، در رأس برنامه های امام علی (علیه السلام) قرار گرفت. از این رو، آن حضرت افزون بر دعوت به حفظ وحدت و پرهیز از پراکندگی، در عمل نیز اقداماتی مؤثر انجام داد که تأثیر زیادی در حفظ وحدت داشت.

حفظ وحدت در رفتار سیاسی امام علی (علیه السلام)

اشاره

به رغم آنکه پس از رحلت پیامبر، خلافت و رهبری جامعه به انحراف کشیده شد و امام علی (علیه السلام) از حق مسلم خود محروم گشت، اما آن حضرت نه تنها انحراف رهبری جامعه و مظلومیت خود را بهانه نکرد و به شقاق و

اختلاف پیش آمده دامن نزد، که برای حفظ اسلام و یک پارچگی جامعه و نیز پیش گیری از عمیق تر شدن اختلافات موجود، به خلفا کمک کرد. در این مجال، برخی از نمونه های رفتاری آن حضرت را یاد خواهیم کرد:

الف) رفتار امام با خلیفه اول

امام علی (علیه السلام) به رغم عدم رضایت از جریان تأسف بار سقیفه، مردم را به اتحاد فرا می خواند. آن حضرت به افرادی مانند ابوسفیان و عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که آمده بودند تا در برابر خلیفه، با او بیعت کنند و به این وسیله به اختلافات پیش آمده دامن بزنند، فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النِّجَاحِ وَ عَرَّجُوا عَنِ طَرِيقِ الْمَنَافِرِ وَ ضَعُوا تِيَجَانَ الْمَفَاخِرِ»؛ ای مردم! امواج فتنه ها را با کشتیهای نجات در هم شکنید و از مسیر پراکندگی دوری

گزینید و تاج برتری جوینی را به کنار نهید. (۱)

آن حضرت پس از این جریان، تا مدتی کوتاه از بیعت با خلیفه خودداری کرد، ولی سرانجام به لحاظ اهمیت موضوع و ضرورت حفظ وحدت، با وی دست بیعت داد؛ چنان که خود آن حضرت در اشاره به همکاری خویش با دستگاه خلافت فرمود:

پس از انحراف در امر خلافت، تا چندی از مداخله در امور دست برداشتم تا آنکه مشاهده کردم گروهی از اسلام برگشته اند و می خواهند با دعوت مردم، آیین محمد را از بن برافکنند. ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری ندهم، در دین رخنه ای بینم و یا شاهد نابودی آن باشم که برای من مصیبتش بسی گران تر از این است که حکومت بر شما از دست رود... چنین بود که در آن اوضاع به پا خاستم تا باطل نابود و ناپدید گردید و دین ثبات و استقرار یافت. (۲)

هم چنین، آن حضرت در پاسخ این سؤال که «چگونه شما را از مقام جانشینی پیامبر کنار گذاشتند، در حالی که از همه سزاوارتر بودید؟» فرمود:

آن ظلم و خودکامگی که در مورد خلافت بر ما تحمیل شد، با آنکه نسب ما برتر و پیوند ما با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محکم تر بود، به دلیل خودخواهی و انحصارطلبی برخی بود که خلافت را بخیلانه تصاحب کردند و گروهی دیگر از آن سخاوت مندانه دست کشیدند. داور خداست و بازگشت همه به سوی او در روز قیامت است. (۳)

هرچند تحمل غصب خلافت برای آن حضرت سخت و طاقت فرسا بود، امام برای حفظ وحدت آن را تحمل کرد؛ چنان که فرمود: «فرأیت أن الصبر علی هاتا أحجی، فصبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی»؛ عاقبت دیدم صبر و بردباری به عقل نزدیک تر است. از این رو،

ص: ۵۸

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۵، ص ۵۷.

۲- همان، نامه ۶۲، ص ۱۰۴۷.

۳- همان، خطبه ۱۶۱، ص ۵۱۷.

خویشتن داری کردم، در حالی که گویی خار در چشم و استخوان در گلویم بود.^(۱)

ب) رفتار امام با خلیفه دوم

با آنکه خلیفه اول با رأی و نظر دیگران (شورا) به خلافت برگزیده شد، اما او به صورت انتصابی و برخلاف میل دیگران، در هنگام مرگ، امر خلافت را به خلیفه دوم و انهاد. امام علی (علیه السلام) با آنکه سخت از این مسئله ناراحت بود، برای حفظ وحدت، موضع گیری خدایسندانه خود را تداوم بخشید و از حق مسلم خود دست کشید و با خلیفه دوم بیعت کرد؛ چنان که فرمود: «فلّیّا احتضرت بعثت الی عمر فولاه فسمعنا و اطعنا و ناصحنا»؛ چون خلیفه اول به حالت احتضار درآمد، حکومت را به عمر و انهاد و ما نیز بیعت کردیم و اطاعت نمودیم و خیرخواهی نشان دادیم.^(۲)

راهنمایی و مشورت دهی روشنگرانه امام به خلیفه دوم در حل معضلات سیاسی، فرهنگی، نظامی و قضایی از جمله کمکهای امام به او بود. برای نمونه، علی (علیه السلام) او را از شرکت در جنگ با رومیان که در سال ۱۵ هجرت رخ داد، برحذر داشت و فرمود:

هرگاه با سپاه همراه گردی و در معرکه نبرد آسیب بینی، برای مسلمانان تا دورترین شهرها و سرحدات پناهگاهی نمی ماند و پس از تو مرجعی نمی یابند که به او رجوع کنند. پس مصلحت این است که مردی دلیر به فرماندهی سپاه بگماری و مردانی جنگ دیده به فرمان وی درآوری و خود در مرکز بمانی که اگر اتفاقی ناگوار افتاد، تو مرجع مسلمانان باشی.^(۳)

ص: ۵۹

۱- همان، خطبه ۳، ص ۴۶.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۶۹؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۵.

۳- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۳۴، ص ۴۱۵.

هرچند امام پس از قتل خلیفه دوم در شورای شش نفره حضور داشت و از وجود تبانی در آن آگاه بود، اما هر جا که پای اسلام و اتحاد جامعه اسلامی در میان بود، از حق خود دست برمی داشت و آن را فدای مکتب و اتحاد جامعه می کرد. سخنی که امام پس از تصمیم شورای شش نفره گفت، گواه فداکاری اوست:

لقد علمتم أنّي أحقّ الناس بها من غيري والله لأُسلمنّ ما سلّمتم أمور المسلمين و لم يكن فيها جور إلا عليّ خاصّه؛ نيك می دانید که من برای خلافت از هر کس دیگری سزاوارترم و در عین حال، تا آن گاه که امور مسلمانان سامان یافته باشد و جز بر من، ستمی بر هیچ کس نرود، خلافت را به دیگری وامی نهم. (۱)

امام علی (علیه السلام) نه تنها در دفاع از حق مسلم خود دست به قیام نزد دوستان خود را به شورش علیه دستگاه خلافت و نداشت، که برای پیش گیری از

تفرقه و پراکندگی در جامعه نوپای آن روز، از حکومت و از شخص خلیفه دفاع کرد. این دفاع تا آن حد بود که خود آن حضرت فرمود: «والله لقد دفعت عنه حتّى خشيت أن أكون آثمًا»؛ به خدا سوگند، چندان از عثمان دفاع کردم که می ترسم مرتکب گناه شده باشم. (۲)

همین رفتار وحدت گرایانه امام با خلفا موجب شد که برخی در اعتراف به این واقعیت، علی (علیه السلام) را پس از رحلت پیامبر، نخستین مدافع وحدت و اولین مؤسس تقریب بین مذاهب نامیدند. علامه دکتر عبدالمتعال استاد دانشگاه الازهر در این باره می گوید: «علی بن ابی طالب اولین بنیان گذار تقریب بین مذاهب است. او با اینکه می دانست از دیگران به خلافت

ص: ۶۰

۱- همان، خطبه ۷۳، ص ۱۷۱.

۲- همان، خطبه ۲۳۵، ص ۸۱۹.

سزاوارتر است، ولی با ابوبکر، عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و از هیچ گونه کمکی به آنان دریغ نفرمود. (۱)

نرم خویی و تسامح امام علی (علیه السلام) با مخالفان به حدی بود که گاه برخی دوستان و اصحاب آن حضرت به وی اعتراض می کردند. نوع برخورد آن حضرت با عایشه پس از جنگ جمل، نمونه ای از رفتار مسامحه آمیز امام است که سخت مورد اعتراض دوستان آن حضرت واقع شد. امام پس از خاتمه جنگ، به نزد وی که در منزل عبدالله بن خلف در بصره به سر می برد، رفت و بر او سلام داد و با او گفت و گو کرد. سپس کاروانی از زنان سرشناس بصره به سرپرستی محمد بن ابی بکر (برادر عایشه) فراهم آورد و عایشه را همراه آنان با عزت و احترام به مدینه فرستاد. (۲)

اصرار امام علی (علیه السلام) بر حفظ وحدت در جامعه اسلامی تا آن حد بود که نه تنها در تمام عمر بدان پای بند بود، که در واپسین لحظات حیات نیز آن را از نظر دور نداشت و از این رو، به تمامی فرزندان خویش و آنان که پیام او را دریافت خواهند کرد، فرمود: «شما دو نفر و دیگر اعضای خانواده ام و کسانی را که نامه ام به آنان خواهد رسید، به پروای از خداوند و نظم در جریان کارها و ایجاد صلح و وحدت در میان خود توصیه می کنم... و بر شما باد همبستگی و فداکاری متقابل و زنده از گسستگی و پشت کردن به یکدیگر. (۳)

شهید مطهری درباره اقدامات وحدت گرایانه امام علی (علیه السلام) می گوید:

طبعاً هر کس می خواهد بداند آنچه علی (علیه السلام) درباره آن می اندیشید،

ص: ۶۱

۱- نک: مجمع دارالتقريب، رسالی الاسلام، سال سوم، شماره ۴، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق، ص ۴۳۹.

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۵۸.

۳- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۴۷، ص ۹۷۷.

آنچه علی (علیه السلام) نمی خواست آسیب ببیند، آنچه علی (علیه السلام) آن اندازه برایش اهمیت قائل بود که چنان رنج جانکاهی را تحمل کرد، چه بود؟ باید گفت آن چیز وحدت صفوف مسلمین و راه نیافتن تفرقه در آن است. مسلمین قوت و قدرتی را که تازه داشتند به جهانیان نشان می دادند، مدیون وحدت صفوف و اتفاق کلمه خود بودند. موفقیت محیرالعقول خود را در سالهای بعد نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند. علی القاعده، علی به خاطر همین مصلحت، سکوت و مدارا کرد... (۱).

حفظ وحدت در رفتار دیگر امامان

دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) نیز برای حفظ وحدت در جامعه اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. ازدواج و آمیزش با مخالفان، شرکت در جمعه و جماعات آنان و دستور به برقراری ارتباط سازنده با آنان از جمله این تلاشهاست؛ چنان که امام کاظم (علیه السلام) در این باره فرمود: «صَلَّى حَسَنٌ وَ حَسِينٌ خَلْفَ مِرْوَانَ وَ نَحْنُ نَصَلِّي مَعَهُمْ»؛ امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)

پشت سر مروان نماز گزاردند و ما نیز با آنان نماز می گزاریم. (۲)

امام صادق (علیه السلام) برای ایجاد وحدت و همدلی در میان مسلمانان، پیروان خود را به شرکت در نماز جماعت اهل سنت تشویق می کرد و حتی تا آنجا پیش رفت که فرمود: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ»؛ هر کس با آنان در صف اول نماز گزارد، مانند آن است که در صف اول پشت سر رسول خدا نماز گزارده باشد. (۳)

ص: ۶۲

۱- محمد واعظ زاده خراسانی، «تقریب مذاهب اسلامی، ضرورتی استراتژیک»، اندیشه حوزة، شماره ۶۷ - ۶۸، اسفند ۸۶، ص ۱۹۴.

۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۳.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۸۲.

عالمان و فرهیختگان مسلمان همواره در اندیشهٔ ایجاد وحدت و همدلی در جامعهٔ اسلامی بوده اند. برخورد هوشمندانهٔ رهبران مسلمان در این باره، خود گواهی روشن بر این مدعاست.

الف) اندیشمندان شیعه

اگر تاریخ شیعه را مرور کنیم، خواهیم دید که شیعیان، به ویژه عالمان دینی، به پیروی از سنت پیامبر و پیشوایان معصومشان، در راه وحدت و همبستگی با برادران اهل سنت تلاشی فراوان مبذول داشته اند. اندیشمندان شیعه، از شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی در قرن چهارم و پنجم هجری گرفته تا بزرگانی همچون سیدجمال الدین اسدآبادی،^(۱) محمدحسین کاشف الغطاء، سیدعبدالحسین شرف الدین، آبی الله بروجردی و به ویژه امام راحل و مقام معظم رهبری، همواره در این راه کوشیده اند.^(۲)

امام خمینی برای ایجاد وحدت و تحکیم آن در میان مسلمانان تلاش زیادی کرد؛ از جمله: تجویز پرداخت زکات به مبارزان فلسطینی «غیر شیعه» در سال ۱۳۴۷ ش،^(۳) تأکید بر تشکیل جلسات دارالتقرب و اعزام نماینده به آن، اعلام روز جهانی قدس و جلب توجه جهان اسلام به مسئلهٔ فلسطین، توصیه به شرکت حجاج شیعه در جمعه و جماعت برادران اهل سنت در مکه و مدینه، توصیه به هم زمانی و قوفین و عید قربان با آنان،^(۴) تأکید بر برگزاری جشنهای

ص: ۶۳

۱- نک: سیدمحمد محیط طباطبایی، سیدجمال اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، ص ۱۷۹-۲۱۲.

۲- نک: کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه، قم، الهادی، چاپ اول، بی تا، ص ۵۳۰-۵۴۷.

۳- نک: امام خمینی، صحیفهٔ امام (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۱۹۴.

۴- نک: در جستجوی راه از کلام امام، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، دفتر ۱۵، ص ۱۰۹، پیام به زائران خانهٔ خدا در تاریخ ۲۹/۶/۵۸ ش.

هفته وحدت به مناسبت ولادت رسول گرامی اسلام از ۱۲ تا ۱۷ ماه ربیع الاول، توصیه به عوامل وحدت آفرین(۱) و منع از دامن زدن به عوامل اختلاف زا.(۲)

گفتنی است که این تلاشها در تمام مدت زعامت ایشان، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، ادامه داشت. امام در همان اوایل انقلاب، وحدت و همدلی میان تمامی مسلمانان را ضروری می شمرد و از همه می خواهد تا اختلافات را کنار بگذارند و به ریسمان الهی چنگ زند؛ چنان که فروتنانه می گوید:

من دست همه علمای اسلام را هر جا هستند، می بوسم. مقصد بزرگ تر از اینهاست. من دست برادری را دراز می کنم به تمام ملت‌های اسلامی، به تمام مسلمین دنیا در شرق و غرب عالم، هر چه مسلم هستند. من از اینجا دست برادری دراز می کنم و دست آنها را می فشارم.(۳)

امام درست یک روز پس از پیروزی انقلاب، با وجود فشار کار و انبوه مشکلاتی که وجود داشت، به مسئله وحدت توجه ویژه ای کرد و در ضرورت حفظ آن فرمود:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست ما همه با هم برادریم.(۴)

افزون بر موضع گیریهای هوشیارانه امام و اقدامات خردمندانه ایشان، موضوع وحدت میان فرق اسلامی به عنوان اصلی اساسی در منشور جمهوری

ص: ۶۴

۱- نک: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۷-۲۹.

۲- نک: همان، ص ۲۲-۲۶.

۳- در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر ۱۵، ص ۱۳۳.

۴- همان، ص ۱۰۳.

اسلامی ایران، یعنی قانون اساسی، نیز مورد توجه قرار گرفته است:

به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (۱) همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (۲)

مقام معظم رهبری آیی الله خامنه ای نیز که چهره ای اسلام شناس و مدافعی راستین برای وحدت مسلمانان است، برای تحکیم وحدت در جامعه اسلامی اقداماتی ارزنده و ابتکاراتی سازنده صورت داد که از آن جمله می توان به نام گذاری سال ۱۳۸۶ ش به نام «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» در بیانیه بهاریه ایشان اشاره کرد:

ملت ما باید هشیار باشد. تلاش برای سازندگی کشور و عمده تر و مهم تر از آن، تلاش برای اتحاد کلمه و یک پارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی ادامه یابد. عاقلانه، هوشیارانه، خردمندانه و مدبرانه بایستی این اتحاد را حفظ کرد و روز به روز تقویت کرد. من به همین جهت به مسئله اتحاد کلمه ملتمان اهمیت می دهم و به نظر من، امسال سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی، و در سطح بین المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها. (۳)

ب) اندیشمندان اهل سنت

بسیاری از دانشمندان اهل سنت و جماعت به ضرورت وحدت در جامعه

ص: ۶۵

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۹۲.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، اصل ۱۱.

۳- پیام مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۸۶.

اسلامی واقف اند و برای این امر مهم اقدامات چشم گیر و ارزشمندی صورت داده اند. نگاهی گذرا به دیدگاههای روشن ائمه مذاهب و دانشمندان بزرگ اهل سنت گواه این مطلب است که آنان تکفیر دیگر مسلمانان را حرام می شمردند و هیچ مسلمانی را به خاطر نوع اعتقادی که دارد، تفسیق و تکفیر نمی کنند و اختلافات جزئی را موجب تفسیق و تکفیر مخالفان نمی دانند.

ابن حزم فتوای حرمت تکفیر مسلمانان را از بزرگانی مانند ابن ابی لیلی، ابوحنیفه، امام شافعی، سفیان ثوری و داود بن علی نقل می کند و سپس این مطلب را اجماعی می داند و می گوید: «اینکه نباید هیچ مسلمانی تکفیر شود، عقیده تمام اندیشمندان صاحب رأی است که من آنها را می شناسم و در این باره از آنان هیچ اختلافی سراغ ندارم».(۱)

ابوالحسن اشعری که اغلب اهل سنت در اصول اعتقادات و مسائل کلامی از او پیروی می کنند، در واپسین لحظات حیاتش اصحاب خویش را فراخواند و از آنان چنین درخواست کرد: «اشهدوا علیّ أنّی لا أُکفرُ أحداً من أهل القبلة بذنب، لأنهم کلهم یسیرون إلی معبود واحد و الإسلام یشملهم و یعمهم...»؛ همه گواهی دهید که من هیچ یک از اهل قبله را به دلیل ارتکاب گناه، تکفیر نمی کنم؛ چرا که تمامی آنان به معبودی واحد اشاره دارند و مکتب اسلام شامل همه آنهاست و تمامی آنان را در بر می گیرد».(۲)

فخر رازی مفسر نامی اهل سنت در جلد اول تفسیر خود، در این بحث که آیا جهر به «بسم الله» لازم است یا خیر، جهر را که دیدگاه امام علی (علیه السلام) است، می پذیرد و سپس می گوید: «هر کس در دین خود به علی بن ابی طالب اقتدا کند، هدایت یافته است. دلیل بر این مطلب، این سخن پیامبر

ص: ۶۶

۱- سیدعبدالحسین شرف الدین، اجوبی مسائل جارالله، صیدا، العرفان، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ق، ص ۸.

۲- همان، ص ۲۳.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است که فرمود: «اللَّهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ حَيْثُ دَارَ»؛ خدایا همیشه حق را دایر مدار علی (علیه السلام) قرار ده. (۱)

او در تفسیر سوره کوثر، در بیان معنای واژه «کوثر»، به نسل حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره کرده، می گوید: «در کدام نسل است که عالمانی بزرگ همچون امام باقر، صادق، کاظم و رضا (علیه السلام) وجود داشته باشد؟». (۲)

در میان معاصران نیز، اقدام خردمندانه شیخ بزرگ الازهر، یعنی شیخ محمود شلتوت، در ربیع الاول ۱۳۷۸ ق مبنی بر به رسمیت شناختن مکتب امامیه و جواز پیروی از آن، نمونه دیگری از اقدامات وحدت گرایانه دانشمندان بزرگ اهل سنت است. از ایشان پرسیدند: «هر فرد مسلمان باید

تابع یکی از مکاتب چهارگانه معروف باشد و در میان این مکاتب، نامی از مکتب شیعه امامیه برده نشده است. آیا جناب عالی با این نظر که پیروی از مکتب امامیه مغایرتی با دین ندارد، موافقید؟». او پاسخ داد: «... مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثنا عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن، مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت، جایز است».

جالب این است که وی متن فتوای خود را برای آقای محمد تقی قمی دبیر کل جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی ارسال داشته، می نویسد: «سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد. با نهایت مسرت، یک نسخه از فتوای امضاشده خود را که در مورد تجویز پیروی از مذهب شیعه امامیه صادر کرده ام، به پیوست حضورتان تقدیم می دارم...». (۳)

ایشان با ابراز خرسندی از وحدت به عمل آمده در میان مذاهب اسلامی می گوید: «من آرزو داشتم می توانستم از اجتماعاتی که در دارالتقریب برپا

ص: ۶۷

۱- فخر رازی، التفسیر الکبیر، بیروت دار الکتب العلمی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- نک: همان، ج ۳۲، ص ۱۱۷.

۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، ص ۳۷۹-۳۸۰.

می شود، تعریف کنم که در آن، مصری در کنار ایرانی، لبنانی، عراقی، پاکستانی و غیره قرار می گیرد و حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی با امامی و زیدی دور یک میز می نشینند.^(۱)

وقتی از اختلاف موجود میان فرقه اسلامی سخن به میان می آید، ممکن است چنین تصور شود که سرچشمه تمامی اختلافات موجود، اختلاف در میان سران فرقه هاست؛ اما در لابلای صفحات تاریخ، اسنادی وجود دارد که حاکی از روابط دوستانه آنان با یکدیگر است. برای نمونه، مالک بن انس بنیان گذار مذهب مالکی با اشاره به رابطه دوستانه خود با امام صادق (علیه السلام) رئیس مذهب جعفری و با اعتراف به اینکه در نزد او شاگردی کرده، می گوید: «باید اذعان کرد که شخصی برتر از جعفر بن محمد در علم، عبادت، ورع و تقوا نه دیده شده و نه شنیده شده است. تصور چنین انسانی نه به ذهن کسی خطور کرده است و نه با ذهنیت بشری توصیف پذیر است».^(۲)

همچنین، ابوحنیفه بنیان گذار مذهب حنفی با صراحت، نجات و رستگاری خویش را وام دار حضور در کلاس درس امام صادق (علیه السلام) دانسته، می گوید: «اگر آن دو سالی که نعمان (ابوحنیفه) در نزد جعفر صادق شاگردی کرد، نبود، هر آینه او هلاک شده بود (لولا السنن لهلك نعمان).^(۳) او در پاسخ به این سؤال که «فقیه ترین کیست؟»، گفت: «کسی را فقیه تر از جعفر صادق ندیدم».^(۴)

ص: ۶۸

-
- ۱- دارالتقريب، اسلام آيين همبستگي، ترجمه و نگارش عبدالکريم بي آزار شيرازي، تهران، مؤسسه بعثت، ۱۳۵۴ ش، ص ۲۱.
 - ۲- علي بن يوسف حلي، العدد القويي لدفع المخاوف اليومي، قم، نشر کتاب خانه آيي الله مرعشي نجفي، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۵۵؛ محمد بن قتال نيشابوري، روضي الواعظين، قم، منشورات الرضي، ص ۴۰۱.
 - ۳- حامد حفتي داود، نظرات في الكتب الخالده، قاهره، دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق، ص ۱۰۲.
 - ۴- نک: شمس الدين محمد بن احمد ذهبي، تذکری الحفاظ، حيدرآباد، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۶.

در اینکه وحدت قرنهاست از جوامع اسلامی رخت بر بسته و با فقدان خود، چشم اندازی تاریک و مبهم فراروی شیفتگان حاکمیت وحدت در جامعه قرار داده است، سخنی نیست. همچنین، در اینکه فقدان وحدت، تمامی مصلحان و نیک اندیشان مسلمان را در حسرت بازگشت این نعمت الهی به جامعه نشانده است نیز تردیدی نیست. آنچه نیازمند بحث و گفت و گو است، این است که چرا وحدت، این جان مایه حیات امت اسلامی، از جامعه رخت بر بسته است؟ و چه عوامل و راهکارهایی می تواند وحدت را به ارمغان آورد و عزت و شوکت از دست رفته امت اسلامی را دوباره بازگرداند؟

هرچند عواملی محدود، امت متحد و مقتدر دیروز را به جمعی پراکنده تبدیل کرده است، اما جای بسی خرسندی است که در برابر این واقعیت تلخ، محورهای مشترک در حوزه های مختلف دین، تمدن و فرهنگ عمومی مسلمانان وجود دارد که امید به همگرایی را تقویت می کند. اشتراک در اصول اعتقادی، مانند توحید، نبوت، خاتمیت، معاد و دوستی

خاندان پیامبر، اشتراک در امور سیاسی، مانند ضرورت تشکیل حکومت، انتخاب زمام دار عادل و توجه به دشمن مشترک، اشتراک در جواز اجتهاد، اشتراک در منابع فقهی، یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع، و همچنین اشتراک در انجام امور عبادی و فروع عملی، همه و همه نمونه هایی از اصول مشترک میان فرق اسلامی است.

این مبحث که درباره عوامل و راهکارهای مؤثر در ایجاد وحدت است، در دو بخش «زمینه های وحدت» (هستها) و «راهکارهای وحدت آفرین» (بایدها) تنظیم یافته است.

الف) زمینه های وحدت (هستها)

اشاره

وحدت و همگرایی که تجلی جامعه آرمانی است، عناصر و پیش زمینه هایی ویژه دارد که جامعه توحیدی را از دیگر جوامع بشری متمایز و ممتاز می سازد:

۱. ایمان

اشاره

ایمان عاملی مؤثر در ایجاد وحدت و همگرایی در جامعه اسلامی است؛ چرا که ایمان آدمی را حق پذیر می کند و حق پذیری به وحدت و همگرایی می انجامد. تا درخت ایمان در باغچه دل آدمی ریشه نکند، میوه ای شیرین به نام وحدت و همگرایی حاصل نمی شود؛ چرا که ایمان بذر دوستی را در دلها می افشاند، دلها را به یکدیگر نزدیک و مهربان می سازد و جامعه ایمانی را حول محوری واحد گرد می آورد. این بدان سبب است که نور ایمان، هم هدف را مشخص می سازد و هم راه را روشن می کند. بدیهی است که هرگاه راه و هدف، هر دو روشن گردند، جامعه ایمانی تنها همان راه را در پیش می گیرد و در شعاع نور ایمان، تنها به سوی همان هدف ره می سپارد؛

ص: ۷۰

در حالی که در ظلمت بی ایمانی نه هدف معلوم است و نه راه روشن، و نتیجه چنین حالتی نیز جز بیراهه رفتن و پراکندگی نیست: « تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى » (۱).

اینکه قرآن واژه «نور» را به صورت مفرد آورده و آن را در مقابل «ظلمات» قرار داده است، (۲) اشاره ای لطیف به این حقیقت دارد که نور عاملی مؤثر در وحدت و همگراییهاست، در صورتی که ظلمت - اعم از ظلمت حسی و معنوی - سرچشمه پراکندگیها و دورافتادگیهاست. این حقیقت را در طبیعت نیز می توان مشاهده کرد؛ چنان که اگر شب هنگام چراغی در محیط باز روشن کنیم، می بینیم که بی درنگ گروهی از حشرات به سوی آن می آیند و گرد آن جمع می شوند، ولی همین که چراغ را خاموش کنیم، تمام حشرات پراکنده می گردند و هر کدام به سویی می روند.

قرآن پراکندگی را ویژگی دوره پیش از پذیرش ایمان می داند و اعلام می کند که وقتی ایمان در دلها راه یابد، قبیله گرایی رنگ می بازد و اختلاف جایز را به یکدلی می سپارد: « وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا » ؛ نعمت خدا را بر خود یاد آورید، آن گاه که با یکدیگر دشمن بودید، پس خدا میان دلهایتان الفت انداخت تا به لطف او با یکدیگر برادر شدید. (۳)

این نقش ایمان است که از افراد پراکنده، جامعه ای واحد و استوار می سازد، هر چند آن افراد به لحاظ مکان، از هم دور و از نظر نژاد و زبان، بیگانه باشند. جامعه مستحکم و شکل گرفته از سلمان ایرانی، بلال حبشی، غلام یمنی، صهیب رومی، ابوذر غفاری، اویس قرنی و دیگران در صدر

ص: ۷۱

۱- حشر (۵۹)، آیه ۱۴.

۲- بقره (۲)، آیه ۲۵۷.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

اسلام، به خوبی نقش ایمان را در این باره نشان می دهد. درست به همین دلیل است که قرآن در اشاره به نقش مؤثر ایمان در حفظ وحدت می گوید: تأثیر ایمان را با هیچ چیز دیگر مقایسه نکنید: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» ؛ میان دل‌هایشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است، همه را خرج می کردی، نمی توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار سازی. (۱)

قرآن در جایی دیگر با اشاره به نقش ایمان به خدا در همگرایی اسلامی می فرماید: «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» ؛ کسی که روی به خدا آورد در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره ای محکم چنگ زده است. (۲)

آنچه درباره تأثیر ایمان در حفظ اتحاد و همدلی بیان گردید، نگاهی کلی به نقش این مؤلفه بود؛ اما اینک با نگاهی تفصیلی تأثیر آن را بررسی می کنیم:

۱-۱) خدا و پیامبر

بارزترین محوری که اتحاد و یگانگی در آن موج می زند و زمینه ای مناسب برای همدلی و همگرایی تمامی مسلمانان به شمار می آید، ایمان به خدا و پیامبر است. از این رو، بر هر مسلمانی لازم است در رفتار خود با دیگر مسلمانان، ایمان به خدا و پیامبرش را محور قرار دهد و از هر گونه اختلاف و اتهامی بپرهیزد. امام علی (علیه السلام) با اشاره به این واقعیت که خدا یکی است و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز یکی است، در نکوهش اختلاف میان مسلمانان می گوید: «آیا اختلافات موجود از آن روست که خدا به آن فرمان داده است و آنها دستور خدا را اجرا می کنند؟ یا آنکه اختلافات نه از سوی خدا،

ص: ۷۲

۱- انفال (۸)، آیه ۶۳.

۲- لقمان (۳۱)، آیه ۲۲.

که از کوتاهی پیامبر در ابلاغ پیام و انجام رسالت نشئت گرفته است؟ (۱)

۱-۲) قرآن و سنت

قرآن: یکی از عواملی که زمینه را برای اتحاد و همدلی مسلمانان فراهم می آورد، قرآن است؛ چرا که تمامی مسلمانان اتفاق نظر دارند که قرآن سخن حق و دور از هر گونه وهم و هزالت است (۲) و جز وحی چیزی دیگر نیست. (۳) این کتاب پیامی آسمانی است که در تأکید بر وحدت و همگرایی در جامعه اسلامی می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۴).

برای «حبل الله» چندین معنا مانند: عهد الله، اطاعت از خدا، اخلاص در برابر او، (۵) مکتب توحیدی اسلام، اهل بیت و قرآن (۶) گفته شده است. (۷) هرچند هر یک از این معانی درست است، به نظر می آید که بارزترین مصداق حبل الله، خود قرآن است. سخن رسول خدا (صلى الله عليه و آله وسلم) دلیل بر این مطلب است که فرمود: «كتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء إلى الأرض»؛ کتاب خدا همان ریسمان الهی است که از آسمان تا زمین کشیده شده است. (۸) در آیه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ» (۹) که قرآن از همگان خواسته است تا

ص: ۷۳

-
- ۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۸، ص ۷۴.
 - ۲- طارق (۸۶)، آیات ۱۳ و ۱۴.
 - ۳- نجم (۵۳)، آیه ۴.
 - ۴- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.
 - ۵- نک: جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، قم، کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۱.
 - ۶- نک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۸۰۵.
 - ۷- نک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائری المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۸۷.
 - ۸- محمد بن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۳.
 - ۹- نساء (۴)، آیه ۵۹.

منازعات خود را به خدا ارجاع دهند نیز منظور، قرآن است. (۱)

بنابراین، تمامی مسلمانان باید قرآن را مرجعی معتبر بدانند و با تمسک به آن، اختلافات خود را کنار نهند و تنشها را به حداقل رسانند؛ چنان که امام علی (علیه السلام) فرمود: «این پیمانی است که مردم... چه شهرنشینان و چه بادیه نشینان، بر آن اتفاق دارند تا از کتاب خدا پیروی کنند، مردم را بدان فراخوانند و به اجرائش فرمان دهند، هر دعوتی را که به قرآن باشد، بپذیرند، آن را به هیچ بهایی نفروشدند و آن را با هیچ چیز عوض نکنند». (۲)

سنت: از آن رو که سنت تالی تلو قرآن بوده، از قرآن جدا نیست، داوری آن را نیز باید پذیرفت و اختلافات را به آن ارجاع داد؛ چرا که سنت نیز اگر مورد توجه قرار گیرد، مانند قرآن، تأثیر زیادی در ایجاد وحدت و حفظ همدلی و همگرایی خواهد داشت. امام علی (علیه السلام) برای نشان دادن نقش قرآن و سنت در حفظ وحدت، آنها را در کنار هم آورده و در ذیل آیه یادشده فرموده است: «فَرَدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نَحْكُمَ بِكِتَابِهِ وَرَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ»؛ بازگرداندن منازعه به خدا به این معناست که کتاب او را به داوری بپذیریم و معنای بازگرداندن آن به رسول خدا این است که طبق سنتش عمل کنیم. (۳)

۲. امت واحد

یکی از دیگر مؤلفه هایی که در تحکیم وحدت تأثیر بسزایی دارد، واژه «امت» است. در این واژه که معیار وحدت به شمار می آید، تمام تفاوتها و تمایزها از میان می رود و نشانه های ناسازگار با وحدت، مانند رنگ، نژاد،

ص: ۷۴

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۲۵، ص ۳۸۶.

۲- همان، نامه ۷۴، ص ۱۰۷۷.

۳- همان، خطبه ۱۲۵، ص ۳۸۶.

زبان، قبیله و حتی جنس، وجود ندارد. از این روست که وحدت در اندیشه اسلامی نمودهایی مانند وحدت در جهان بینی، فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی، پرستش و نیایش دارد.

این واژه که حدود پنجاه بار در قرآن آمده است، از ماده «أَمَّ، يُوُمُّ» بوده و در لغت به معنای قصد است (۱) و در اصطلاح به معنای یک واحد بزرگ انسانی است که عامل پیوند آن، دین و فرهنگ مشترک است. زمانی این واژه بر گروهی از انسانها اطلاق می گردد که هم دارای مقصد و هدفی واحد باشند (۲) (چرا که در واژه «امت» مفهوم حرکت به سوی یک هدف

نهفته است) (۳) و هم از رهبری واحد برخوردار باشند (۴) (زیرا زمانی این حرکت به سوی هدف واحد سامان می یابد که با هدایت رهبر واحد صورت پذیرد). بنابراین، منظور از امت در آیه یادشده، جامعه کلان اسلامی است که از هدایت رهبر واحدی برخوردار است و در حرکتی همسو به سوی هدفی واحد حرکت می کند.

۳. دوستی اهل بیت

کلمه «ولایت» لفظی مشترک است که هم به فتح واو آمده است و هم به کسر آن. اگر به فتح باشد، مصدر و به معنای محبت و یاری دادن است و اگر به کسر باشد، اسم و به معنای رهبری و سرپرستی است. (۵)

آنچه از اعتقادات ضروری و خاص مذهب شیعه است، ولایت به معنای

ص: ۷۵

-
- ۱- نک: ابن منظور افریقی، لسان العرب، قم، ادب الحوزی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۲، ص ۲۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۸؛ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۳.
 - ۲- نک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۸۵.
 - ۳- نک: همان، ج ۲، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.
 - ۴- نک: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، ص ۲۰۶.
 - ۵- نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷.

رهبری و سرپرستی است؛ اما ولایت به معنای دوستی خاندان رسول خدا مختص به شیعیان نیست، بلکه جز خوارج که اینک منقرض گشته اند، مورد اتفاق تمامی فرق اسلامی است.^(۱)

نگارش کتابهای گران سنگ در خصوص فضایل اهل بیت به قلم فرهیختگان اهل سنت، خود نشان از گستردگی این باور در دنیای اهل سنت دارد. کتابهای العبری فی فضائل العتری از علامه عبدالله حمصی، مودی القربی از سیدعلی حسینی همدانی، نزول القرآن فی مناقب اهل البیت از ابونعیم اصفهانی، فضائل علی از جلال الدین سیوطی، محسن الاظهار فی تفصیل مناقب الائمی الاظهار از حمیدالدین بن احمد شهید یمانی، مناقب علی از ابوعبدالله احمد بن حنبل، مناقب علی بن ابی طالب از ابن غزالی شافعی و... همگی گویای عشق و محبت به خاندان رسول خدا در میان فرق اسلامی هستند.

امام شافعی در سروده ای دوستی خاندان رسول خدا را امری واجب دانسته، می گوید:

یا اهل بیتِ رسولِ الله حُبُّکم

فرض من الله فی القرآن أنزله

«ای خاندان رسول خدا، دوستی شما را خداوند در قرآنی که نازل کرده، واجب شمرده است».^(۲)

او در جای دیگری نیز می گوید:

إن کان رفضاً حبّ آل محمّد

فلیشهد الثقلان أنّی رافضی

ص: ۷۶

-
- ۱- نک: جارالله زمخشری، الکشاف، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲؛ محمد ابن انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۶؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
 - ۲- محمد عقیل بن عبدالله بن عمر، النصائح الکافی لمن یتولّى معاوی، قم، دار الثقافی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۲۴.

«اگر به راستی، دوستی آل محمد رفض است، پس جن و انس همه گواهی دهند که من رافضی ام».(۱)

ابوحنیفه که از بزرگ ترین بنیان گذاران فقه اهل سنت است، علاقه زیادی به اهل بیت پیامبر داشت. او در جلسه ای به شاگردانش گفت: «آیا می دانید چرا شامیان با ما دشمنی می کنند؟ این بدان علت است که ما بر این باوریم در جریان درگیری معاویه با امام علی، حق با علی بود. از این رو، اگر در آن عصر حضور می داشتیم، به یقین در سپاه علی بودم و از او حمایت می کردم». او ادامه داد: «آیا می دانید اهل حدیث چرا با ما مخالفت می ورزند؟ این بدان سبب است که ما اهل بیت رسول خدا را دوست داریم و به فضایل آنان اعتراف می کنیم».(۲)

درباره نقش اهل بیت پیامبر در وحدت جامعه اسلامی، حاکم نیشابوری در روایتی صحیح به نقل از ابن عباس نقل کرده که پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف. فإذا خالفتهم قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»؛ ستارگان باعث مصونیت زمینیان از غرق شدن اند و خاندان من باعث در امان ماندن امتم از تفرقه و پراکندگی اند. هرگاه گروهی از عرب با اهل بیت من مخالفت کنند، به تفرقه و چنددستگی مبتلا می گردند و از حزب شیطان محسوب خواهند شد».(۳)

فخر رازی که از مفسران بنام اهل سنت است، به نقل از زمخشری

ص: ۷۷

۱- امام شافعی، کتاب الأئم، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۴؛ سلیمان ابن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودى لذوی القربى، بی جا، دار الاسوی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۹۸.

۲- اسد حیدر، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، ص ۴۰۱.

۳- محمد بن محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ محمد تقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۲.

روایت کرده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است و مورد مغفرت قرار می گیرد و چونان کسی است که با حال توبه و با ایمان از دنیا رفته است، و هر کس بر دشمنی با آل محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است و هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد»^(۱).

در انتها، به این سخن امام علی (علیه السّلام) اشاره می کنیم که پس از جنگ نهروان، با اشاره به جایگاه خود فرمود: «واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم و باید من در جای خود بمانم و چرخهای کشور بر محور من بچرخد. اگر من لحظه ای جایگاهم را رها کنم، مدار این آسیا سرگردان می شود و سنگ زیرین آن به لرزش درمی آید»^(۲).

۴. قبله واحد

از جمله عناصر وحدت آفرین که باید مورد توجه تمامی مسلمانان قرار گیرد، وحدت قبله است. آن گاه که وقت نماز فرا می رسد، همه به سوی قبله ای واحد می ایستند و در برابر معبود یگانه، صورت بر خاک می ساینند و نماز می گزارند؛ همچنان که تمامی مسلمانان ذبایح خویش را به همان سوی ذبح می کنند و مردگان خود را نیز به طرف همان قبله به خاک می سپارند.

۵. حج

حج نمونه ای روشن از همگامی و همدلی پیروان اسلام است و پیامی وحدت آفرین برای حاجیان و تمامی مسلمانان دارد؛ چرا که حاجیان هر چند به لحاظ زبان، نژاد، کشور، فرهنگ و تمدن، تفاوت‌هایی فراوان دارند، اما همین که به میقات می رسند، جامه تفاوت و امتیاز را کنده، به کنار می نهند و با پوشیدن جامه ای یک دست و یک رنگ، با دیگر حاجیان هم رنگ می شوند و با سر دادن شعار «لیبک» با آنان هم صدا می شوند و همه به سوی مقصدی واحد روانه می گردند و بدین وسیله تمایز و حیثیت فردی خویش را به کنار می نهند

ص: ۷۸

۱- فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۱۸، ص ۳۶۸.

و چونان قطره ای که به دریا می رسد، به خیل طواف کنندگان می پیوندند.

قرآن کریم در اشاره به فلسفه حج، یکی از حکمت‌های حج را مشاهده منافع معرفی کرده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (۱). ناگفته روشن است که از مهم ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر وحدت و یگانگی اهل ایمان در جامعه است. اینکه جدال و منازعه (۲) و نیز حمل سلاح (۳) برای حاجیان در ایام حج ممنوع شده است، تأییدی بر این حقیقت است؛ چرا که این کارها ممکن است به وحدت آسیبی جدی وارد آورد.

برخی ویژگیها و احکامی که در آموزه های اسلامی برای مسجدالحرام و مکه مکرمه آمده است نیز به ایجاد و تحکیم وحدت کمک می کند. محل امن معرفی شدن سرزمین مکه (۴) و ممنوعیت ورود بیگانگان غیر مسلمان به حرم (۵) از جمله این احکام است. طواف پیرامون خانه خدا نیز از مؤثرترین عوامل و زیباترین جلوه های وحدت عملی است که مسلمانان بی توجه به گرایشهای فرقه ای، به چنین وحدتی دست می یابند.

امام خمینی درباره نقش حج در وحدت اسلامی می گوید: «از جمله

ص: ۷۹

-
- ۱- حج (۲۲)، آیات ۲۷ و ۲۸.
 - ۲- نك: بقره (۲)، آیه ۱۹۷.
 - ۳- نك: حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۰.
 - ۴- نك: بقره (۲)، آیه ۱۲۶؛ آل عمران (۳)، آیه ۹۷.
 - ۵- نك: توبه (۹)، آیه ۲۸؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۱۰۲.

وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که باید خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر جهانی اقدام نمایند»^(۱).

۶. اجتهاد

خاتمیت و جامعیت اسلام و جهانی بودن آن و نیز کلی بودن بسیاری از دستورهای مکتب اسلام، اجتهاد را امری ضروری و اجتناب ناپذیر کرده است.^(۲) البته اختلاف فتواها در میان مکاتب فقهی و حتی در میان صاحب نظران یک مکتب فقهی، امری طبیعی است که باید خاستگاه اصلی آن را اختلاف در مبانی اصولی و منابع فقهی دانست. بدیهی است که این اختلاف نه تنها عاملی منفی و نقطه ای کور نیست، که از امتیازات برجسته فقه و اجتهاد است؛ چرا که این اختلاف موجب شکوفایی اندیشه می شود و به تعمیق و توسعه فقه و حقوق اسلامی می انجامد.

عقل که از منابع مهم اجتهاد به شمار می آید، با کمک دیگر منابع، یعنی قرآن، سنت و اجماع، اصل اجتهاد را پی ریخته و آن را به اصلی مشترک میان مجتهدان فرق اسلامی تبدیل کرده است. از این رو، آن دسته از دانشمندان شیعه و سنی که اجتهاد را پذیرفته اند و آن را امری مسلم می دانند، به احادیثی مانند این حدیث استناد می کنند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در هنگام عزیمت معاذ بن جبل به یمن از او پرسید:

ای معاذ، اکنون که به عنوان والی راهی یمن هستی، با چه چیزی در میان مردم حکم خواهی کرد؟ گفت: با کتاب خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پیامبر پرسید: اگر آن حکم را در کتاب خدا نیافتی، چه می کنی؟ او جواب داد: با

ص: ۸۰

۱- ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۴۴۰، مرداد ۶۷، ص ۲۵.

۲- نک: اکبر هاشمی رفسنجانی، «اجتهاد و نواندیشی»، مجموعه مقالات، تهران، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۲۱.

سنت رسول خدا. آن حضرت پرسید: اگر از سنت چیزی نیافتی؟ معاذ گفت: تلاش می‌کنم با اجتهاد خودم، حکم مسئله را پیدا کنم. اینجا بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کار او را تحسین کرد و فرمود: سپاس خدایی را که فرستاده پیامبرش را به آنچه خود راضی است، موفق کرد. (۱)

در اینجا باید یادآور شد که چون دانشمندان فرق اسلامی در اصل اجتهاد اتفاق نظر دارند، نمی‌توان صاحب نظری را که در برخی مسائل جزئی و فقهی نظر دیگری دارد و از دیدگاه خود دفاع می‌کند، بدعت گذار نامید و تکفیر کرد. علمای اسلام بر این باورند که هر کس تمام وسع خویش را به کار برد و برای به دست آوردن حکم خدا اجتهاد کند، از دو حال بیرون نیست: یا راه را درست می‌رود و به حکم واقعی دست می‌یابد که در این صورت، هم مصاب خواهد بود و هم مأجور، و یا راه را به خطا می‌پیماید و برخلاف واقع فتوا می‌دهد که در این صورت، اگر به معنای واقعی و با شرایط لازم و کافی اجتهاد کرده باشد، معذور و در عین حال مأجور خواهد بود. همان طور که گاه فقیهان یک مذهب با هم اختلاف دارند، علمای مذاهب مختلف نیز ممکن است با هم اختلاف نظر داشته باشند. در هر حال، نباید به دلیل این نوع اختلافات، برخی را که در مقام اجتهاد به خطا رفته‌اند، مستحق دشنام دانست. مجتهدان نظریه تخطئه را پذیرفته‌اند و همواره خطای اجتهاد خود و صحت فتاوی دیگران را احتمال می‌دهند. به همین دلیل است که مجتهدان و دیگر افرادی که اجتهاد را اصلی مرقی می‌دانند، هرگز در برابر آرای دیگران حساسیت نشان نمی‌دهند و به دیدگاههای آنان با دید احترام می‌نگرند.

ص: ۸۱

۱- نک: احمد بن حنبل، مسند حنبل، بیروت، دار صادر، ج ۵، ص ۲۴۲؛ محمد بن احمد منهایجی اسیوطی، جواهر العقود، دار الکتب العلمی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۸۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸.

هرچند مسلمانان به لحاظ زبان، نژاد، رنگ، جغرافیا، سنن و آداب فردی و اجتماعی تفاوت‌هایی فراوان دارند، اما جای خوش بختی است که همه در زبان عربی که زبان قرآن است، وحدت و اشتراک دارند؛ چرا که تمامی مسلمانان آن را به عنوان زبان دین می‌شناسند و به آن عشق می‌ورزند و نماز، ادعیه و قرآن را به این زبان می‌خوانند. این بدان دلیل است که عربی زبان وحی است و خداوند آخرین کتابش را به این زبان فرو فرستاده است. بنابراین، زبان عربی زبانی است که می‌تواند مسلمانان را به یکدیگر پیوند دهد و نقشی مهم در وحدت و همگرایی میان آنان ایفا کند؛ چرا که از دیرباز گفته اند: توافق و همگرایی بدون زبان مشترک، امری ناکام و بی‌حاصل است. (۱)

رشید رضا در اشاره به نقش وحدت آفرین زبان می‌گوید: «بدیهی است که وحدت امت جز با وحدت زبان کامل نمی‌گردد و هیچ زبانی که بتواند مسلمانان را گرد آورد و به یکدیگر ربط دهد، وجود ندارد، مگر زبان دینی که آنان را به لطف حق «برادر» خوانده است. از این رو، زبان عربی تنها به ملت عرب اختصاص ندارد». (۲)

۸. وحدت عمل در احکام

همان‌طور که تمامی مسلمانان در اصول دین، یعنی توحید، نبوت و معاد، اتفاق نظر دارند، در فروع عملی و زمان انجام دادن آنها نیز رویه واحدی دارند. در میان مسلمانان نمی‌توان فرد و یا مذهبی از میان مذاهب اسلامی

ص: ۸۲

۱- نک: ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ص ۹۰.

۲- محمد رشید رضا، المنار، بیروت، دار المعرفی، چاپ دوم، بی تا، ج ۱، ص ۲۹.

یافت که یکی از فروع عملی اسلام مانند نماز، روزه، حج، جهاد و زکات را انکار کند و یا نظری مخالف در زمان و نوبت اجرای آن داشته باشد. اگر هم اختلافی هست، نه در اصل وجوب آن، که در شرایط و آداب و چگونگی اجرای آن است. روشنی این مسئله تا آنجاست که اگر مسلمانی یکی از ضروریات شریعت اسلام را انکار کند، مرتد تلقی می شود و با این انکار، پیوندش با دیگر مسلمانان گسسته خواهد شد.

۹. جمع گرایی در عبادات

از آن رو که شریعت اسلام سخت به جمع گرایی توجه دارد، بسیاری از عبادات را به گونه ای تشریح کرده است که هر نیایشگری ابتدا خود را در جمع ببیند و سپس از زبان جمع نیایش کند؛ چرا که این رویه به محبت دوسویه می انجامد و محبت از عناصری است که پایه های وحدت و همگرایی را تحکیم می بخشد. از این رو، هر مسلمانی وظیفه دارد در نمازش با آنکه عملی فردی است، با عباراتی همچون «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، «اهْدِنَا» و «السلام علينا و على عباد الله الصالحين» از زبان جمع سخن بگوید. همچنین به مسلمانان توصیه شده است نمازهای یومیۀ خود را با جماعت بخوانند (۱) و در نماز جمعه نیز شرکت کنند؛ (۲) چرا که صفوف به هم فشرده مسلمانان در نمازهای جمعه و جماعت نماد عینی و جلوه ای عملی از همگرایی در جوامع اسلامی است. در جمعه و جماعت است که طبقات جامعه در کنار یکدیگر قرار می گیرند و در اعمالشان از امامی واحد پیروی می کنند و همه رو به یک قبله و در برابر خدای واحد، پیشانی بر خاک می ساینند.

ص: ۸۳

۱- نک: بقره (۲)، آیه ۴۳.

۲- نک: جمعه (۶۲)، آیه ۹.

در دعا و مناجات نیز که انسان با خدای خود خلوت می کند، مسلمانان دستور دارند که پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا کنند؛^(۱) چنان که سفارش شده تا سحرخیزان بیدار دل در قنوت نماز وترشان برای دیگر برادران ایمانی دعا نمایند. ناگفته روشن است که این دستورالعملها همگی حاکی از اهتمام اسلام به حاکمیت روح وحدت و همگرایی و یگانگی امت است.

۱۰. دشمن مشترک

تاریخ اسلام سراسر حکایت از آن دارد که دشمنان اسلام همواره سر ستیز با این آیین رهایی بخش داشته اند. دشمنی یهود، جنگهای صلیبی، اشغال فلسطین و تهاجم اخیر قدرتهای بزرگ به دو کشور اسلامی عراق و افغانستان، دلیلی روشن بر این واقعیت تلخ است. تجربه نشان داده است که هر گاه مسلمانان در برابر دشمن، همدل و هم صدا شده، چونان انگلستان یک دست در هم فشرده شوند، می توانند در برابر تهدید دشمن بایستند و از فرهنگ دینی خود دفاع کنند؛ زیرا تنها در سایه وحدت و همگرایی است که می توان دست آوردهای اسلامی را پاس داشت و از مرز و بوم کشورهای اسلامی دفاع کرد.

قرآن کریم در ضرورت اتحاد جامعه ایمانی در مقابل دشمن می گوید: آن سان که مشرکان در مقابل شما صف آرایی کرده و یک دست شده اند، شما نیز به هم پیوندید و چونان مثنی واحد بر سر آنان فرود آیید: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً».^(۲)

امام علی (علیه السلام) در اشاره به ضرورت وحدت در جامعه اسلامی و پرهیز از

ص: ۸۴

۱- نک: شیخ صدوق، الخصال، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۵۳۸.

۲- توبه (۹)، آیه ۳۶.

تفرقه و پراکندگی، اتحاد دشمن را تهدیدی برای اسلام و مسلمانان معرفی می کند و لذا از خدا می خواهد تا جمع دشمن را بپراکند و اتحادشان را به تفرقه کشاند: «اللَّهُمَّ فَإِنْ رَدَّوْا الْحَقَّ فَافْضُضْ جَمَاعَتَهُمْ وَ شَتِّتْ كَلِمَتَهُمْ»؛ بارخدا یا، اگر این قوم پذیرای حق نشوند، جماعتشان را بپراکن و شعارشان را گونه گونه ساز. (۱)

۱۱. اخوت ایمانی

جامعه بشری از پیوندهایی متنوع برخوردار است که در این میان، پیوند برادری و اخوت ایمانی از استوارترین آنها محسوب می گردد، تا آنجا که قرآن کریم اخوت ایمانی را سرآمد همه پیوندها و مایه حیات جامعه اسلامی دانسته است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲)

این آیه گویای آن است که مؤمنان، پیش از آنکه در زندگی اجتماعی خود از پیوندهای قومی، قبیله ای، شهروندی و ملی برخوردار باشند، از رابطه ای ویژه و پیوندی عمیق به نام «اخوت ایمانی» برخوردارند که بر پایه ایمان استوار شده و بر هر پیوند دیگری مقدم است.

این پیوند که از ایمان سرچشمه می گیرد، در آموزه های اسلامی نمودی ویژه یافته است؛ چرا که این پیوند، مانند دوستی، رفاقت و دیگر تعاملهای اجتماعی نیست که از رابطه ای اعتباری و مجازی برخوردار باشد، (۳) بلکه از رابطه ای عمیق و معنوی برخوردار است. دلیل بر این مطلب، سخن امام رضا (علیه السلام) است که اخوت ایمانی را ثمره نور و رحمت دانسته است: «المؤمن أخو المؤمن لأبيه و أمه، أبوه النور و أمه الرحمه»؛ مؤمنان هم از سوی پدر و

ص: ۸۵

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۱۲۴، ص ۳۸۳.

۲- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۳- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۶.

هم از سوی مادر، برادرند؛ پدرشان نور و مادرشان رحمت است. (۱)

نیک روشن است که تا وقتی این پدر و مادر در کانون خانواده بزرگ اسلامی نور افشانند و رحمت خویش را بی دریغ در فضای این کانون بگسترانند، وحدت و همگرایی در جامعه اسلامی تداوم می یابد. درست به همین دلیل است که قرآن کریم تمامی مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی کرده (۲) و دستور داده تا اگر میان آنان اختلافی رخ دهد، به اصلاح میان آنان پردازند. (۳)

گزیده سخن آنکه هرچند مسلمانان به لحاظ نژاد، زبان، فرهنگ و منطقه جغرافیایی، از تنوع برخوردارند، اما در عین تنوعها و تفاوتها، وارث فرهنگی همسان و مشترک اند؛ چرا که در بسیاری از مسائل اعتقادی و فروع عملی اشتراک دارند. بدیهی است که این وحدت و اشتراک فرهنگی، در طرز تفکر، آداب، سنن و روابط اجتماعی و خانوادگی آنان نمودار است و نقشی مؤثر در ایجاد وحدت و حفظ آن در جامعه اسلامی دارد.

(ب) راهکارهای وحدت آفرین (بایدها)

۱. جهت دهی به شعائر اسلامی

از آن رو که شعارها اغلب با نوعی حماسه همراه است و تبیین و عملی ساختن آن، احساسات دیگران را تحریک می کند، بر فرقه های اسلامی بایسته است تا آنجا که شرایط و موقعیت زمان اجازه می دهد، شعارهای

ص: ۸۶

۱- شیخ مفید، المسائل العکبری، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۴.

۲- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۳- حجرات (۴۹)، آیه ۹.

مذهبی خود را تعدیل کنند و آنها را به گونه ای طرح و عملی سازند که به تحریک دیگر فرقه اسلامی نینجامد. به جای آنکه مسلمانان، در داخل حوزه خودی، آن شعارها را در مقابل دیگر گروهها سر دهند و به رخ دیگران بکشند، می باید در جهت تقویت شعارهایی مشترک مانند شعار «الله أكبر» و «لا إله إلا الله» تلاشی جدی مبذول دارند، چرا که دامن زدن افراطی به شعارها و شعائر فرقه ای در برابر دیگر مسلمانان، جز کینه و خون ریزی و صف آرای فرقه اسلامی در برابر یکدیگر، چیزی به همراه ندارد.

بنابراین، به جای اینکه مسلمانان شعارهای خود را در برابر دیگر فرقه های اسلامی مطرح کنند و به اقامه شعائر خود پردازند، باید آن را با همان محتوای مشترک، در برابر بیگانگان سر دهند و شعائر اسلامی را با انگیزه الهی برپا دارند. (۱)

۲. همدلی در جوامع اسلامی

از کنار هم بودن بدنها چه سود، آن گاه که دلها از هم دور باشند، و از فاصله جسمها چه غم، آن گاه که میان دلها پیوندی عمیق برقرار باشد. شریعت اسلام آمد تا به رغم تفاوت زبانها و نژادها و تنوع رنگها و ملیتها، میان مسلمانان الفت برقرار کند و دلهای آنان را به یکدیگر مهربان و نزدیک سازد و به این وسیله، وحدتی فراگیر در جوامع اسلامی پدید آورد. امام علی در ضرورت همدلی میان مسلمانان که وحدتی پایدار در پی دارد، فرمود: «إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرِي عِدَدِكُمْ مَعَ قَلِي اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ»؛ به یقین، فراوانی تعداد شما سودی ندارد، آن گاه که همدلی شما اندک باشد. (۲)

ص: ۸۷

۱- نک: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، ص ۲۴۲.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۱۸، ص ۳۶۹.

حتی اگر تأکیدات فراوان اسلام بر همگرایی در جامعه اسلامی را در نظر نگیریم، جای بسی شگفتی است که مسلمانان به دور از هرگونه واکنش منفی، با دیگر اقوام غیر مسلمان رابطه دارند و به خوبی زندگی می کنند،

ولی نسبت به هم کیشان خود حساسیت نشان می دهند و به یکدیگر توهین می کنند! شرم آورتر آنکه گاهی این حساسیتها به درگیریهای خونین می انجامد!

۳. شناخت متقابل

آن گاه که سخن از وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی است، شناخت درست مکتب اسلام و آشنایی با اعتقادات دیگر فرقی اسلامی امری ضروری است؛ چرا که دین منهای علم و آگاهی، چیزی جز تفرقه و پراکندگی در دامن خود نمی پروراند، همان طور که هم زیستی فرقی اسلامی بدون شناخت یکدیگر، چیزی جز کینه و دشمنی در پی ندارد. سخن امام علی (علیه السلام) دلیلی روشن بر این مطلب است که فرمود: «الناس أعداء ما جهلوا»؛ مردم با آنچه که نمی دانند دشمنی می کنند. (۱)

بنابراین، اگر برادران اهل سنت، شیعیان و باورهایشان را به خوبی بشناسند و تمایز میان آنان و فرقه غلات را بدانند، درخواهند یافت که نه خدای آنان علی (علیه السلام) است، نه قرآنشان مصحف فاطمه (علیها السلام) است و نه قبله آنان کربلا و نجف؛ همچنان که اگر شیعیان نیز برادران اهل سنت را به خوبی بشناسند و تفاوت میان آنان و ناصیها را بدانند، خواهند فهمید که اهل سنت نیز اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را قبول دارند و به آنان احترام ویژه می گذارند. بی جهت نیست که از دیرباز گفته اند: «المسلمون إذا تعارفوا تآلفوا».

ص: ۸۸

وحدت و همدلی به معنای کنار گذاشتن تبادل افکار و اندیشه ها و پرهیز از اطلاع رسانی درست نیست، بلکه به معنای پرهیز از رفتارهای ناشی از تعصبات نژادی، قومی و قبیله ای و گشودن فضایی مناسب برای گفتمان درست است. بی گمان اگر این طرح، جدی گرفته شود و درباره مسائل مورد اختلاف، به دور از هرگونه تعصبی گفت و گوی عالمانه صورت گیرد، اختلافات به حداقل می رسد و بسیاری از بدبینیها به خوش بینی تبدیل می شود و پراکنندگیهای دردآور جای خود را به همسویی مسرت بخش می دهد. چه زیباست که اندیشمندان فرّ ق اسلامی رفتار خردمندانه دو عالم فرزانه شیخ سلیم بشری و سیدعبدالحسین شرف الدین را الگوی خویش قرار دهند که نتیجه گفت و گوی عالمانه و دوستانه آنها کتاب گران سنگ المراجعات شد؛ کتابی که حاوی دیدگاههای مشترک دو مذهب تشیع و تسنن است.

نکته شایان توجه آنکه هرچند این طرح، طرحی مثبت و مؤثر است، اصول و آدابی ویژه خود دارد که لازم است در هنگام گفت و گو مورد توجه دو طرف قرار گیرد. یکی از این آداب، رعایت شیوه درست گفتمان است. قرآن کریم درباره روش گفت و گو با صاحبان دیگر ادیان می فرماید: «جَادِلْهُمْ بِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ با آنان به شیوه ای که نیکوتر است، مناظره و استدلال کن. (۱)

همان طور که از این آیه برمی آید، به رغم آنکه حقانیت پیامبر و ناحق بودن طرف گفت و گویش آشکار است، پیامبر دستور یافته است تا به هیچ روی پا از جاده مجادله نیکو بیرون نهد و همواره به مجادله احسن پردازد.

ص: ۸۹

قرآن در جای دیگر، درباره ضرورت به کارگیری این شیوه در گفت و گو با اهل کتاب، هم به مجادله احسن دستور داده و هم آن را تفسیر کرده است:

«وَلَمَّا تَخَذُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَسَأَلُوهُمْ قَوْلَ آلِ الْكَافِرِينَ يَقُولُ مَا قَالُوا وَإِنَّا لَنَكُونُ لَهُمْ عَدُوًّا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ لِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» ؛ جز با شیوه ای که بهتر است، با اهل کتاب مجادله نکنید... و بگویید: به آنچه بر ما و بر شما نازل شده است، ایمان آوردیم، و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم. (۱)

همان طور که از این آیه استفاده می شود، گفت و شنود نیکو آن است که دو طرف گفت و گو بر نقاط مشترک تأکید ورزند و باورهای درست طرف مقابل را بپذیرند و سپس به گفت و گو در دیگر زمینه ها بپردازند.

یکی دیگر از اصول و آداب گفت و گو، داشتن اطلاعات کافی در خصوص موضوع مورد گفت و گو است. گفت و گوکننده نباید وارد مقوله ای شود که از آن آگاهی لازم را ندارد؛ زیرا تجربه نشان داده است که گفت و گوی فاقد مبنای علمی نه تنها هیچ کمکی به اتحاد نمی کند، که زمینه ساز اختلاف و پراکندگی است. این را از قرآن کریم بیاموزیم که در ضرورت پرهیز از گفت و گوی بدون علم و آگاهی فرمود: «فَلِمَ تَحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» ؛ چرا درباره آنچه نمی دانید، گفت و گو می کنید؟ (۲)

عینی بودن موضوع گفت و گو، هدفمند بودن گفت و گو، حسن برخورد و رعایت اخلاق اسلامی، اعتقاد به آزادی اندیشه، برخورداری از سعه صدر در شنیدن آرای مخالف، انعطاف پذیری و پذیرش دیدگاه حق، پرهیز از هرگونه تعصبات نژادی، قومی و جغرافیایی، طرح مسائل در فضایی سالم، پرهیز از برخوردهای احساسی، آشنایی با مبنای دیدگاه طرف مقابل و درک

ص: ۹۰

۱- عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۶.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۶۶.

مقاصد او، وجود مجال کافی برای هر یک از طرفهای گفت و گو به منظور تبیین دیدگاه خود و مانند آن از جمله اصول و آداب گفت و گوست.

۵. تسامح در چندگرایی

این واقعیت را نباید انکار کرد که حیات بشر در تمام شئونش با نوعی تکثر در اندیشه و تنوع در عقیده رقم خورده است و این تفاوتها و تمایزها چونان سیرت و صورت افراد، اجتناب ناپذیرند؛ چرا که هیچ دو انسانی را نمی توان یافت که در تمام باورها، اراده ها و عواطف، هم عقیده و هم فکر باشند. همین تفاوتهاست که سرمنشأ بسیاری از اختلافات عقیدتی و احساسی است. از این رو، باید در ساحت حیات اجتماعی بشر، تنوع و تکثر را پذیرفت و با قومیتها و دیدگاههای مختلف کنار آمد. شهید مطهری در اشاره به این واقعیت اجتناب ناپذیر، خود انسان را عاملی برای اختلاف می داند و در پاسخ به چرایی این حقیقت می گوید: «هر کسی به حکم غریزه و طبیعتی که دارد، به دنبال منافع شخصی و دور کردن زیانها از خود است و این خود، عاملی برای تصادم و اختلاف میان انسانهاست».(۱)

جالب این است که قرآن کریم از وجود این تنوع و تکثر خبر داده و آن را در جوامع بشری امری طبیعی معرفی کرده است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا».(۲) قرآن حتی آن را مستند به خواست خدا دانسته، می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَمَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»؛ اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را در حالی که با هم اختلاف دارند، امتی واحد قرار می داد.(۳)

ص: ۹۱

۱- نک: مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۷۱.

۲- حجرات (۹)، آیه ۱۳.

۳- هود (۱۱)، آیه ۱۱۸.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره که وجود اختلاف در جامعه امری طبیعی است، می فرماید:

إن الله قضی الفرقی و الاختلاف علی هذه الأمة، و لو شاء لجمعهم علی الهدی حتی لا یختلف اثنان من خلقه و لا یتنازع فی شیء من أمره و لا یجحد المفضول ذا الفضل فضله؛ خداوند گروه گرایی و پراکندگی را بر این امت روا دانسته است. او اگر می خواست، همه را طوری بر شاهراه هدایت گرد می آورد که حتی دو نفر از بندگانش با یکدیگر اختلاف نکنند و در هیچ امری به تنازع نپردازند و فرد دون مایه فضایل بالادست خویش را انکار نکند. (۱)

امام علی (علیه السلام) نیز در یکی از حکمت‌های خود به وجود اختلاف در جامعه اسلامی اشاره کرده است.

یکی از یهودیان به آن حضرت گفت: «هنوز پیامبرتان را دفن نکرده بودید که در او اختلاف کردید». آن حضرت در پاسخ او فرمود: «ما درباره آنچه از او رسیده است، اختلاف کردیم، نه در خصوص شخص او». (۲)

آنچه در این سخن جلب توجه می کند، این است که علی (علیه السلام) ضمن پذیرش وجود اختلاف در جامعه، محل اختلاف را به درستی نشان داد. آن حضرت با رد برداشت نادرست بیگانگان، هم به جامعه اسلامی کرامت بخشید و هم بر ضرورت تحمل عقاید و اندیشه های مختلف در جامعه تأکید کرد و از همه مهم تر آن که امام این واقعیت را هویدا ساخت که اختلاف مسلمانان درباره شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آیین او نیست، بلکه درباره روایات رسیده از اوست.

ص: ۹۲

۱- سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمدباقر انصاری، قم، الهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۵۵.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، حکمت ۳۰۹، ص ۱۲۳۶.

هر جا اختلاف باشد، نقد نیز خواهد بود. بنابراین، توصیه به اتحاد به این معنا نیست که هیچ نقد و انتقادی نباشد، بلکه به این معناست که اگر نقد و انتقادی در میان است، لازم است دور از هرگونه توهین و تمسخر باشد؛ زیرا همان طور که انتقاد سازنده سودمند است، به همان اندازه انتقاد توأم با توهین زیانبار است. این را از قرآن بیاموزیم که از هر نوع بددهنی نهی کرده است: «وَلَا تَسْتَبْهُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَبْهُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» ؛ به آنان که جز خدا را می خوانند، ناسزا نگویند که آنان از روی دشمنی و نادانی، خدا را ناسزا خواهند گفت. (۱)

بنابراین، با استناد به این آیه و دیگر آموزه های اسلامی باید به باورها و دیدگاه دیگران احترام گذاشت و از هرگونه اظهار نظری که توهین به باورهای طرف مقابل تلقی شود و یا به تحقیر دیگران بینجامد، باید اجتناب ورزید. قرآن در این باره که چگونه باید با مخالفان مناظره کرد، به پیامبر اکرم آموخته است تا با حفظ احترام به عقاید و افکار طرف گفت و گو و پرهیز از هرگونه توهین به او، این چنین سخن بگوید: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)» «قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ» ؛ در حقیقت، ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم. بگو از آنچه ما مرتکب شده ایم، شما بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آنچه شما انجام می دهید، بازخواست نخواهیم شد. (۲)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با آنکه در شاهره هدایت بود و هرگز گردِ جرم و گناه بر دامنش ننشسته بود، هدایت و پاکدامنی خویش را به رخ مشرکان نکشید

ص: ۹۳

۱- انعام (۶)، آیه ۱۰۸.

۲- سبأ (۳۴)، آیات ۲۴ و ۲۵.

و آنان را گمراه و مجرم نخواند، بلکه به دور از هرگونه توهین به آنان و بدون متهم کردن آنها به بی دینی، به گفت و گو با آنان پرداخت.

امام علی (علیه السلام) که در مکتب متعالی قرآن پرورش یافته است، حتی آن گاه که درباره دشمنی سفاک مانند معاویه سخن می گوید، به گونه ای رفتار می کند که حتی ممکن است برخی بپندارند شاید دشمن آن حضرت بر حق باشد. علی (علیه السلام) در جریان انتخاب حکم، به حکمین فرمود: «انظروا فإن کان معاویة أحقّ بها أثبتاه و إن کنتُ أولى بها فأثبتانی»؛ بنگرید که اگر معاویه را برای حکومت سزاوارتر یافتید، حکومت را به وی وانهدید و اگر تشخیص دادید که من شایسته ترم، مرا در این امر تثبیت نمایید. (۱)

۷. عفو و مدارا

گرچه به تناسب شرایط زمان، گاه باید بر دشمن بیگانه سخت گرفت (۲) و بر او ضرباتی کاری وارد آورد، (۳) اما اگر در میان مسلمانان اختلافی رخ دهد، نباید با مخالفان خشونت ورزید، بلکه باید به جای طرد این مخالفان، بدیهای آنان را دور ساخت؛ چرا که حوزه اسلام، کانونی است که بر مدار مهر و دوستی می چرخد و در آسمان این دین، صلاهی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۴) و «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (۵) طنین انداز است.

قرآن شیوه برخورد با مخالفان را به همگان می آموزد: «لَمَّا تَسِيْتَوِي الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را

ص: ۹۴

۱- احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، بیروت، دار النعمان، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- نک: فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۳- نک: انفال (۸)، آیه ۱۲.

۴- نک: فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۵- «با آنان طریقه عفو و بخشش در پیش گیر و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان روی بگردان»، اعراف (۷)، آیه ۱۹۹.

با نیکی دفع کن. (۱) سپس این دستور را برهانی کرده، می فرماید: با این روش، کینه و دشمنی مخالفان به دوستی تبدیل می شود و آنان دوستانی صمیمی خواهند گردید: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»؛ ناگاه همان که بین شما و او دشمنی است، گویی دوستی صمیمی خواهد شد. (۲)

سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز همین طور بوده است؛ چنان که وقتی قریشیان با هدف برانداختن نخستین حکومت اسلامی، به سوی مدینه لشکرکشی کردند، پیامبر با تمام قدرت مقاومت کرد که جنگهای احد و خندق گواه این مطلب است؛ اما آن گاه که در فتح مکه، مقاومت مکیان را در هم شکست و زمینه اصلاح آنان را فراهم دید، غیر از چند نفر که قابل اصلاح و لایق رأفت آن حضرت نبودند، تمام مکیان را بخشید (۳) و شعار انتقام جویانه «الیوم یوم الملحمی» (امروز روز انتقام است) را به شعار محبت آمیز «الیوم یوم المرحمی» (امروز روز گذشت است) مبدل ساخت (۴) و چونان یوسف پیامبر فرمود: «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ»؛ امروز خجل و متأثر نباشید. (۵)

حاصل رأفت پیامبر آن شد که مکیان فوج فوج به اسلام گرویدند و به گفته امام صادق (علیه السلام)، قریشیان چونان مردگان که در قیامت به یک باره از آرامگاههای خود بیرون می شوند و در یک جا گرد می آیند، از بی دینی دست کشیدند و به آیین اسلام درآمدند: «فخرج القوم كأنما أنشروا من القبور و دخلوا فی الإسلام». (۶)

ص: ۹۵

۱- فصلت (۴۱)، آیه ۳۴.

۲- فصلت (۴۱)، آیه ۳۴.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۱.

۴- ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۸۴؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، بیروت، دار الکتب العلمی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۲۲۱.

۵- یوسف (۱۴)، آیه ۹۲.

۶- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۲.

شیطان دشمنی آشکار برای انسان است. از این رو، قرآن کریم آدمی را از پیروی او برحذر داشته، می فرماید: «لَمَّا تَبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (۱). این بدان دلیل است که پیروی از او به دشمنی و پراکندگی میان مؤمنان می انجامد: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (۲). از این رو، هر قدر انسان شیطان را از خود دور کند، به همان اندازه به دیگر برادران ایمانی نزدیک می شود و هر قدر از خواسته های شیطانی دل بکند، به همان اندازه به جامعه ایمانی دل می بندد.

از برخی آیات قرآن چنین برمی آید که تقوای پیشگی عاملی مؤثر برای ایجاد وحدت و همگرایی است و از پراکندگی و واگرایی باز می دارد: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»؛ این امت شماست که امتی یگانه است و من یگانه پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا کنید. (۳)

همچنین امام علی (علیه السلام) پیراستگی درونی فرشتگان را سبب مبرّ بودن آنان از اختلاف و پراکندگی شمرده است: «فرشتگان به دلیل عدم استیلای شیطان بر آنان، درباره پروردگارشان اختلافی نمی کنند و به سبب عدم برخوردهای نادرست، راه جدایی در پیش نمی گیرند. کینه و حسد بر آنان چیره نگشته و انواع شک و تردید آنان را از هم جدا نمی سازد و تصمیم گیریهای پنهان آنها را به تفرقه وانی نمی دارد» (۴).

۰۹. عبرت از تاریخ

تاریخ بشر حاکی از این سنت الهی است که هرگاه قومی، یکدل و یک زبان

ص: ۹۶

۱- بقره (۲)، آیه ۲۰۸.

۲- مائده (۵)، آیه ۹۱.

۳- مؤمنون (۲۳)، آیه ۵۲.

۴- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۹۰، ص ۲۵۰.

گردند، سیادت می یابند، همان طور که اگر گرفتار تفرقه و پراکندگی شوند، ناگزیر از پذیرش ذلت و خواری خواهند گشت. امام علی که بیش از هر کسی از پراکندگی مسلمانان رنج برده و زیانهای دردآور آن را تحمل کرده است، در خصوص ضرورت عبرت گیری از تاریخ بشر می گوید:

از بلاها و عقوبتهایی که بر امتهای پیشین به کیفر کارهای ناپسندشان فرود آمد، پرهیزید و حالات آنان را در خوبیها و بدیهایشان به یاد آورید و از اینکه به سرنوشت آنان دچار شوید، بترسید. آن گاه که در دو حالت متفاوت آنان اندیشیدید، عهده دار آن حالتی شوید که عاملی برای تأمین عزت آنان بود، دشمنانشان را دور ساخت، عافیت و نعمت را برای آنان به ارمغان آورد و رشته کرامت را به آنان ارزانی داشت. این حالت، همان بود که از تفرقه و جدایی پرهیز کردند، بر وحدت و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به همگرایی توصیه نمودند. و از آن حالتی که ستون فقرات آنان را شکست و قدرتشان را تباہ ساخت، پروا کنید. این حالت، کینه ورزی، دشمنی متقابل، پشت کردن به یکدیگر و به یاری هم نشتافتن بود. (۱)

آن حضرت همچنین در تحلیلی جامع از اوضاع جامعه عصر خود می فرماید:

بر کارگزاران من و خزانه داران بیت المال مسلمانان که در اختیار من بود و بر مردم شهری که در فرمان برداری و بیعت با من یکدست بودند، رخنه کردند و آنان را که وحدت کلمه داشتند، پراکنده ساختند و همبستگی آنان را در اطاعت از من به تباهی کشیدند و بر شیعیان من تاختند و گروهی از آنان را با نیرنگ کشتند. (۲)

بنابراین، عبرت گیری از تاریخ پیشینیان عاملی مؤثر در ایجاد همگرایی میان مسلمانان است؛ چرا که اگر مسلمانان از ضرورت همگرایی غفلت

ص: ۹۷

۱- همان، خطبه ۲۳۴، ص ۸۰۱.

۲- همان، خطبه ۲۰۸، ص ۶۹۰.

ورزند و گوهر وحدت را از دست دهند، همان وضعیت شومی که گذشتگان را به تباهی کشید و دل امام علی (علیه السلام) را به درد آورد، زندگی آنان را نیز تهدید خواهد کرد.

۱۰. ادب معاشرت

دوستی و محبت از مؤلفه های وحدت و همگرایی در جامعه ایمانی است. بدیهی است هر چیزی که به تعمیق محبت و تحکیم پیوند برادری کمک کند، در حقیقت، به استواری وحدت و همگرایی در جامعه خودی کمک کرده است. رعایت ادب معاشرت از جمله عواملی است که به تحکیم محبت می انجامد و ادامه ارتباط با دیگران را ممکن می سازد؛ چنان که فرموده اند: «بحسن العشری تدوم الوصلی»^(۱).

امام علی (علیه السلام) در سخنی کوتاه، رضایتمندی انسان از دیگران و جامعه را عاملی مؤثر در همدلی و همگرایی معرفی کرده است: «إنما یجمع الناس الرضا»^(۲) ناگفته روشن است که رعایت ادب معاشرت رضایتمندی مردم را از یکدیگر فراهم می آورد.

اسلام برای تحکیم وحدت در جامعه، به هر کاری که همگرایی اجتماعی را استوار سازد و مودت دو سویه را افزایش دهد، سفارش کرده است. خوش رویی،^(۳) خوش گمانی،^(۴) حرمت گذاری،^(۵) دگردوستی،^(۶) حفظ

ص: ۹۸

-
- ۱- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۲۲۰.
 - ۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۹۲، ص ۶۵۰.
 - ۳- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، بیروت، دار التعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۳؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۴.
 - ۴- نک: علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۳۵.
 - ۵- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۶.
 - ۶- نک: قطب الدین راوندی، کتاب النوادر، ص ۱۱۱.

حقوق، (۱) سلام کردن، (۲) دست دادن (۳) و مانند آن از جمله این کارهاست.

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

برخلاف تصور برخی که ممکن است گمان کنند فریضه امر به معروف و نهی از منکر به تشمت و تفرقه می انجامد، قرآن کریم این فریضه را عامل وحدت معرفی کرده است. از این رو، در آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره آل عمران، ابتدا به همگرایی و یگانگی توصیه کرده و سپس از همه خواسته است تا برای حفظ همگرایی، یکدیگر را به معروفها فراخوانند و از منکرها باز دارند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ باید از شما امتی شکل بگیرد که به خوبیها فراخوانند و به معروفها امر و از منکرها نهی نماید. (۴) قرآن سپس به مسلمانان هشدار داده است تا مانند دیگر ملتها که در دینشان دچار چنددستگی شدند، پراکنده نشوند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»؛ مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه های روشن به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند. (۵)

ترتیب آیات یادشده حاکی از آن است که انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در برقراری اتحاد و پیش گیری از تفرقه، نقش مؤثری دارد. از این رو، برخی مفسران در اشاره به فلسفه نظم و ترتیب این آیات و تبیین رابطه امر به معروف با مسئله همگرایی، اتحاد و یگانگی را همانند جان می دانند که اعضای پراکنده جامعه اسلامی را به امتی واحد تبدیل می کند و

ص: ۹۹

۱- نک: نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۳۱، ص ۹۳۳.

۲- نک: حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶۲.

۳- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۴.

۴- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۵.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر را عاملی نقش آفرین می دانند که این یگانگی را حفظ می کند و به رشد و استواری وحدت می افزاید. (۱)

برخی مفسران نیز ترتیب آیات یادشده را رابطه علت و معلولی یافته و گفته اند که ذکر آیات امر به معروف و نهی از منکر پس از آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (۲) در حقیقت، به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است؛ زیرا اگر این فریضه در میان نباشد، عوامل مختلفی که وحدت و یگانگی را تهدید می کنند، همچون موریانه از درون، ریشه اجتماع و همگرایی را می خورند و آن را متلاشی می سازند. (۳)

۱۲. اصلاح و آشتی

با آنکه اسلام همه مسلمانان را به وحدت توصیه کرده است و اصول مشترک و عوامل وحدت آفرین نیز در میان مسلمانان وجود دارد، تا حدودی وجود اختلاف در جامعه امری طبیعی است. با این حال، قرآن برای پیش گیری از حاد شدن آن، راهکارهایی کارآمد ارائه کرده است که اصلاح و برقرار ساختن آشتی میان دو طرف نزاع از آن جمله است؛ چرا که صلح و آشتی کدورتها را می زداید، دشمنیها را دور می کند و دوستی و محبت را به ارمغان می آورد.

گفتنی است، صلح و آشتی امری بایسته است که هم ضرورت چاره اندیشی در حل اختلافات میان دیگران را در بر می گیرد و هم آشتی کردن با دیگر برادران ایمانی را؛ از این رو، این موضوع را به تفکیک، در دو فصل پی می گیریم.

ص: ۱۰۰

۱- نک: محمد رشید رضا، المنار، ج ۳، ص ۴۸.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

۳- نک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش، ج ۳، ص ۳۵.

تأکید قرآن کریم بر ایجاد صلح و آشتی تا آنجاست که می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحِدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ»؛ هرگاه دو گروه از مؤمنان به جنگ پردازند، آنان را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری طغیان کرد، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد. (۱)

قرآن در بیان چرایی این مطلب، اهل ایمان را در جامعه توحیدی، برادر معرفی کرده و تنازع و پراکندگی را در این جامعه امری ناشایست شمرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ به راستی، مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ پس برادران خویش را با هم سازش دهید. (۲)

امام صادق (علیه السلام) در تشویق به سازش دادن برادران ایمانی می فرماید: «صدقی يحبها الله إصلاح بين الناس إذا تفسدوا و تقارب بينهم إذا تباعدوا»؛ صدقه ای که خداوند دوست دارد، صلح و آشتی دادن مردم است، پس از آنکه رابطه شان به تیرگی رفته است، و نزدیک ساختن آنان به یکدیگر است، آن گاه که از هم دور شده اند. (۳)

به طور کلی، قهر و جدایی در آموزه های اسلامی، امری زشت و منفور است. (۴) از این رو، قهرکنندگان که آشتی نمی کنند، دور از ایمان، (۵) محروم از بهشت (۶) و حتی سزاوار لعنت و نفرین معرفی شده اند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لا يفتقر رجلا ن على الهجران إلا استوجب أحدهما البرائی و اللعنه

ص: ۱۰۱

۱- حجرات (۴۹)، آیه ۹.

۲- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۰.

۵- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۶- نک: زکی الدین منذری، الترغیب و التهیب، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۴۹.

و ربّما استحقّ ذلك كلاهما؛ دو نفر از هم قهر نمی کنند و از هم دور نمی شوند، مگر آنکه یکی از آن دو سزاوار طرد و نفرین می گردد و چه بسا هر دو مستحقّ آن خواهند شد. (۱)

در پایان این بخش، یادآور می شود که راههای عملی فراوانی برای حسن همزیستی و استواری وحدت وجود دارد که دعای خیر در حق دیگران، (۲) برآوردن نیاز برادران ایمانی، (۳) شاد کردن همدیگر، (۴) مشورت و رایزنی، گشاده دستی و سخاوت، (۵) نامه نگاری به همدیگر (۶) و... از آن جمله است.

ص: ۱۰۲

-
- ۱- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴.
 - ۲- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۹.
 - ۳- نک: همان، ج ۱۱، ص ۵۷۶ - ۵۸۵ .
 - ۴- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸-۱۹۲.
 - ۵- نک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹۰ .
 - ۶- نک: همان، ج ۸، ص ۴۹۲-۴۹۷.

هرچند به استناد «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» وحدت و همگرایی در جامعه بزرگ اسلامی بر پایه ایمان استوار است، اما این خصیصه اجتماعی نیز مانند هر پدیده ای دیگر، آفتهایی پنهان و پیدا دارد که اگر این آفتهای شناسایی نشود و در دفع آنها اقدامی جدی و بهنگام صورت نگیرد، این همگرایی با خطر جدی روبه رو می شود و زیانهای جبران ناپذیر را به دنبال می آورد: امت اسلامی دچار تفرقه و پراکندگی می شود و مسلمانان به صورت گروههای ناسازگار و ستیزه جو در می آیند و به احزابی ناهماهنگ تبدیل می شوند و هر گروهی به آنچه دارد، خشنود می گردد: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (۱).

آسیبها و آفتهایی که همگرایی امت بزرگ اسلامی را تهدید می کنند، به دو گروه آسیبهای درونی و آسیبهای بیرونی تقسیم می شوند که به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرند:

ص: ۱۰۳

۱. انحراف عقیده

همان گونه که ایمان از ارکان وحدت و همگرایی به شمار می آید، بی ایمانی و انحراف عقیده نیز عاملی مؤثر در سست شدن این خصیصه اجتماعی است؛ زیرا بی ایمانی ظلمت است و ظلمت نه تنها عامل تفرقه و پراکندگی است، که به عداوت و دشمنی نیز می انجامد: «من کانت أخوته فی غیر ذات الله فهی عداوه»؛ برادری هر کس بر محوریت خدا نباشد، نوعی دشمنی است. (۱)

امام علی (علیه السلام) همگرایی فاقد ایمان را از سطحی ترین همگراییها معرفی کرده است که با اندک بهانه ای به تفرقه می گراید: «موّده أبناء الدنيا تزول لأدنی عارض»؛ دوستی دنیازدگان [بی ایمان] با کوچک ترین بهانه ای از میان می رود. (۲)

آن حضرت با بیان مصداقی روشن، انحراف معاویه و شامیان از جریان اسلام ناب را موجب دشمنی شمرده و در نامه ای به معاویه نوشته است:

فإنّا کنا نحن و أنتم علی ما ذکرتم من الألفه و الجماعه، ففرّق بیننا و بینکم أمسّ أنا آمنّا و کفرتم و الیوم أنا استقمنا و فُتّتم؛ آن سان که یادآور شده ای، ما و شما [پیش از اسلام] دوست و متحد بودیم؛ اما دیروز میان ما و شما بدان جهت جدایی افتاد که ما ایمان آوردیم و

شما کافر شدید و امروز نیز ما [در عقیده خود] استواریم و شما در تردید و پریشانی به سر می برید. (۳)

ص: ۱۰۴

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵.

۲- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۳۶.

۳- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، نامه ۶۴، ص ۱۰۵۴.

یکی از وجوه منفی و زیانبار در جوامع بشری وجود تعصبات افراطی و برداشتهای یک سونگرا نه از دین است. این نوع برداشتهاست که قساوتها، بی رحمیها، سخت گیریها، تندرویها و تنگ نظریها را به دنبال می آورد و زمینه تفرقه و چندگرایی را فراهم می سازد و بذر کینه و دشمنی را در جامعه می پراکند و آتش جنگ و خون ریزی را شعله ور می سازد. این طرز تفکر است که افراطیان را بر آن می دارد تا ناهم کیشان را بی دین، لامذهب و ناپاک بخوانند و آنان را از فلاح و سعادت محروم بشمارند و همه را ملزم سازند که مانند آنان بیندیشند و به سنن و عقاید آنان پای بند باشند. این افراطیان مخالفان خود را نادان یا منحرف می خوانند و آنان را تفسیق و تکفیر می کنند و در نهایت، آنان را مهدور الدم می دانند. دریغا که تاریخ اسلام گواه صدق این واقعتهای تلخ و خشونت بار است. تفسیق و تکفیر امام علی (علیه السلام) از سوی خشک اندیشان خوارج در جریان حکمیت، نخستین جلوه این پدیده شوم بود که در صدر اسلام به وقوع پیوست.

سوگمندان باید گفت که این پدیده شوم تاکنون استمرار یافته است. اندیشه های افراطی و تعصبات جاهلانۀ وهابیان خشک مغز که شیعیان و حتی برخی سنّیان غیر وهابی را کافر و منحرف می شمارند، نمونه ای از آن است. این در حالی است که قرآن می گوید: «تنها خداست که در قیامت میان شما حکم می کند»^(۱) و حتی به پیامبرش می فرماید: «تو نیامده ای که به انسانها زور بگویی»^(۲) و «تو کی می توانی مردم را با اجبار و اکراه مؤمن گردانی؟»^(۳). بنابراین، با التفات به این مطلب که این مسئله تنها در صلاحیت خداست،

ص: ۱۰۵

۱- نک: حج (۲۲)، آیه ۶۹.

۲- نک: ق (۵۰)، آیه ۴۵.

۳- نک: یونس (۱۰)، آیه ۹۹.

اگر کسی بخواهد طرفداران طرز تفکری را تفسیق و تکفیر کند، پا را از حد فراتر نهد و در قلمرو الهی وارد شده است که در این صورت، باید به ایمان او شک کرد.

به راستی که اگر این تکفیرها و تعصبات جاهلانه با تکیه بر مکتب وحدت آفرین اسلام و آموزه های حیات بخش آن صورت گیرد، نقض غرض است؛ چرا که با نگاهی گذرا به این مکتب و کارکردهای آن، خواهیم فهمید که شریعت اسلام نه این قبیل کارها را برمی تابد و نه آن را موافق با مرام خداآوری می داند. این مکتب نه برای کینه توزی و تفرقه، که برای افشاندن بذر محبت و نوع دوستی آمده است، و پیامبرش نیز نه برای خشونت و بی رحم ساختن افراد، که برای گسترش رحمت و ایجاد وحدت حول محور خداآوری به رسالت مبعوث شده است.

امروز که امت فهیم اسلام مفسد چنددستگی و نتایج مهلک پراکنندگی را می دانند، باید از بروز هرگونه تعصبات جاهلانه که از سوی برخی افراد ناآگاه صورت می گیرد، ممانعت ورزند و با عمل به آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (۱) از هرگونه تکفیر پرهیز کنند و برای کاهش اختلافات گرد هم آیند و با سعه صدر به حل مناقشات خود پردازند و در این باره خدا و رسولش را به داوری بپذیرند که قرآن فرمود: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» ؛ هرگاه در چیزی نزاع کردید، آن را به حکم خدا و پیامبرش بازگردانید. (۲)

۳. تَجَرُّرَايِي و مَطْلَقِ اِنْكَارِي

اغلب کسانی که از وحدت و یکدلی مسلمانان گریزان اند و همواره بر طبل

ص: ۱۰۶

۱- «به کسی که ابراز صلح و اسلام می کند، نگویید مؤمن نیستی»، نساء (۴)، آیه ۹۴.

۲- نساء (۴)، آیه ۵۹.

تفرقه می‌کوبند، کسانی اند که باورهای خود را مطلق می‌انگارند و دیگران را تخطئه می‌کنند و این پندار گاه چنان فداست می‌یابد که طرفداران این طرز تفکر هرگز راضی به شنیدن سخن طرف مقابل نمی‌شوند و بدتر از همه آنکه حتی به سنجش باورهای خود با قرآن و پیشوایان معصوم نیز رضایت نمی‌دهند. این رفتار تحجرگرایانه، برخورد نادرست قوم نوح را به یاد می‌آورد که در هنگام رودرویی با آن حضرت، انگشتان خویش را در گوشهای خود فرو می‌بردند و ردای خویش را بر سر می‌افکندند.^(۱) این بدان علت بود که می‌ترسیدند سخنان روشنگرانه و آتشین او در روح یخ زده آنان اثر کند و آنان را به تردید در باورهای خود بکشاند.

بدیهی است که وحدت در نزد طرفداران این طرز تفکر، به معنای دست کشیدن طرف مقابل از باورهای خود است، در حالی که وحدت به این معنا امکان پذیر نیست و هرگز محقق نخواهد شد؛ چرا که وحدت به این معنا برخلاف سنت الهی و طبیعت بشر است.

۴. نژادپرستی

یکی از آسیبهای جدی که پراکندگی و گروه‌گرایی را در پی دارد، پدیده شوم نژادپرستی است. نژادپرستی به این معناست که قومی با تکیه بر زبان، نژاد، خاک و خون، ملت و تبار خویش را برتر بدانند و دیگر ملتها را تحقیر کنند. بدیهی است که این پدیده، تفرقه و جدایی را اجتناب ناپذیر می‌کند و از این رو، هم در نزد عقل و هم در نزد دین، محکوم و مردود است.

می‌توان گفت ملی‌گرایی به این معنا از اندیشه یهود نشئت گرفته است که خود را ملتی برگزیده معرفی می‌کنند.^(۲) و نعمتهای بهشتی را تنها از آن

ص: ۱۰۷

۱- نک: نوح (۷۱)، آیه ۷.

۲- نک: جمعه (۶۲)، آیه ۶.

خود می دانند و دیگر ملتها را از آن محروم می شمزند.^(۱)

۵. ناآگاهی

نادانی و ناآگاهی از آسیبهایی است که تیرگی روابط انسانها را در پی دارد و حتی گاهی به بروز دشمنیها می انجامد: «الناس أعداء ما جهلوا»^(۲). همین شناخت ناکافی است که برخی از فرق اسلامی می پندارند تنها آنها به سنت پیامبر عمل می کنند و دیگران از سنت آن حضرت بی خبرند؛ چنان که برخی دیگر نیز تصور می کنند از میان گروههای اسلامی، تنها آنها افتخار دوستی خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را دارند، غافل از اینکه پیروان دیگر فرق اسلامی نیز به دوستی اهل بیت پیامبر خود افتخار می کنند و به آنان عشق می ورزند.

قرآن کریم در تبیین آثار زیانبار جهل و نادانی، گاه آن را عامل عدم پذیرش قرآن از سوی مشرکان معرفی کرده است: «كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»؛ چیزی را تکذیب کردند که از آن آگاهی نداشتند و هنوز واقعیتش برایشان روشن نشده بود.^(۳) گاهی هم اختلاف قوم بنی اسرائیل با موسی و درخواست خدایان ساختگی از او را ناشی از جهالت و نادانی آنان دانسته، می فرماید: «إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»^(۴).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره که بسیاری از تنشها و دشمنیهای انسان از ناآگاهی او سرچشمه می گیرد، فرمود: «صفه الجاهل أن يظلم من خالطه و يتعدى من هو دونه و يتناول على من هو فوقه»؛ ویژگی نادان این است: با هر کس که می آمیزد، بر او ستم می کند، به زیردستانش زور می گوید و در

ص: ۱۰۸

۱- نک: بقره (۲)، آیه ۹۴.

۲- میثم بن علی بحرانی، شرح مئه کلمی، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۸۲.

۳- یونس (۱۰)، آیه ۳۹.

۴- اعراف (۷)، آیه ۱۳۸.

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْمَعَارِضِ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَ الْحَكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ»؛ خوی نادان این است که پیش از آنکه بفهمد، مخالفت می کند و به آنچه نمی داند، داوری می کند. (۲)

این عدم شناخت که به کینه و عداوت می انجامد، داستان چهار مسکین مثنوی مولوی را تداعی می کند که چون به زبان یکدیگر آشنا نبودند به نزاع پرداختند و هر کدام کلمه مورد نزاع را به فهم خود تفسیر کردند، غافل از این که هر چهار تفسیر حاکی از معنایی واحد بود. (۳)

در اینجا باید به وجود جاهلان متعصب در جامعه نیز اشاره کرد. اینان از آن رو که زمان شناس نیستند و قلمرو دیدشان به کار، ذکر، تسبیح و سجاده محدود می گردد، آن گاه که از وحدت با دیگر برادران مسلمان سخن به میان می آید و یا به مسلمانان ستمدیده در آن سوی مرزها کمک می شود، واکنشی تند نشان می دهند و این کارها را خیانت به کشور و مردم خود تلقی می کنند. بدیهی است که چنین طرز تفکری مانعی بزرگ بر سر راه همگرایی در جامعه اسلامی است و صاحبان این طرز تفکر به جای خدمت به اسلام و جامعه اسلامی بدان خیانت می کنند. چه زیباست این سخن امام علی (علیه السلام) که در خصوص جاهلان متنسک فرمود: «فاجتمع القوم علی الفرقة و افترقوا عن الجماعة، كأنهم أئمة الكتاب و لیس الكتاب إمامهم»؛ آن قوم در تفرقه و جدایی هم داستان اند و در اتحاد و همگرایی پراکنده. گویی آنان

ص: ۱۰۹

۱- ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۸.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۸.

۳- نک: محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد مثنوی مولوی، بی جا، بی نا، ج ۵، ص ۵۹۸.

۶. پیمان شکنی

پای بندی به تعهدات و پیمانها چندان مهم است که اگر با کافران نیز پیمانی ببندیم، تا زمانی که آنان به پیمان خود وفادار باشند، باید به آن وفا کنیم؛ چرا که وفاداری به پیمان، احساس امنیت و اعتماد را افزایش می دهد و این، عاملی مؤثر در تحکیم همگرایی در اجتماع است.

امام علی درباره تأثیری که پای بندی به پیمان می تواند در اتحاد و همگرایی داشته باشد، می فرماید:

اگر با دشمنت پیمانی منعقد ساختی و یا او را در پناه خود امان دادی، به عهد خویش وفا کن و بر امانتی که بر عهده گرفته ای، امین باش و جان خود را سپر پیمان گردان؛ چرا که هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که مردم با تمام اختلافاتی که دارند، در وفای به آن اتفاق نظر دارند. (۲)

بنابراین، اگر وفای به عهد با دشمن، امری مهم و بایسته است، وفای به عهدی که با مسلمانان یا کشورهای اسلامی بسته شده، بایسته تر است؛ اما دریغ از رعایت این دستور الهی که برای حکام کشورهای اسلامی اهمیت چندانی ندارد و اگر گاهی هم سخنی از پیمانهای وحدت طلبانه به میان می آید، نه در عمل، که تنها در قالب حرف و سند مکتوب است. موارد زیر نمونه هایی از این واقعیت تلخ اند:

۱. پیمان جمهوری متحده عربی (۱۹۵۸ م) که میان مصر و سوریه شکل گرفت، تنها سه سال دوام آورد؛

۲. پیمان اتحاد که میان اردن و عراق (۱۹۵۸ م) منعقد گردید، تنها یک

ص: ۱۱۰

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۴۷، ص ۴۴۸.

۲- همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۷.

۳. پیمان دفاعی مشترک که پس از جنگ شش روزه، میان مصر، سوریه و اردن (۱۹۶۶ م) شکل گرفت، برای همیشه به دست فراموشی سپرده شد؛

۴. منشور طرابلس که میان ناصر، قذافی و نمیری منعقد گردید (۱۹۶۹ م)، به سرنوشتی نامعلوم دچار شد؛

۵. فدراسیون مصر و لیبی (۱۹۷۰ م) که پس از چند هفته از هم پاشید؛

۶. شکل گیری جماهیر عرب میان مصر، سودان و لیبی (۱۹۷۱ م) که به دلیل کارشکنی برخی اعضا از هم پاشید؛

۷. پیمانهای دیگر نیز نظیر پیمان وحدت طلبانه لیبی و تونس (۱۹۷۴ م)، سوریه و عراق (۱۹۷۸ م)، لیبی و سوریه (۱۹۸۰ م) و پیمان شکل گیری مغرب بزرگ عربی متشکل از الجزایر، مراکش و تونس (۱۹۸۳ م) به سرنوشتی نامعلوم دچار گردید. (۱)

۷. شایعه پراکنی

یکی از مشکلاتی که همواره دامن گیر جامعه است، وجود شایعات بی اساس است که از سوی دشمن با هدف فریب افکار عمومی و انحراف ساده اندیشان مطرح می شود. یکی از آثار زیانبار این پدیده شوم، ایجاد اختلاف و پراکندگی در صفوف مسلمانان و خصومت و درگیری در میان زمام داران کشورهای اسلامی است. امام علی (علیه السلام) در ضرورت پرهیز از شایعه پراکنی فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِقَهُ دِينَ وَ سَدَادَ طَرِيقِ فَلَاسْمَعَنَّ فِيهِ أَقَاوِيلَ الرِّجَالِ. أَمَا إِنَّهُ قَدْ يَرْمِي الرَّمَامِي وَ تَخْطِئُ السَّهَامُ وَ يَحِيلُ الكَلَامُ؛ ای مردم، آن کس که از برادرش اطمینان در دین و استقامت در راه و

ص: ۱۱۱

رسم سراغ دارد، نباید به گفته دیگران درباره او گوش دهد. بسا تیرانداز تیری می افکند و تیرش به خطا می رود؛ سخن نیز چنین است. (۱)

۸. نفاق و دورویی

وحدت و همدلی در جوامع اسلامی اصلی بنیادین است که باید جدی گرفته شود و نباید به ابزاری برای فریب دادن طرف مقابل و تخریب باورهای او تبدیل شود؛ چرا که این وحدت و همدلی پیمانی الهی و وظیفه ای سیاسی و اجتماعی است و هر رفتاری که این پیمان را نقض کند و مسلمانان را از انجام این وظیفه باز دارد، گناهی نابخشودنی است. سوگمندان باید گفت برخی افراطیان که با اصول وحدت آشنایی ندارند، به جای اتحاد حقیقی میان فرق اسلامی، به تظاهر و فریب روی می آورند و با سوء استفاده از صداقت طرف مقابل، در نشستها و برخوردهای حضوری، با او ابراز دوستی و همدلی می کنند، اما در غیاب وی رفتارهایی ناشایست از خود بروز می دهند؛ غافل از اینکه این شیوه، شیوه ای منافقانه است و از نظر قرآن، مردود و منفور است و خداوند عالمیان نه تنها آن را برای مسلمانان، که برای مشرکان نیز نمی پسندد. (۲) بدیهی است که این رفتار منافقانه نه تنها با همدلی تناسبی ندارد، که با آن در تضاد کامل است.

۹. قهر و جدایی

به دلیل وجود تفاوتها در فهم و اندیشه بشر و نیز ناهمسانی در خصلتهای درونی و علقه های بیرونی، بروز اختلاف و چالش در زندگی اجتماعی، امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. از این رو، نباید در برابر هر نوع اختلافی موضع گرفت و واکنش نشان داد و یا هر مخالفی را به خودخواهی متهم

ص: ۱۱۲

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۴۱، ص ۴۳۰.

۲- نک: بقره (۲)، آیات ۱۰-۱۴.

ساخت و برای همیشه با برادر ایمانی خود قهر کرد، بلکه لازم است کدورتها و چالشها را برطرف کرد و دل‌های سرد شده را گرمایی دیگر بخشید. پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمود: «لاتقاطعوا و لاتدابروا و لاتباغضوا و لاتحاسدوا و کونوا عباد الله إخواناً»؛ پیوندها را قطع نکنید، از هم رو برمتابید، کینه هم را به دل مگیرید، به همدیگر حسادت نورزید و با دیگر بندگان خدا برادر باشید.^(۱)

پرهیز از هرگونه قهر و جدایی با برادران ایمانی، در سیره امام علی(علیه السلام) به خوبی نمایان است. آن حضرت حتی به فردی مانند ابوموسی اشعری که قلب مبارکش را جریحه دار کرد و زمینه خانه نشینی او را فراهم آورد، فرمود:

با آنکه از تو ناراحتم، این ناراحتی باعث نمی شود که با تو قهر کنم و برای تو سخنی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) نگویم. از پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم که فرمود: «هرگاه کسی به عیادت برادر ایمانی خود برود، گام در رحمت الهی نهاده است و آن گاه که نزد بیمار بنشیند، رحمت الهی او را فرا می گیرد».^(۲)

۱۰. ناسزاگویی

اسلام آیین مهر و محبت است و هرگونه ناسزاگویی حتی به دشمنان را کاری زشت شمرده است. بنیان گذار این مکتب که پیامبر رحمت است، در پاسخ کسانی که آن حضرت را به نفرین کردن مشرکان فرا می خواندند، فرمود: «إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لِعَانًا وَ إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً»؛ مبعوث نشدم که نفرین کنم، بلکه برای مهر و رحمت برانگیخته شدم.^(۳)

ص: ۱۱۳

۱- زکی الدین منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۴۷.

۲- شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، تذکری الحفاظ، ج ۳، ص ۸۰۸.

۳- عبدالرحمن سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۰۲؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق، ج ۱۱، ص ۹۱.

این واقعیت را از قرآن کریم بیاموزیم که به طور روشن پیروان خود را از هر نوع ناسزاگویی به دشمن منع کرده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» ؛ به «معبود» کسانی که غیر خدا را می خوانند، دشنام ندهید که آنان نیز از روی دشمنی و نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. (۱)

اگر ناسزاگویی به دشمن، امری زشت است، به برادران مسلمان زشت تر است؛ چه اینکه ناسزاگویی همگرایی را در جامعه توحیدی با خطری جدی مواجه می سازد و جز کینه و دشمنی به همراه نمی آورد. سخن امام محمد باقر (علیه السلام) گواهی بر این مطلب است که فرمود: «لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعِدْوَايَةَ بَيْنَهُمْ»؛ مردم را ناسزا نگویند که [اگر بگویند] برای خود دشمن می تراشید. (۲)

نکته دیگری که در اینجا باید گفت، ضرورت پرهیز از به کارگیری القاب زشت برای پیروان دیگر فرق اسلامی است. اگر به استناد آیه «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ» (۳) طعنه زدن و به کارگیری القاب زشت، حرام و نارواست، این حکم اختصاص به افراد ندارد، بلکه گروهها و پیروان مذاهب را نیز در بر می گیرد. بنابراین، به کارگیری الفاظی مانند «رافضی» و «زندیق» که برخی برای شیعیان به کار می برند و یا القابی مانند «ناصبی» و «جبری» که برای برادران اهل سنت به کار می رود، امری نادرست و نارواست. (۴)

ص: ۱۱۴

۱- انعام (۶)، آیه ۱۰۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۶۰؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۶۳.

۳- «از یکدیگر عیب جویی نکنید و با القاب زشت یکدیگر را نخوانید»، حجرات (۴۹)، آیه ۱۱.

۴- نک: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، ص ۲۰۳.

۱۱. ناپاکی درونی

ناپاکی درونی عاملی مخرب است که به وجود اختلافات در جامعه دامن می زند و زمینه درگیریهای خونین را فراهم می آورد. سخن امام علی (علیه السلام) گویای این مطلب است که فرمود: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانُ عَلِيِّ دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خَبْثُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ»؛ همانا شما برادران دینی یکدیگرید و چیزی جز ناپاکی درون و بدی اندیشه ها شما را از هم جدا نساخت. (۱)

ناپاکی درون، خود منشأ پیدایش برخی دیگر از عوامل پراکندگی همچون خودبرتربینی است. خودبرتربینی که نوعی سفاهت است، (۲) از عوامل آسیب رسان به روابط اجتماعی و همگرایی در جامعه است؛ زیرا هر کس که با ارزیابی نادرست، خود را از دیگران برتر بداند، آنان را خوار و حقشان را سبک می شمارد. (۳) بدیهی است که چنین افرادی از دیگران توقع نابجا دارند و چون دیگران نمی توانند یا نمی خواهند خواسته های نابجای آنان را برآورند، کدورت و کینه در میان آنها پیدا می شود که این خود، آسیبی بزرگ برای روابط اجتماعی است. امام علی (علیه السلام) در این باره فرمود: «مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنْ صَدِيقِهِ إِلَّا بِإِثَارِهِ عَلِيٍّ نَفْسَهُ دَامَ سَخَطُهُ»؛ آنکه از دوستش جز با مقدم داشتن او بر خویش خرسند نمی گردد، خشم و ناراحتی اش همیشگی است. (۴)

(ب) آسیبهای بیرونی

اشاره

دشمنان کینه توز اسلام که نمی توانستند عظمت اسلام و عزت مسلمانان را

ص: ۱۱۵

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۱۲، ص ۳۴۹.

۲- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- نک: محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۱۰.

۴- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۰.

بینند، همواره در پی این بودند که بدانند راز سربلندی و توفیق اسلام در چیست که توانست از اقوام و قبایل پراکنده و معاند، امتی واحد و ظفرمند بسازد و نژادهای مختلف را در زیر پرچم توحید گرد آورد و به پشتیبانی آن، مرزها را درهم نوردد و عربها را از زندگی محدود و افتخارات معدود رهایی بخشد.

پس از آنکه دشمنان راز توفیق اسلام را در ایمان مسلمانان به آیین حیات بخش اسلام و همدلی و همگامی آنان در راه هدف یافتند، به فکر چاره افتادند تا به هر وسیله ممکن، مسلمانان را به پراکندگی مبتلا سازند. از این رو، برای عملی ساختن کینه های دیرینه خود، دست به توطئه های شیطانی زدند و نقشه های خصمانه کشیدند تا مگر اتحاد جامعه اسلامی را در هم شکنند.

در این مجال، برای آشنایی با اقدامات خصمانه دشمن علیه اسلام و نیز هشدار به جوامع اسلامی، برآنیم تا به اختصار، برخی توطئه های دشمن بر ضد اسلام و مسلمانان را یادآور شویم:

۱. تجزیه دولتها

در طول تاریخ، تفرقه و پراکندگی، مؤثرترین عامل برای چیره شدن بر یک ملت به شمار آمده است. از این رو، استعمارگران و قدرتهای بزرگ همواره با شعار «تفرقه بینداز، حکومت کن» از این روش استفاده کرده اند. سوگمندان باید گفت بسیاری از اختلافاتی که امروزه در دنیای اسلام می بینیم، زائیده همین نقشه است.

هدف گرفتن امپراتوری بزرگ عثمانی و تکه تکه کردن آن به کشورهای کوچک، نمونه ای از این سیاست استعمارگران است. حکومت عثمانی که در قرن هشتم هجری بر روی کار آمد، آن چنان اقتدار یافت که

در محافل اروپایی و صلیبی به بزرگی یاد می شد. این حکومت با فتوحات پی در پی خود و با جبران ویرانیهای ناشی از حمله صلیبها و مغولها، روح امید را به دلهای افسرده مسلمانان دمید. اروپاییان و صلیبیان که از پیشرفت خلافت عثمانی به شکفت آمده بودند، در صدد برآمدند تا با اختلاف افکنی میان مسلمانان و تضعیف نیروی آنان، حرکت رو به پیشرفت این حکومت را کند کنند. به این منظور، به مطالعه مذاهب اسلامی پرداختند و مسائل اختلاف آمیز را در کتابهایی که در تیراژ بالا چاپ و در میان شیعیان و سنیان پخش می شد، مطرح کردند.

آنان برای تحقق کامل اهداف خود، از یک سو با طرح دوستی با خلفای عثمانی و مردم آن سرزمین، در میان آنان نفوذ کردند و آن چنان به مردم، به ویژه به مفتیان، نزدیک شدند که آنها دشمن را دوست پنداشتند و توصیه حساب شده آنان را مبنی بر تکفیر شیعیان جدی گرفتند و به مباح بودن خون آنان فتوا دادند، و از دیگر سو برخی از اروپاییان در قالب تاجر و بازرگان، با ایرانیان و حکومت صفوی که حکومتی شیعی بود، رابطه دوستی برقرار ساختند و تا آنجا پیش رفتند که گاه هزینه مراسم روضه خوانی در مساجد و تکایا را بر عهده می گرفتند و افراد را تحریک می کردند تا روضه پهلوی شکسته حضرت زهرا را بخوانند.^(۱)

هنگامی که دشمن با دامن زدن به اختلافات مذهبی، زمینه درگیری را در جامعه اسلامی فراهم آورد و مردم را به اختلافات داخلی سرگرم ساخت، خود به تصرف برخی نواحی امپراتوری بزرگ عثمانی مانند الجزایر، عدن، تونس، مصر، سودان، لیبی، مراکش، شیخ نشینهای حاشیه خلیج فارس و مانند آن پرداخت.

ص: ۱۱۷

۱- نک: عبدالکریم بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۹-۲۲.

بنابراین، باید به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که ایجاد و گسترش اختلافات در جامعه اسلامی و از هم پاشیدن امپراتوری بزرگ عثمانی که از لنینگراد تا الجزایر و از آنجا تا یمن گسترش یافته بود، حاصل نقشه های استعمارگران کهنه کار بود. آنچه امروزه در کشورهای فلسطین، افغانستان و عراق می گذرد، نمونه ای دیگر از توطئه استعمارگران است.

۲. مشابه سازی دینی

از جمله عوامل مرموز و ناشناخته که همواره وحدت اسلامی را تهدید کرده و در میان امت اسلامی ایجاد شکاف می کند، مسئله ای به نام مشابه سازی دینی است که از سوی دشمنان دوست نمای اسلام صورت می گیرد. این جبهه که به حق جبهه ای ناشناخته است، از صدر تاکنون، با نامهای سازگار با فرهنگ دینی مردم و باورهای آنان گشوده شده است.

هرچند روند مشابه سازی دینی در طول تاریخ اسلام مانند ساختن مسجد ضرار، قرآن سر نیزه کردن، و شعار «کفانا کتاب الله» تاکنون ادامه داشته و دارد، اما آنچه امروزه در عصر شکوفایی اسلام قابل توجه بوده و متمایز از دوران گذشته است، تنوع این مشابه سازی است که دشمنان اسلام، گاه به هدف هویت زدایی فرهنگ دینی و رواج فرهنگ بیگانه، افکار انحرافی خود را زیر عنوانهای زیبا و همه پسند مانند آزادی، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیتها، مردم سالاری و مانند آن به خورد مردم می دهند و گاه به منظور سردرگمی مردم، با کمک دست نشانده های داخلی، اقدام به تشکیل احزاب سیاسی می کنند و با به کارگیری پیشوند و پسوندهای زیبا و عوام فریب مانند اسلامی، انقلابی، مردمی، توده ای، فدایی، مجاهد، مبارز و مانند آن، به احزاب خودساخته رنگ و بوی دینی می دهند.

ایجاد شبهه همواره موجب تزلزل فکری اقشار جامعه می شود؛ چرا که دشمن از آن استفاده ابزاری می کند و آن را برای تباهی و پراکندگی امت اسلامی به کار می گیرد و به این وسیله، وحدت جامعه را با خطری جدی مواجه می سازد. امام علی (علیه السلام) در اشاره به معنای شبهه و تأثیر زیانبار آن فرمود:

إِنَّمَا سَمَّيْتُ الشَّبْهَةَ شَبْهَةً لِأَنَّهَا تَشْبَهُ الْحَقَّ. فَأَمَّا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فُضِّيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهَدْيِ وَ أَمَّا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى؛ شبهه از این رو شبهه نامیده شده است که شبیه و مانند حق است. اما دوستان خدا در موقعیتهای شبهه ناک، روشنی ساز

راهشان یقین و راهنمایشان راه هدایت است، و اما دشمنان خدا راهشان ضلالت و گمراهی و راهنمایشان کوری و سرگردانی است. (۱)

شبهه سازی و شبهه افکنی که اغلب در پی تحول رخ می نماید، آن چنان در فکر و رفتار انسان اثر می کند که از پیروان یک طرز تفکر و دوستان یک شخص، دشمنی خطرناک می سازد. تغییر موضع خوارج و شمشیر کشیدن آنها بر امام علی، نمونه ای از تأثیر ویروس شبهه در افکار مردم ناآگاه است. با آنکه خوارج به آن حضرت ارادت داشتند و در رکابش شمشیر می زدند، اما آن گاه که تحت تأثیر القائنات شیطانی قرار گرفتند، به روی آن حضرت شمشیر کشیدند.

۴. فرقه تراشی و مکتب سازی

بی گمان برخورداری یک ملت از فرهنگی واحد، زمینه ای مناسب برای اتحاد ملی و انسجام اسلامی فراهم می سازد که در صورت تداوم آن، امید می رود مردم با اتکا به این فرهنگ واحد، تلاشی پرثمر را در جهت

ص: ۱۱۹

پی ریزی بنیادهای فکری و دستیابی به اهداف خود آغاز کنند. نمونه این وحدت را که اثربخشی خاصی داشت، می توان در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جست و جو کرد.

دشمنان اسلام که فرهنگ واحد اسلامی و اتحاد امت بزرگ اسلام را خطری جدی برای خود می دانستند، با شیوه ای مرموز و ناشناخته، فرهنگ اصیل اسلامی را هدف قرار دادند و اقدام به فرقه تراشی و مکتب سازی کردند؛ چنان که ارسطو نیز گفته است: «برای نفی فرهنگ، یک فرهنگ لازم است»^(۱). پیدایش بیش از ۲۵۰ فرقه در دنیای اسلام^(۲) و پیدایش ۱۳۱ فرقه تنها در میان شیعیان،^(۳) از پیامدهای تأسفبار این سیاست دشمن است.

دشمن در چند دهه اخیر، با ساختن مکاتبی جدید مانند بایبگری^(۴) و بهائیکری در ایران،^(۵) وهابیکری در جزیر عرب^(۶) و قادیانیکری در هندوستان،^(۷) به اهداف شوم خود دامن زد و به این وسیله توانست فرهنگ واحد اسلامی را به پاره های مختلف تقسیم کند و هر گروهی را به پاره خود سرگرم سازد. این در حالی است که قرآن کریم امت اسلامی را امتی واحد

ص: ۱۲۰

-
- ۱- محمدتقی جعفری، «نفوذ فرهنگ در جوامع انسانی»، مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم مسائل تربیتی، ص ۳۷۹.
 - ۲- نک: شریف یحیی امین، معجم الفرق الاسلامیه، بیروت، دار الاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
 - ۳- نک: محمدجواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، اشراقی، چاپ ششم، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۶۸-۱۸۶.
 - ۴- نک: احمد صدر حاج سیدجوادی و دیگران، دایری المعارف تشیع، تهران، شهید سعید محبی، چاپ اول، ج ۳، ص ۵.
 - ۵- علی ربّانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۴۲.
 - ۶- نک: سیدمحسن امین، تاریخچه و نقد و بررسی وهابیه، ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش، ص ۳.
 - ۷- نک: همان، ص ۳۴۵.

معرفی کرده است و جز فرهنگ واحد و خدای واحد برای این امت نمی پسندد(۱) و هرگونه اختلاف و انشعاب را برخلاف آرمانهای خود می داند.(۲)

۵. تقویت اقلیتهای دینی

یکی از وجوه پنهان سیاستهای استعمارگران علیه جهان اسلام و اتحاد مسلمانان، تقویت اقلیتهای دینی در جای جای کشورهای اسلامی است. هرچند این اقلیتها در کشورهای اسلامی به دنیا آمده اند و در میان مسلمانان به سر می برند، اما در واقع، به فرهنگ و استعمارگرانی دل بسته اند که از آنجا تغذیه فکری می شوند. سخن دانشمند متفکر معاصر عرب دلیلی روشن بر این واقعیت است که می گوید: «مسیحیان در جامعه عرب همواره خود را بی ریشه احساس می کردند و به واسطه دوگانگی مذهبی و ارتباطی که با اروپاییان داشتند، هیچ گونه احساس دل بستگی به میهن خود نداشتند... اینان آغازکنندگان جریان غرب گرایی و بهترین پذیرندگان فرهنگ غربی بودند».(۳)

نتیجه تقویت این اقلیتها توسط قدرتهای بزرگ، این است که در بسیاری از فتنه هایی که در کشورهای جهان اسلام به وقوع می پیوندد، رد پای اقلیتهای دینی به چشم می خورد. حمایت این اقلیتها از اشغالگران فرانسوی در بیروت، همکاری آنها با اشغالگران انگلیسی در مصر و جسارت ارمنی زادگان(۴)

ص: ۱۲۱

۱- نک: انبیاء (۲۱)، آیه ۹۲.

۲- انعام (۶)، آیه ۶۵.

۳- هشام شرابی، روشنفکران عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۶.

۴- نک: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته «۱»)، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش.

و یهودیان(۱) و بهائیان(۲) به فرهنگ متعالی اسلام در ایران، همه و همه حاصل تلاش استعمارگران در تقویت اقلیتهای دینی است که در انتقال فرهنگ بیگانه به جوامع اسلامی و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان نقش مؤثری داشته اند.(۳)

محمود صواف در خصوص پیامد تقویت اقلیتهای دینی در کشورهای اسلامی می نویسد: «آری، استعمار میان عرب تفرقه انداخته و آنان را به دسته جات و احزابی تقسیم نموده و آتش فتنه را در میان آنان مشتعل ساخته

است».(۴)

این اقلیتها که در کشورهای اسلامی نقش ستون پنجم را دارند، انسان را به یاد نقش همینها در صدر اسلام می اندازد که پیوسته علیه نظام نوپای اسلامی توطئه کرده و برای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان تلاشی وافر می کردند. در آیات ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران، به تلاش آنها برای روشن کردن آتش خاموش شده اختلاف میان قبایل تازه مسلمان اوس و خزرج به روشنی اشاره شده است.(۵)

قرآن کریم در این آیات، از یک سو اقلیتها را توییح می کند و می گوید: شما که خود از پذیرش حق می گریزید، چرا با سم پاشی، وسوسه و شبهه افکنی، مسلمانان را از راه مستقیم منحرف می سازید و با یادآوری

ص: ۱۲۲

۱- نک: همو، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته «۲»).

۲- نک: همو، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته «۶»).

۳- نک: سیدمحمود مدنی بجستانی، فساد، سلاح تهاجم فرهنگی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۵.

۴- محمد محمود صواف، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ترجمه سیدجواد هشترودی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۷ ش، ص ۵۵.

۵- نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۸۰۲؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۳۶۴.

کینه های فراموش شده، آتش اختلاف و دشمنی را در میان مسلمانان برمی افروزید؟^(۱) و از سوی دیگر به مسلمانان خطر اقلیتهای دینی را گوشزد می کند و می گوید: اگر راه نفوذ را بر این اقلیتها نبندید، با نفوذ و وسوسه های خود، شما را از راهی که در پیش دارید، بازمی دارند.^(۲)

۶. تحریک ملیت پرستی

دشمنان اسلام امروزه با استفاده از حربۀ ملیت پرستی و نژادپرستی، هر نژاد و قبیله ای را به جای توجه به جامعۀ کلان اسلامی، به خود سرگرم می سازند. برخی از ناسیونالیستهای عرب که سخت تحت تأثیر این حربۀ دشمن واقع شده اند، بی آنکه بدانند چه می گویند و چه می کنند، عربیت را دین خود می پندارند و آن را بر فرهنگ اسلام ترجیح می دهند. یکی از این نژادپرستها که محمود صواف در کتاب خود آورده است، می گوید: «عربیت در نزد ما ناسیونالیستهای عرب، دین ماست؛ چه اینکه عربیت پیش از اسلام به وجود آمده است».^(۳)

نام برده به نقل از یکی دیگر از این ناسیونالیستها می گوید: «عرب قادر به نهضتی نخواهد بود، مگر اینکه عربیت و یا سرچشمۀ عربی را دیانت خود قرار داده، به آن، آن چنان تمسک نماید که مسلمانان به قرآن و مسیحیان به انجیل تمسک جسته اند».^(۴)

این در حالی است که قرآن کریم تمامی انسانها را از نفس واحد دانسته^(۵) و امتیازات نژادی، زبانی، قومی، جغرافیایی و مانند آن را امری موهوم

ص: ۱۲۳

۱- نک: آل عمران (۳)، آیه ۹۹.

۲- نک: آل عمران (۳)، آیه ۱۰۰.

۳- نک: محمد محمود صواف، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ص ۶۱.

۴- همان.

۵- نک: نساء (۴)، آیه ۱.

شمرده است. از این رو، بی آنکه نژاد خاصی را در نظر داشته باشد، با تعبیری همچون «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تمامی انسانها را مخاطب خود ساخته و همگان را به صلاح و فلاح دعوت کرده است.

بنابراین، برخی افراد که با تأثیرپذیری از القائنات نژادپرستانه، در آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»^(۱) «أنفسکم» را «نژاد عرب» معنا کرده اند،^(۲) به

قرآن جفا نموده اند؛ چرا که این طرز تفکر و برداشت نادرست، از شمول قرآن و جهانی بودن آن می کاهد و آن را تنها به نژاد عرب محدود می سازد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که از احساسات نژادپرستانه احساس خطر می کرد، چنین هشدار داده است: «من کان فی قلبه حبی من خردل من عصبی بعثه الله یوم القیامه مع أعراب الجاهلیه»؛ هر کس به اندازه دانه خردلی عصبیت در دل داشته باشد، خدا او را در روز قیامت با اعراب جاهلی محشور خواهد کرد.^(۳)

امام علی (علیه السلام) که خود پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، از این مسئله رنج فراوان برد، این پدیده شوم را وسوسه شیطان معرفی کرده، می فرماید: «شراره های تعصب و کینه های زمان جاهلیت را که در دلهایتان مانده است، خاموش سازید که این تعصب در مسلمانان از آفتهای شیطانی، غرورها، کششها و افسون دمیدنهای اوست».^(۴)

دشمنی که از این حربه سودهای فراوان برده است، نه تنها با تقویت روحیه ملیت پرستی، امت واحد اسلامی را هدف قرار داده است، بلکه تلاش

ص: ۱۲۴

۱- توبه (۹)، آیه ۱۲۸.

۲- نک: محمد رشید رضا، المنار، ج ۱۱، ص ۸۷.

۳- کلینی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۹۶.

۴- نهج البلاغه (ترجمه صلی الله علیه و آله وسلم) و شرح فیض الاسلام، خطبه ۲۳۴، ص ۷۸۲.

می‌کند تا مردمی مانند مردم مصر را که سابقه ای دیرینه در اسلام دارند، نه تنها از اسلام، که حتی از عربیت جدا سازد. داستان تلخ فرعون‌گری و تبلیغ دشمن برای بازگشت مصریان به آیین نیاکان خود، گواهی روشن بر این حقیقت تلخ است. یکی از منادیان فرعون‌گری که در این باره تلاشی وافر کرده است، در خصوص رواج فرعون‌گری در مصر می‌گوید: «لازم است روح ملیت پرستی را در میان توده‌ها به وجود آوریم و بیش از همه باید به ادبیات فرعون‌گری که یادگار پدران و اجداد ماست، اهتمام ورزیم».^(۱)

دشمن که این حرکت شوم را گامی در جهت دست‌یابی به اهداف شیطانی خود می‌داند، آن را سخت مورد حمایت قرار داده و با کمک‌های مالی خود، آن را تقویت کرده است که این خبر، نمونه‌ای از تلاش دشمن در این باره است: «راکفلر، میلیونر یهودی آمریکایی، یکی از ادیبان برجسته را مأموریت داد تا به منظور تأسیس بنگاه فرعون‌گری همراه با مبلغی هنگفت روانه مصر گردد و به او مأموریت داد تا مبالغ ارسالی را در راه جداسازی مصر از اسلام و عربیت هزینه کند».^(۲)

۷. ترویج روشن‌فکری وارداتی

روشن‌فکری امری مبارک و فرخنده است؛ چرا که تحول و تکامل هر جامعه‌ای وام‌دار آن است، همان‌طور که بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها برخاسته از تاریک‌فکری و تمایلات لجام‌گسیخته دور از منطق و روشن‌بینی است. از این رو، می‌توان روشن‌فکری را نوعی برانگیختگی و تداوم رسالت پیامبران دانست؛ زیرا روشن‌اندیشان واقعی همواره مشعل به دست به رهایی جامعه از خرافه‌پنداری، قشری‌گری، خمودگی، روزمژگی و مانند آن می‌اندیشند. اما

ص: ۱۲۵

۱- محمد محمود صواف، نقشه‌های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ص ۱۷۲.

۲- همان، ص ۱۷۴.

سوگمندان باید گفت جریان روشن فکری که باید در هوشمندی، فرزاندگی، مبارزه با جمود و خمودگی و رهایی از هرگونه فساد و تباهی تجلی یابد، امروزه در تعارض با سنت و باورهای دینی و تبلیغ سوء علیه احکام و شعائر اسلامی نمود پیدا کرده است.

این نوع روشن فکری نه از نوع روشن فکری غربی است و نه از نوع روشن فکری اسلامی،^(۱) بلکه امری التقاطی و آمیخته از حق و باطل و پدیده ای تلقیح شده از فرهنگ خودی و بیگانه است که از سوی استعمارگران در جوامع اسلامی رواج می یابد. این نوع روشن فکری که مورد حمایت دشمن است، در ایجاد تفرقه و پراکندگی در میان امت اسلامی از هر عامل دیگری مؤثرتر است؛ چرا که در اینجا سخن از آمدن بیگانگان نیست، بلکه سخن از بیگانه شدن نیروهای خودی است که جاهلانه و یا عالمانه، ولی مغرضانه، آب به آسیاب دشمن می ریزند و به حربه ای علیه وحدت امت اسلامی تبدیل شده اند.

بگذار صورت کریه این نوع روشن فکری را از زبان یکی از مروّجان غربی آن به تصویر بکشیم که می گوید:

ما، خان زاده ها، پولدارها، گردن کلفت های آفریقا و آسیا را می آوردیم چند روز آمستردام، لندن، نروژ، بلژیک و پاریس می چرخانیدیم... و آرزوی اروپایی شدن کشور خودشان را در دل هایشان به وجود می آوردیم و اینها را به کشور هایشان پس می فرستادیم... و بعد، ما در برلین، بلژیک و... حرف می زدیم، انعکاس وفاداران و درست صوت خودمان را از حلقومهایی که ساخته بودیم، می شنیدیم. مطمئن شده بودیم که نه تنها این روشن فکران هرگز کوچک ترین حرفی برای گفتن جز آنچه ما به دهانشان بگذاریم، ندارند، حتی حق حرف زدن

ص: ۱۲۶

۱- نک: محمدجواد لاریجانی، «مقایسه گونه های روشنفکری»، اندیشه حوزه، آذر و دی ماه ۱۳۷۹ ش، شماره ۲۵، ص ۱۰۴.

را از مردم خودشان هم گرفته بودند. (۱)

این دست آموزان غرب که سنت شکنی را نشان از روشن فکری می دانند، در اجرای مأموریت‌های خود، گاه ضرورت‌های اسلامی و ظواهر مذهبی مانند مجازات اسلامی و عزاداری را زیر سؤال می برند و گاه یک سری ادعاهای بی مبنا مانند قرائت‌های متفاوت از دین را بر سر زبانها می اندازند و گاهی هم در مخالفت با رهبران دینی، لباس روحانیت را یادگار حاکمان صفویه و جایگاه

مرجعیت را برگرفته از سیمت پاپ در جهان مسیحیت می دانند؛ غافل از اینکه نه شریعت اسلام با آیین تحریف شده مسیحیت قابل مقایسه است (چرا که مکتب اسلام مکتبی جامع و مبتنی بر عقلانیت و کتاب آسمانی اش نیز وحیانی و به دور از هرگونه خرافه و گرافه است) و نه عالمان و مراجع دینی ما با رهبران کلیسا قابل مقایسه اند (زیرا مراجع ما، برخلاف حاکمان کلیسا که شریک حکومت‌هایند و از توده مردم بریده اند، همواره در متن جامعه و در کنار مردم بوده اند) و نه جامعه دینی و مذهبی ما با جوامع غربی قابل سنجش است (زیرا جامعه ای که با فرهنگ قرآنی و ولایی خو گرفته است، نه تحت تأثیر روشن فکری التقاطی قرار می گیرد و نه تسلیم القائنات بی پایه این خودیهای بیگانه زده می شود).

در اشاره به طرز تفکر این طیف از روشن فکران، به نقل از مجله معرفت تنها به سخن یکی از آنها بسنده می کنیم که در ستایش تقلید از بیگانگان می گوید: «در اخذ اصول تمدن جدید و مبانی ترقی عقلی و فکری، حق نداریم در صدد اختراع باشیم، بلکه باید از فرنگ سرمشق بگیریم و در جمیع صنایع، از باروت گرفته تا کفش دوزی، محتاج سرمشق غرب بوده و هستیم». (۲)

ص: ۱۲۷

۱- سید محمود مدنی بجستانی، فساد، سلاح تهاجم فرهنگی، ص ۶۱، به نقل از: ژان پل سارتر، روشنفکر و مسئولیت‌های او در جامعه، ص ۴۹.

۲- محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، «عوامل تضعیف خودباوری فرهنگی»، معرفت، پاییز ۱۳۷۸ ش، شماره ۳۰، ص ۲۳.

۸. نقشه استعمار در مبارزه با زبان عربی

از آن رو که زبان عربی وسیله ای مناسب برای ارتباط میان مسلمانان و عاملی مؤثر در تحکیم همگرایی است، دشمنان اسلام کوشیدند تا رابطه مسلمانان را با این زبان که زبان قرآن است، تضعیف کنند و با دامن زدن به قوم گرایی و نژادپرستی، جوامع اسلامی را بی رغبت و بی اعتنا به آن بار آورند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دشمنان تلاش کردند تا زبان عربی را بیگانه بشمارند و در این باره تا آنجا پیش رفتند که خواستند این زبان را از

برنامه های درسی مدارس حذف کنند.^(۱)

یکی از صاحبان این طرز تفکر در سنجشی نامعقول، زبان عربی را با جنایتهای مغول مقایسه کرده و از آن نتیجه ای نادرست گرفته است: «استیلای زبان عربی، ایران و ایرانیان را ده برابر از قتل عام چنگیز خراب تر کرده است».^(۲)

یکی دیگر از پیروان این طرز تفکر می گوید: «هنوز مردم نمی دانند الفبای زبان عربی چه اندازه آنان را از راه مدنیت و ترقی دور انداخته است».^(۳) سومی نیز می گوید: «الفبای عربی منشأ فقر و ناتوانی و عقب ماندگی فکری و استبداد سیاسی در سرزمین اسلام است».^(۴)

استعمارگران افزون بر مبارزه با زبان عربی در کشورهای غیر عرب زبان، در کشورهای عربی نیز تلاش کردند که اعراب را به زبانهای محلی سوق دهند و هر قومی را به زبان خود مشغول سازند تا بدین وسیله، نوعی پراکنندگی در میان آنان پدید آورند.^(۵)

ص: ۱۲۸

۱- نک: روزنامه کیهان، پنجم دی ماه ۱۳۴۱ ش.

۲- فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام، ۱۳۵۷ ش، ص ۲۴۸.

۳- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته «۶»)، ص ۸۲.

۴- همو، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته «۱»)، ص ۵۹.

۵- نک: النظام الربوی فی الاسلام، چاپ اول، ۱۳۹۱ ق، ص ۱۵۴.

اشاره

وحدت و همگرایی اصلی بایسته است و برقراری آن در جامعه اسلامی ضرورتی کاربردی دارد. اگر این اصل در جامعه محقق شود، آثاری مسرت بخش و نتایجی گران سنگ به ارمغان می آورد؛ همان طور که اگر این اصل در جامعه مورد بی مهری قرار گیرد و به دست فراموشی سپرده شود، پیامدهایی زیانبار خواهد داشت و آسیبهای جبران ناپذیری را بر فرد و جامعه تحمیل خواهد کرد.

در اینجا درباره آثار و فواید وحدت گرایی و پیامدهای وحدت گریزی به تفکیک سخن خواهیم گفت:

الف) آثار وحدت گرایی

اشاره

برای دوام و بقای هر تمدن و ملتی هیچ عاملی برتر و کارآمدتر از همدلی و یک رنگی نیست. هر جامعه ای که بنیادش بر اتحاد و همگرایی باشد، آثار مسرت بخش آن را خواهد دید که در این مجال، برخی را یادآور می شویم:

ص: ۱۲۹

هر جا اتحاد و همگرایی باشد، قدرت و توانایی نیز خواهد بود: «فإن يد الله مع الجماعة» (۱). از این رو، هر ملتی که از وحدت و همدلی برخوردار باشد، گامی به فلاح و رستگاری نزدیک تر است و می تواند عزت و سربلندی را تجربه کند، و هر جامعه ای که به بلای بنیان کن تفرقه و پراکندگی دچار شود، ناگزیر از پذیرش ضعف و ناکامی خواهد بود.

رابطه وحدت با توانمندی و رابطه تفرقه با شکست و ناکامی را در غزوه احد به روشنی می توان دید. تا آن گاه که سپاه اسلام در نبرد با دشمن، یک دست و هم عقیده بود، پیروز شد، ولی همین که به بلای تشتت و تفرقه دچار گشت، به جای جشن پیروزی، در شکست و شهادت جمعی از عزیزان به غم نشست. قرآن چه زیبا این صحنه را به تصویر کشیده و از دو روی آن گزارش داده است: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ؛ خداوند به این وعده خود که آنان را به اذن او می کشتید، وفا کرد، تا آن گاه که در امر نبرد با دشمن سست شدید و به نزاع پرداختید» (۲).

امام علی (علیه السلام) در اشاره به تلازم ارجمندی با یکدلی در طول تاریخ بشر می فرماید:

آن گاه که در تفاوت حالتهای نیک و بد پیشینیان به تفکر نشستید، اختیار کنید امری را که به ارجمندی آنان انجامید، به برطرف شدن دشمن از سر راهشان کمک کرد، به تأمین عافیت و فراوانی نعمت منجر گشت و از کرامت و شخصیت برخوردارشان ساخت. این بدان سبب بود که آنان از پراکندگی پرهیز کردند و به وحدت و همدلی

ص: ۱۳۰

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۲۷، ص ۳۹۲.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۲.

سپس آن حضرت به صورت جزئی تر تأکید می کند همه درباره سرگذشت قوم بنی اسرائیل بیندیشند که چگونه فرعونیان آنان را به بردگی کشیدند و تمام راههای فرار و دفاع را بر آنان بستند، اما آن گاه که از نوعی آمادگی و همدلی برخوردار گشتند، خداوند وحشت آنان را به امنیت و خواری آنها را به عزت تبدیل کرد و از آنها که بردگانی بیش نبودند، فرمانروایانی مقتدر ساخت. آن حضرت در اشاره به راز این عزت و توفیق می گوید: «در حال آنان بیندیشید که چگونه بودند، آن گاه که گروهها گرد هم بودند، خواسته ها هم سو، دلها یکسان، دستها کمک کار هم، شمشیرها یاریگر یکدیگر، بینشها ژرف و اراده ها یکی بود. آیا آنان مهتران سراسر جهان نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی کردند؟» (۲)

۲. حفظ قدرت در برابر دشمن

از مفهوم آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (۳) که تفرقه و پراکندگی را موجب سستی در صفوف مسلمانان می داند، می توان فهمید که اثر طبیعی اتحاد و همدلی، استحکام جامعه خودی و حفظ قدرت و هیمنه در برابر بیگانگان است؛ چرا که اتحاد و همدلی مسلمانان رزمایشی عظیم است که به رعب و وحشت دشمن می انجامد و توطئه های شیطانی او را خستی می سازد.

اینکه قرآن از مسلمانان خواسته است تا با بسیج نیرو و تقویت قوای نظامی، زمینه رعب و وحشت دشمن را فراهم آورند، اشاره به همین حقیقت است که فرمود: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْتِطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... تُزْهِقُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ هر چه نیرو در توان دارید، برای مقابله با آنان آماده سازید... تا به

ص: ۱۳۱

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۲۳۴، ص ۸۰۲.

۲- همان.

۳- انفال (۸)، آیه ۴۶.

وسيله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید. (۱)

به همین دلیل است که قرآن آن دسته از مؤمنانی را که در کنار یکدیگر قرار دارند و در صفی واحد در برابر دشمن می جنگند، ستوده و آنان را «بنیان مرصوص» خوانده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»؛ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند و گویی بنایی آهنین اند. (۲)

رفتار امام علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، تفسیر عملی و مصداقی بارز برای این آیات است. با آنکه حضرت می دید از حق مسلم خود محروم شده است، برای حفظ وحدت در مدینه آن روز، لب بر هم نهاد و سکوت اختیار کرد. (۳)

حاصل خویشتن داری امام و اقدامات ستودنی وی، تنها حفظ هیمنه اسلام و قدرت مسلمانان در جامعه نوپای مدینه نبود، بلکه همین اقدامات وحدت آفرین او بود که به فتح کشورهای بزرگ مانند ایران و روم و تصرف فاتحانه مصر، عراق و فلسطین انجامید.

۳. امنیت و آرامش

یکی از آثار مهم اتحاد و یگانگی در هر جامعه ای، حاکمیت صلح و آرامش و دور ماندن آن جامعه از هر گونه جنگ و خون ریزی است؛ زیرا نه فتنه های داخلی که از تحزب و گروه گرایی و برتری جویهای نژادی ناشی می شود، می تواند آرامش و امنیت چنین جامعه ای را بر هم زند و نه سیلابهای تند بیرونی و حيله های آکنده از تزویر دشمن می تواند در آن

ص: ۱۳۲

۱- انفال (۸)، آیه ۶۰.

۲- صف (۶۱)، آیه ۴.

۳- نک: نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۷۳، ص ۱۷۱ و نامه ۶۲، ص ۱۰۴۸.

رخنه کند و موجودیت آن را به خطر اندازد؛ چرا که اتحاد و همدلی ریشه هر فتنه ای را می خشکاند و بذر نوع دوستی را در جامعه می افشاند. محصول این فرایند، چیزی جز برخورداری جامعه از امنیت و آرامش نخواهد بود. این همان است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الجماعه رحمه و الفرقة عذاب»؛ همگرایی رحمت و واگرایی عذاب است. (۱)

بنابراین، اگر جامعه جهانی و یا پیروان ادیان آسمانی اختلافات را کنار بگذارند و متحد گردند، تنش میان آنان به حداقل می رسد؛ همان طور که اگر مؤمنان در جامعه ایمانی و اعضای یک خانواده در کانون زندگی خود، متحد و همدل گردند، زمینه درگیری میان آنان از بین می رود و از هرگونه قهر و جدایی مصون می مانند.

۴. خرسندی پیامبر رحمت

هر قدر شیطان از وجود اختلاف و دشمنی در میان مسلمانان خوشحال می شود، (۲) به همان اندازه، پیامبر اسلام که منادی وحدت است، ناراحت می گردد؛ چرا که او پیامبر رحمت و پدر امت است و بی گمان اگر در امت او اختلافی رخ دهد، خاطرش ملول خواهد گشت و غبار غم بر قلب نازنینش خواهد نشست. مگر غیر از این است که این پیام آور وحدت، گروه گرایی را امری ناپسند می داند، تا آنجا که خداوند بزرگ او را از هرگونه گروه گرایی مبرا دانسته است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُبَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ تو را با کسانی که دینشان را پاره پاره کردند و گروه گروه شدند، کاری نیست. کار آنان تنها

ص: ۱۳۳

۱- نجم الدین قمی (محقق قمی)، المعترف فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سیدالشهداء، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲- نکه: مائده (۵)، آیه ۹۱.

با خداوند است و اوست که آنان را از آنچه می کردند، آگاه می سازد. (۱)

ب) پیامدهای وحدت‌گریزی

اشاره

تفرقه و پراکندگی عاملی ویرانگر است و اگر جوامع بشری اختلافات خویش را کنار نهند، شاهد پیامدهایی دردآور خواهند بود که گریزی از آنها نیست:

۱. قطع کمکهای متقابل

انسان که موجودی اجتماعی است، ناگزیر از تعامل دو سویه با مردم است. این تعامل در صورتی امکان‌پذیر است که انسانها با یکدیگر هم‌دل و هم‌رای باشند؛ چرا که تفرقه و پراکندگی به خصومت می‌انجامد و خصومت مانعی بزرگ بر سر راه همکاری و همیاری است. امام علی در اشاره به رابطه تفرقه و جدایی با ترک کمکهای متقابل در عرصه زندگی اجتماعی می‌گوید: «ما فرق بینکم إلا- خبث السرائر و سوء الضمائر، فلاتوازرون و لاتناصحون و لاتباذلون و لاتوادون»؛ چیزی جز پلیدی درون و زشتی اندیشه‌ها شما را از یکدیگر جدا نساخت. از این جهت است که بار یکدیگر را بر نمی‌دارید، همدیگر را پند نمی‌دهید، چیزی به یکدیگر نمی‌بخشید و با هم دوستی نمی‌کنید. (۲)

۲. ضعف و سستی مسلمانان و طمع دشمن

قرآن کریم که همواره جامعه اسلامی را به بسیج و تقویت نیرو در برابر دشمن فراخوانده است، از هر امری که به ضعف و سستی مسلمانان بینجامد و از جمله، از تفرقه و پراکندگی نهی کرده است؛ زیرا پراکندگی آفتی

ص: ۱۳۴

۱- انعام (۶)، آیه ۱۵۹.

۲- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۱۲، ص ۳۴۹.

زیانبار است که توان نیروی خودی را از بین می برد و ضعف و سستی را در صفوف مسلمانان اجتناب ناپذیر می کند. قرآن در تصریح به این واقعیت فرمود: « وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ »؛ نزاع نکنید که سست خواهید شد و قدرت شما به هدر خواهد رفت. (۱)

قرآن در ذکر نمونه ای عینی و تاریخی برای این مطلب، به داستان تلخ غزوه احد اشاره کرده و عامل شکست پس از پیروزی را در آن غزوه، اختلاف نگاهبانان در گذرگاه کوی رمات دانسته است: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ » ؛ خداوند وعده خود را [در امر پیروزی بر دشمن] بر شما تحقق بخشید، در آن هنگام که دشمنان را به فرمان خدا می کشتید، تا اینکه سست شدید و در کار [نگهبانی] به نزاع پرداختید. (۲)

اگر دنیاخواران گرگ صفت با هدف چپاول ثروت و منابع سرشار کشورهای اسلامی به این سرزمینها حمله کرده اند، به دلیل تفرقه و پراکندگی مسلمانان بوده است. نبود وحدت در کشورهای اسلامی، زمینه ای مناسب برای این دزدان مسلح فراهم آورده و آنها را در غارت ثروتهای این کشورها جری تر کرده است.

امام علی (علیه السلام) در یکی از خطبه های خود، ابتدا از تفرقه و پراکندگی در جامعه خودی اظهار تأسف کرده، می فرماید: «افترقوا بعد ألفتهم و تشتتوا عن أصلهم...»؛ مسلمانان پس از الفت و همگرایی به تفرقه و پراکندگی دچار شدند و از اصل خویش به انحراف رفتند... سپس به طمع دشمن که از تشتت و جدایی مسلمانان نشئت می گیرد، اشاره کرده است:

أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَخَاذَلُوا عَنِ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهِنُوا عَنِ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ

ص: ۱۳۵

۱- انفال (۸)، آیه ۴۶.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۲.

لم يطمع فيكم من ليس مثلكم، و لم يقوَ من قوَى عليكم؛ ای مردم، اگر از یاری حق دست بر نمی داشتید و در خوار ساختن باطل سستی نمی کردید، هیچ گاه کسانی که به پای شما نمی رسند، به شهرهای شما طمع نمی کردند و آن که بر شما چیره شده است، قوت نمی گرفت. (۱)

۳. جنگ داخلی

تاریخ بشر حاکی از آن است که بسیاری از اختلافات فکری و مذهبی در صورت عدم تعدیل و کنترل، به ایجاد شکاف و صف آرایی می انجامد و کشمکشهای لفظی به درگیریهای فیزیکی و مسلحانه منتهی می شود (کثری الخلاف شقاق). (۲) جنگهای خونین ناکتین، قاسطین و مارقین علیه امام علی (علیه السلام)، درگیری فرق اسلامی در شهرهای ری، بغداد و مانند آن، اشغال ایران شیعه توسط حاکمان سنی افغانستان و صف آرایی حکام شیعه صفوی علیه حکومت عثمانی از جمله این نبردهای خونین است.

۴. چیرگی باطل گرایان

یکی از شیوه های شناخته شده و کارآمد برای سلطه بر دیگر جوامع، سیاست «تفرقه انداز و حکومت کن» است که همواره مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده است. قرآن کریم در اشاره به این مطلب که پراکندگی در جامعه به سیطره ستم گران و گرفتار شدن در چنگ آنان می انجامد، حکومت جائزانه فرعون بر قوم بنی اسرائیل را نمونه آورده است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»؛ فرعون در زمین برتری جست و اهل آن را گروه گروه ساخت؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی کشاند، پسرانشان را سر برید و زنانشان را [برای

ص: ۱۳۶

۱- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۶۵، ص ۵۴۱ و ۵۴۲.

۲- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۸۸.

بهره کشی] زنده نگه داشت. (۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره پراکندگی جامعه که به سلطه ناهلان و ستمگران می انجامد، چنین هشدار داده است: «ما اختلفت أمتی بعد نبیها إلا ظهر أهل باطلها علی حقها»؛ هیچ امتی پس از پیامبرشان به پراکندگی دچار نشدند، جز آنکه در آن امت، باطل گرایان بر حق گرایان چیره شدند. (۲)

۵. گرفتار شدن در جنگ شیطان

تا وقتی انسان در میان جمع باشد و با دیگران همدل و همرنگ باشد، شیطان نمی تواند او را بفریبد و به لغزشها و آلودگیهای بزرگ وادارد؛ اما آن گاه که بذر نفاق و دشمنی پراکنده شود و دوستان از همدیگر جدا گردند، زمینه لغزشها فراهم می گردد و شیطان به راحتی می تواند افراد پراکنده را به لغزشهایی افزون تر وادارد. چه زیباست سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که در این باره فرمود: «ید الله علی الجماعه، فإذا شدّ الشاذّ منهم اختطفه الشیطان كما یختطف الذئب الشاذّه من الغنم»؛ دست خدا بر سر جماعت است. هرگاه فردی از جماعت جدا افتد، شیطان چونان گرگی که گوسفند جدا مانده از رمه را می درد، او را می رباید. (۳)

مولوی به همین معنا اشاره دارد که می گوید:

گرگ اغلب آن زمان گیرا شود

کز رمه شیشک به خود تنها رود (۴)

ص: ۱۳۷

۱- قصص (۲۸)، آیه ۴.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۵۵.

۳- حسن بن علی سقاف، فتح المعین بنقد کتاب الاربعین، عمان، مکتبی الامام النووی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۳؛ نیز نک: نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۲۷، ص ۳۹۲.

۴- عبدالباقی کولیبینارلی، نثر و شرح مثنوی شریف، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش، ج ۳، ص ۵۲۶، بیت ۵۰۰.

تفرقه و پراکندگی آفتی بزرگ است که اگر در میان ملت و دولتی تداوم یابد، هلاکت آن حتمی است. بر اثر تشتت، حقوق و تکالیف در جامعه رنگ می بازد و نیروها به تحلیل می رود و به تدریج به ضعف و نابودی می گراید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در اشاره به رابطه پراکندگی با هلاکت فرمود: «إن الله تعالى يأمر بالآلفه و ينهى عن الفرقة، فإن الفرقة هلكة»؛ خداوند به الفت و همگرایی فرمان داده و از تفرقه و پراکندگی نهی نموده است؛ چرا که در پی تفرقه نابودی است. (۱)

به همین دلیل است که آن حضرت پیروان خویش را از هر نوع پراکندگی نهی کرده و در اشاره به پیامد آن فرموده است: «لا تختلفوا فإن من كان قبلکم اختلفوا فهلكوا»؛ به تفرقه نگرانید؛ زیرا پیشینیان به سبب آنکه به تفرقه گراییدند، نابود شدند. (۲)

صائب تبریزی درباره وحدت و همدلی با بیانی زیبا می گوید:

رشته پیوند یاران را بریدن سهل نیست

چهره برگ خزان زرد از جدایی می شود (۳)

۷. گرفتار شدن در عذاب الهی

تفرقه و پراکندگی نه تنها در دنیا انواع سستیها و تلخ کامیها را به دنبال می آورد، در قیامت نیز وحدت گریزان را گرفتار عذابی دردناک خواهد کرد. قرآن کریم در اشاره به این پیامد وحدت گریزی می گوید: «وَلَا تَكُونُوا

ص: ۱۳۸

۱- محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۱۵۹.

۲- اسماعیل بن کثیر، البدایی و النهایی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳- دیوان صائب تبریزی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ج ۳، ص ۱۳۳۴.

كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ «؛ مانند کسانی نباشید که به پراکندگی دچار شدند و پس از آنکه نشانه های روشن به آنان رسید، اختلاف کردند. برای آنان عذابی بزرگ است. (۱)

در آیه دیگری نیز آمده است: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»؛ کسی که پس از آشکار شدن حق، از در مخالفت با پیامبر در آید و راهی جز راه مؤمنان برگزیند، ما او را به همان راهی که می رود، می بریم و او را به دوزخ می فرستیم که چه بد جایگاهی است. (۲)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز وحدت و همگرایی را رحمت و تفرقه و واگرایی را عذاب می داند: «الجماعه رحمه و الفرقه عذاب»؛ همگرایی رحمت و پراکندگی عذاب است. (۳)

افزون بر موارد یادشده، تفرقه و وحدت شکنی پیامدهای دیگری نیز دارد که خروج تدریجی از دین، (۴) محرومیت از فیض خدا، (۵) ویرانی اندیشه ها (۶)

و شکست و واماندگی (۷) از آن جمله است.

جمع بندی و چکیده

یکی از گل واژه های زیبا که در میان آدمیان از جذبه ای خاص برخوردار است، واژه «وحدت» و «اتحاد» است. وحدت ریسمان محکم الهی است که

ص: ۱۳۹

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۰۵.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۱۵.

۳- عبدالرحمن سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۶۱.

۴- نک: شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۹۷.

۵- نهج البلاغه (ترجمه و شرح فیض الاسلام)، خطبه ۱۷۵، ص ۵۷۶.

۶- همان، حکمت ۲۰۶، ص ۱۱۸۳؛ تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۷۰.

۷- نک: تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۰.

آحاد جامعه اسلامی را در کنار هم نگه می دارد و ارتباطی منظم میان آنان برقرار می سازد و آنها را از پراکندگی و دورافتادگی مصون می دارد. از این رو باید یادآور شد، در شرایطی که دشمنان اسلام و مسلمین و زورگویان بی منطق، با زور و تهدید و به کارگیری انواع نقشه ها و حيله ها، در هدم اسلام و سرکوبی مسلمانان می کوشند تا جامعه اسلامی را صد پاره کرده و آن را به مصیبتی بدتر و تلخ کامی فرو نهد. سازند، بایسته است تمامی مسلمانان، به خود آمده و گذشته عزتمندانه خویش را به یاد آورند و به وضع موجود که وضعی رقت بار است تأسف بخورند و با مقایسه این دو زمان و عبرت آموزی از آن، سلاقی فردی و خودبرتربینیهای نژادی را کنار نهند و از چنددستگیها و دشمنیها دست برداشته و به عزت اسلامی خود که یادآور خاطرات شیرین خندق و خیبر و فتح اندلس و قسطنطنیه است بازگردند و با اتحاد عمیق و انسجام خود، در تحقق آرمانهای جهانی اسلام بکوشند.

در پایان و در نتیجه گیری از این تحقیق، مواردی به عنوان «منشور وحدت اسلامی» یاد می گردد، به امید آنکه مسلمانان، به رغم وجود تنوع و تفاوت فرهنگها، در اجرای مواد وحدت آفرین این منشور بکوشند.

۱. نه تنها در مکتب توحیدی اسلام، مبنای عالم آفرینش بر اتحاد و یگانگی استوار است و نه تنها مبنای این مکتب، دعوت به یگانه پرستی است که در نظام اجتماعی اسلام نیز همدلی و همگرایی به صورت امری فطری رقم خورده است.

۲. وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی پیش از آنکه مطلوبی دینی و وحیانی باشد، ضرورتی عینی و عقلانی است؛ زیرا تداوم حیات و استواری جامعه اسلامی وام دار برقراری وحدت در جامعه است.

۳. ایمان به خدا، نبوت و خاتمیت پیامبر گرامی اسلام و اعتقاد به معاد و

عدم انکار ضروریات اسلام، از ملاکهای مسلمانی است، از این رو هیچ کس مجاز به تکفیر دیگر افرادی که از این ملاکها برخوردار می باشند، نیست.

۴. آرمان تمام پیامبران و رهبران الهی، ایجاد وحدت و تحکیم آن در میان ملتها بوده است.

۵. تأکید قرآن به وحدت و همگرایی منحصر به موردی خاص نیست بلکه افزون بر ضرورت وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی، به وحدت در میان پیروان ادیان آسمانی و بالاتر از آن، وحدت در سطح جامعه جهانی نیز توصیه نموده است.

۶. برای اهمیت وحدت در قرآن همین بس که به عنوان نعمتی الهی و فلسفه نزول قرآن و بعثت پیامبران رقم خورده است، همچنان که زشتی پراکندگی در قرآن به انحراف از راه فطرت، بغی و ستمگری، نغمه ای شیطانی و عذابی الهی معرفی شده است.

۷. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با شعار «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» وحدت را پی نهاد و با اقدامات وحدت آفرین خود، آن را استوار ساخت. اقدامات آن حضرت در طول دوران رسالت، به ویژه پس از هجرت، گواهی آشکار بر این واقعیت است.

۸. امامان نور (علیهم السّلام) که متأثر از فرهنگ متعالی اسلام و توصیه های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به وحدت بودند، با رفتارهای وحدت آفرین خود، به استواری وحدت در جامعه کمک کردند؛ سکوت حکیمانه امام علی (علیه السّلام) در طول ۲۵ سال و شرکت دیگر امامان در نماز جمعه، جماعت و مراسم عید دیگر مسلمانان و نیز توصیه آنان به شرکت شیعیان در مراسم برادران اهل سنت از جمله اقدامات امامان است.

۱۰. پیشوایان اهل سنت که معاصر با امامان شیعه بودند، از رابطه ای دوستانه و توأم با احترام برخوردار بودند و حتی مانند دیگران در محضر

آنان شاگردی می کردند. شاگردی ابوحنیفه و مالک بن انس نزد امام صادق (علیه السلام) نمونه ای بر این مطلب است.

۱۲. عالمان همیشه بیدار مسلمان که بیش از دیگران، ضرورت وحدت جامعه اسلامی را حس می کنند، همواره در اندیشه ایجاد و حفظ وحدت در جامعه بوده و هستند. تاریخ مشعشع این رهبران در برخورد هوشمندانه با این موضوع، گواهی روشن بر این مدعاست.

۱۳. وحدت به معنای عدم اختلاف مسلمانان در عقاید و سلايق نیست، چرا که وحدت به این معنا نه معقول است و نه ممکن، بلکه وحدت، به معنای همدلی در مشترکات و همراهی و هم‌رأیی در عرصه های سیاسی و جهانی است.

۱۴. تحقق وحدت، مبتنی بر کلان‌نگری، جامع‌نگری، توسعه در اندیشه و رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصبات غیر منطقی است.

۱۵. هرچند عواملی محدود و معدود، امت متحد دیروز را به جمعی پراکنده تبدیل ساخته است، اما در برابر این واقعیت تلخ، محورهایی همچون اشتراک در اصول اعتقادی، عبادی، سیاسی و داشتن منابع مشترک فقهی و نیز اشتراک در انجام فروع عملی وجود دارد که امید به همگرایی را تقویت می کند.

۱۶. وحدت و همگرایی که تجلی جامعه آرمانی است، عناصر و پیش‌زمینه های ویژه ای دارد که جامعه توحیدی را از دیگر جوامع بشری، متمایز و ممتاز می سازد، ایمان به خدا و پیامبر، دوستی اهل بیت، وحدت در قبله، عنصر حج، وظیفه به جمع‌گرایی در امور عبادی و مانند آن از جمله این عناصرند.

۱۷. هرچند مسلمانان، به لحاظ تنوع اقوام، نژاد و زبان و نیز اختلاف در منطقه جغرافیایی، از فرهنگهای متنوع و متفاوتی برخوردارند، در عین این

تفاوتها، وارث فرهنگی همسان و مشترکند.

۱۸. هرچند با اختلال در امر حیاتی وحدت، آینده مسلمانان، تاریک و مبهم می نماید، آنچه که جامعه اسلامی را به آینده ای روشن امیدوار می سازد وظایف و تکالیفی همگانی است که می توان با انجام آن، وحدت لازم را دست آورد و شوکت ازدست رفته را به جامعه باز آورد. ضرورت شناخت متقابل، انجام گفت و گوهای مثبت، نقدهای دور از توهین، تسامح در چندگرایی، به کارگیری عفو و مدارا، عبرت گرفتن از تاریخ، چاره اندیشی درباره اختلافات، جهت دهی دینی به شعائر اسلامی و مانند آن، از جمله این وظایفند.

۱۹. وحدت و همگرایی مانند دیگر پدیده های اجتماعی آسیب و آفتهای فراوان دارد که خطری جدی برای امت بزرگ اسلامی است، از این رو بر فرهیختگان و مصلحان خیراندیش لازم است، ابتدا این آسیبها را شناسایی و سپس راهی برای درمان آن ارائه نمایند. گفتنی است این آسیبها به دو دسته آسیبهای درونی و بیرونی تقسیم می شود.

۲۰. وحدت و همگرایی اصلی بایسته و ضرورتی کاربردی است که اگر محقق شود، آثاری مسرت بخش به ارمغان می آورد، همان سان که تفرقه و پراکندگی عاملی زیان بار است که اگر ملتی گرفتار آن شود ناگزیر از پذیرش پیامدهای دردآورش خواهد شد.

ص: ۱۴۳

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، بی جا، بی تا.
۳. آدمیت، فریدون، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام، ۱۳۵۷ ش.
۴. آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ق.
۶. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم، اسد الغابی فی معرفی الصحابه، تهران، اسماعیلیان، بی تا.
۷. -----، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۸. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الامالی، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، بی تا.
۹. -----، الخصال، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۱۰. -----، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. ابن بلبلات، علاءالدین علی، صحیح بن حبان، بیروت، نشر الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تلخیص الحبیر، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۳. -----، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۵. ابن عبدالله بن عمر، محمد عقیل، النصائح الکافی لمن یتولی معاوی، قم، دار الثقافی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۶. ابن كثير، حافظ ابوالفداء اسماعيل دمشقى، البدايه و النهايه، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. ابن منظور افريقى مصرى، ابوالفضل جمال الدين محمد، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. ابن واقد، محمد بن عمر، المغازى الواقدى، قم، دانش اسلامى، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. ابن هشام حميرى، السيره النبويه، مصر، مصطفى البانى، ۱۳۵۵ ق.
۲۰. احسانى، ابن ابى جمهور، عوالى اللئالى، قم، سيدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. امام شافعى، كتاب الأم، بيروت، دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. امين، سيدمحسن، تاريخچه و نقد و بررسى و هابيهها، ترجمه سيدابراهيم سيدعلوى، تهران، اميركبير، ۱۳۷۶ ش.
۲۳. امينى، عبدالحسين، الغدير، بيروت، دار الكتب العربيه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.
۲۴. بحراني، كمال الدين ميثم بن على، شرح مئه كلمه، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۲۵. بى آزار شيرازى، عبدالكريم، همبستگى مذاهب اسلامى، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامى، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. بيهقى، احمد بن حسين بن على، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۲۷. تميمى آمدى، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، شرح جمال الدين محمد خوانسارى، تصحيح و تعليق سيدجلال الدين محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش.
۲۸. جعفرى، محمدتقى، «نفوذ فرهنگ در جوامع انساني»، مجموعه مقالات دومين سمپوزيوم مسائل تربيتى، بى جا، بى نا، بى تا.
۲۹. -----، تفسير و نقد مثنوى مولوى، بى جا، بى تا.
۳۰. حاكم نيشابورى، محمد بن محمد، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دار المعرفى، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. حرّانى، ابو محمد حسن بن شعبه، تحف العقول، ترجمه محمدباقر كمره اى، تهران، اسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. حفتى داود، حامد، نظرات فى الكتب الخالده، قاهره، دار العلم، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.

۳۴. حکیمی، محمدرضا، مشعل اتحاد، تهران، انجام کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۳۵. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد القویّی لدفع المخاوف الیومی، قم، نشر کتاب خانۀ آیہ الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۳۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.

ص: ۱۴۶

۳۷. حیدر، اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۳۸. خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. دارالتقريب، اسلام آيين همبستگی، ترجمه و نگارش عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، مؤسسه بعثت، ۱۳۵۴ ش.
۴۱. در جستجوی راه از کلام امام، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، دفتر ۱۵.
۴۲. دیوان صائب تبریزی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۴۳. ذهبی، محمد بن احمد، تذکری الحفاظ، حیدرآباد، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. -----، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. راوندی، قطب الدین، کتاب النوادر، بیروت، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. ربّانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴۷. رشید رضا، محمد، المنار، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، بی تا.
۴۸. روزنامه کیهان، پنجم دی ماه ۱۳۴۱ ش.
۴۹. زمخشری، جارالله، الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۵۰. سقاف، حسن بن علی، فتح المعین بنقد کتاب الاربعین، عمان، مکتبی الامام النووی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۱. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمدباقر انصاری، قم، الهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۰۴۱ ق.
۵۳. -----، الدر المنثور، قم، کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا.
۵۴. شرابی، هشام، روشنفکران عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸ ش.
۵۵. شرف الدین، سیدعبدالحسین، اجوبه مسائل جارالله، صیدا، العرفان، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ق.

٥٦. شريف، يحيى امين، معجم الفرق الاسلاميه، بيروت، دار الاضواء، چاپ اول، ١٤٠٦ ق.
٥٧. شيرازى، صدرالدين محمد، الاسفار الاربعه، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٩٨١ م.
٥٨. صالحى شامى، محمد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد، بيروت، دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٤ ق.

۵۹. صدر حاج سیدجوادی، احمد و همکاران، دایره المعارف تشیع، تهران، سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۶۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۶۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، نهایی الحکمه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۶۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۶۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف، دار النعمان، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق.
۶۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.
۶۵. -----، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۶۶. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب القری، دار الکتب المصریه، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ق.
۶۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۶۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۶۹. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، المرکز الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۷ ق.
۷۰. عقاد، عباس محمود، راه محمد، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۷۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۷۲. فولادی، محمد و محمدعزیز بختیاری، «عوامل تضعیف خودباوری فرهنگی»، معرفت، پاییز ۱۳۷۸ ش، شماره ۳۰.
۷۳. فیض کاشانی، ملامحسن، التفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۷۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۷۵. قرضاوی، یوسف، الامه الاسلامیه حقیقه لا وهم، بیروت، الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۷۶. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق. و دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۷۷. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده لذوی القربی، بی جا، دار الاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

٧٨. كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب، الاصول من الكافي، بيروت، دار التعارف، چاپ سوم، ١٤٠١ ق.

ص: ١٤٨

۷۹. کنگره جهانی ائمه جمعه، قم، الهادی، چاپ اول، بی تا.

۸۰. کولپینارلی، عبدالباقی، نثر و شرح مثنوی شریف، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.

۸۱. گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، پژوهشی در سیره نبوی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۸۲. لاریجانی، محمدجواد، «مقایسه گونه های روشنفکری»، اندیشه حوزه، آذر و دی ماه ۱۳۷۹ ش، شماره ۲۵.

۸۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۸۴. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (نقش روشنفکران وابسته)، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش.

۸۵. ماهنامه پاسدار اسلام، مرداد ماه ۶۷، شماره ۴۴۰.

۸۶. متقی هندی، علی بن عبدالملک، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ق.

۸۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۸۸. مجمع دار التقرب، رساله الاسلام، سال سوم، شماره چهارم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.

۸۹. محقق قمی، نجم الدین، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سیدالشهداء، ۱۳۶۴ ش.

۹۰. محمود صواف، محمد، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ترجمه سیدجواد هشترودی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۷ ش.

۹۱. محیط طباطبایی، سیدمحمد، سیدجمال اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.

۹۲. مدنی بجستانی، سیدمحمود، فساد، سلاح تهاجم فرهنگی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۹۳. مدیریت ویژه نشر آثار مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، بی جا، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۹۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائری المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.

۹۵. مشکور، محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، اشراقی، چاپ ششم، ۱۳۶۸ ش.

۹۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش.

۹۷. -----، «الغدیر و وحدت اسلامی»، یادنامه علامه امینی، قم، رسالت، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ق.

۹۸. -----، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.

ص: ۱۴۹

۹۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، المسائل العکبریه، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۰. -----، النکت الاعتقادیه، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ ش.
۱۰۲. منذری، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۳. منہاجی اسیوطی، محمد بن احمد، جواهر العقود، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۰۴. موثقی، سیداحمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۰۵. نصر، سیدحسین، معرفت و امر قدسی، تهران، فرزانه روز، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، آل البیت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۷. نیشابوری، محمد بن قتال، روضی الواعظین، قم، منشورات الرضی، بی تا.
۱۰۸. واعظ زاده خراسانی، محمد، «تقریب مذاهب اسلامی، ضرورتی استراتژیک»، اندیشه حوزه، اسفند ۸۶، شماره ۶۷ - ۶۸.
۱۰۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۱۱۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر، «اجتهاد و نواندیشی»، مجموعه مقالات، تهران، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.